

آموزش ابتدایی

رشد

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره‌ی هجدهم/ فروردین ماه ۱۳۹۴ / شماره‌ی بی‌دری ۱۴۸
ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

یادداشت سردبیر / سال نو و درس‌های نیکوکاری / اصغر ندیری / ۲

گفت‌وگو / تربیت تعطیل بردار نیست / محمود یحیوی / ۴ ● همه به مشاوره و راهنمایی نیاز دارند،

کودکان بیشتر! / محمد دشتی / ۴۲

آموزش / چشم و گوش باز / مترجمان: دکتر نیره شاه‌محمدی، افشین چمن‌آرا / ۶ ● تصویرسازی

بال پروانه / خسرو شیرچی / ۱۲ ● نه زنگی، نه رومی / ابراهیم اصلانی / ۱۴ ● صدسال به از این

سال‌ها / سوسن نوروزی / ۲۰ ● ابزار یادگیری ما / فریبا رئیسی / ۲۲ ● من دوست تو هستم /

عفت میراحمدیان / ۳۲

گزارش / این که گفتم یعنی چه؟ / ائلدار محمدزاده صدیق / ۱۰ ● واقعیت درمانی کاربران بریل /

نادر قوتی / ۲۴

یادداشت / به نوآموزان، نویاموزیم / ۸

بهداشت و سلامت / نگران علائم ارسالی / دکتر احسان‌الله‌محمدی / ۱۶

تعلیم و تربیت / داربست، اساسی‌ترین مرحله در پرورش نهال یادگیری / عادل ضربی / ۱۸ ● از بالا هم

می‌شود نگاه کرد / قاسم اسمعیلی / ۳۵

خاطره / صبحانه‌ای با طعم نقاشی / زهرا کیانی‌پور / ۱۹ ● رؤف‌المعلمین / محمدباقر نوریان لالیبی

۴۴ /

نکته / نگذارید گذشته‌تان فراموش شود / اصغر محمدی / ۲۶ ● به چپ چپ، به راست راست /

شهلا سلیمانی / ۳۹

محیط زیست / گردشگری در کشور سه قاره / صفورا زواران حسینی / ۲۷

تربیت بدنی / من می‌دوم، تو هم بدو! / حسن خدادادی، خالد دودمان / ۳۰

کتاب‌خانه‌ی مدرسه / منصوره محمدی پرفکر / ۴۵

همراهان ما / ۴۶

تجربه‌ی سبز / مسافران نوروزی ما / فهیمه حبیبی / ۴۸

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: اصغر ندیری
شورای برنامه‌ریزی:
فاطمه رضانی، حسن طاهری
سیده‌زها یاسینی، یدالله رهبری‌نژاد
صادق صادق‌پور
مدیر داخلی: فهیمه دهقان
ویراستار: لیلا بنی‌طیاء، خان‌آبادی
طراح گرافیک: علیرضا پورحنیفه

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران‌شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۳۷۵)
نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir
پيام‌نگار: ebteday@roshdmag.ir
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۰۹
کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۱۱ / ۱۶۵۹۵
تلفن امور مشترکین:
۷۷۳۳۶۶۵۶ و ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۰۲۱
شمارگان: ۳۲۰۰۰
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکس روی جلد: اعظم لاریجانی



قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان چه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD و یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتراژ باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عنوان و آثار وی پیوست شود. ● مجله در رد، قبول و ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

سال نو و درس‌های نیکوکاری

اصغر ندیری

مکتب‌خانه نمایان شده است.

در کنار نمادهای سنتی این امر، نیکوکاری در شکل‌های جدید هم در جامعه‌ی ما خودنمایی می‌کند. ساخت مدرسه، درمانگاه، ورزشگاه، مؤسسات نگهداری اطفال و سالمندان از جمله این اقدامات است که طی مراسمی مانند جشن نیکوکاری یا از طریق حساب‌های بانکی اعلام شده در سطح ملی و پیش از شروع سال نو و سال تحصیل انجام می‌پذیرد. این قبیل فعالیت‌ها خواستی قلبی و اراده‌ای اثرگذار است که بسیاری از پتانسیل‌های موجود را به فعل تبدیل می‌کند.

ابزار کتاب درسی

از بسترهای گسترده و مناسبی که می‌توان با آن دانش‌آموزان و فرزندان خود را به انجام دادن امور خیریه و عام آشنا کرد، کتاب‌های درسی است. کتاب‌های درسی با ایجاد این فرصت در درس‌ها، صفحات و تمرین‌های خود می‌توانند جمعیت پویای دانش‌آموزی کشور را به این خیزش قلبی و فکری برسانند و پس از گذشت سال‌ها ویژگی‌های خاطره‌انگیزی را هم به ارمغان بیاورند. در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی درس‌های خوبی در زمینه‌ی نیکوکاری یا امداد و یاری به هم‌نوع به شیوه‌های مستقیم یا غیرمستقیم آمده است و البته درس‌های هشت سال دفاع مقدس سراسر لبریز است از فداکاری و نیکوکاری فرزندان این آب و خاک. در اینجا و برای تبرک به حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص)

در روزهایی که مشغول جمع‌آوری مطالب مجله‌ی شماره‌ی هفت بودیم، نامه‌ای مبنی بر روش جلب مشارکت و دریافت قלק‌های نیکوکاری محک به دفتر مجله رسید. این مؤسسه، خیریه‌ای مردم‌نهاد یا به عبارتی یک «ان‌جی‌او» است که از ۱۳۷۰ فعالیت‌های حمایتی خود از کودکان مبتلا به سرطان را آغاز کرده است.

مؤسسه‌ی مردم‌نهاد

در تعریفی ساده به مؤسسه یا سازمانی مردم‌نهاد گفته می‌شود که از طریق پیمان و معاهده‌ی بین‌المللی ایجاد نشده و کمابیش عمومی است. ایده‌ای که آنان را کنار هم گرد آورده است ریشه در دل دارد و در نهایت اینکه سازمان‌های مردم‌نهاد در پی کسب سود نیستند.

حال که در آغازین روزهای سال جدید هستیم، آنچه که بیش از هر چیز جلب نظر می‌کند، سرزندگی دوباره‌ی طبیعت و توجه مردمان به یکدیگر و آرزوی توفیق و تندرستی برای هم است؛ ما نیز مسروریم که توانسته‌ایم در فضایی اندک درخواست «محک» و پیام آن را به شما مخاطبان بلندهمت برسانیم. فرهنگ ایرانی-اسلامی مردم ما آن‌چنان پر بار از رفتارهای عام‌المنفعه است که تلألوی پرتو آن در جامعه غیرقابل کتمان است.

فعالیت‌های نیکوکارانه در جهت خیرخواهی و کمک به هم‌نوع از نشانه‌های فرهنگی ماست و از گذشته به شکل احداث چاه آب، ساخت اماکن عمومی مانند کاروان‌سرا، مسجد، گرمابه و یا



که با هدف اصلی حمایت از کودکان مبتلا به سرطان و خانواده‌های آن‌ها در تهران آغاز به کار کرد. این مؤسسه به کودکانی که تا سقف ۱۴ سال سن دارند کمک می‌کند. با اینکه هسته‌ی اصلی مؤسسه در تهران واقع شده است ولی دایره‌ی خدمات‌رسانی آن تمامی ایران است.

این مؤسسه با جلب مشارکت‌های مردمی اعم از کالا، خدمات نقدی و دانش فنی اداره می‌شود. محک تاکنون بیش از ۲۱۰۰۰ کودک مبتلا به سرطان را تحت حمایت همه‌جانبه قرار داده است. دریافت مقام مشورتی از شورای اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل متحد، عضویت در سازمان‌های معتبر بین‌المللی مرتبط با سرطان کودکان، احداث تنها بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان در خاورمیانه، اخذ استاندارد -NGO Bench-marking به‌عنوان اولین سازمان غیردولتی

در خاورمیانه، انجام پروژه‌های تحقیقاتی-کاربردی با همکاری معتبرترین مؤسسات تحقیقات داخلی و خارجی همچون مرکز تحقیقات سرطان دانشگاه تهران (انستیتو کانسر) و انستیتو گووستاوروسی فرانسه، نشان‌دهنده‌ی فعالیت مؤثر این مؤسسه‌ی خیریه است.

دندانپزشکی، روان‌شناسی، قلب، کودکان و هم‌چنین بخش‌های پاراکلینیکی از جمله خدمات تشخیصی سی‌تی‌اسکن، ام‌آر‌آی و هم‌چنین آزمایشگاه‌های بیوشیمی، میکروبیولوژی و هماتولوژی، فیزیوتراپی و آب‌درمانی از بخش‌های بیمارستان فوق تخصصی سرطان اطفال است. هم‌چنین این مجموعه دارای فضاهای رفاهی و تفریحی مانند استخر، اتاق بازی کودکان، کتاب‌خانه، مجتمع تجاری و سالن آمفی‌تئاتر است. خدمات این بیمارستان برای کودکان مبتلا به سرطان که تحت حمایت محک می‌باشند متناسب با درصد حمایتی آن‌ها رایگان است.

مؤسسه‌ی محک مانند هر بنیاد مردم‌محور دیگری، هویت اجتماعی‌اش را از نیروهای داوطلبش کسب می‌کند.

پست الکترونیک

info@mahak-charity.org / pr@mahak-charity.org

اشاره می‌شود که در ارتباط با نیکی به همسایه است و در فصل اول کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی چهارم درج شده است. پیامبر اعظم می‌فرماید: «اگر می‌خواهید خدا و پیامبر شما را دوست داشته باشید، امانت‌دار و راستگو باشید و با همسایگان خود به نیکی رفتار کنید».

همکاران گرمی و آموزگاران زحمت‌کش حتماً می‌توانند در کنار تدریس خود و بیان نمونه‌هایی از فداکاری رزمندگان هشت سال دفاع مقدس و نمونه‌هایی مانند دریاقلی سورانی و شهیدفهمیده یا دیگر چهره‌های فداکار میهن، از امور خیریه و جلوه‌های دیگر نیکوکاری برای بچه‌ها سخن بگویند؛ از اینکه با مشارکت دانش‌آموزان و دستان کوچک و سرمایه‌های اندک آنان در قالب تهیه‌ی «فلک‌های محک» می‌شود فرصت بهبود و بازگشت به زندگی را به کودکان بیمار داد. معرفی دانش‌آموزان دچار سرطان به محک نیز می‌تواند از فعالیت‌های دیگر آموزگاران باشد.

محک

محک سازمانی است که از انگیزه‌ی والای خدمت به هم‌نوع سرچشمه گرفته و توجه خود را معطوف بیماری سرطان کودکان در سطح ملی و بین‌المللی و در حوزه‌های امور خیریه، درمان و تحقیقات نموده است. حمایت همه‌جانبه از کودکان مبتلا به سرطان و خانواده‌های آنان در بخش خیریه، درمان کودکان مبتلا به سرطان در چارچوب منشور حقوق بیمار و براساس جدیدترین و کارآمدترین روش‌ها و آخرین دست‌آوردهای علم پزشکی در زمینه‌ی بیماری سرطان برای کشف علل بروز بیماری، روش‌های تشخیص و پیشگیری، مأموریت این سازمان است. مؤسسه‌ی خیریه‌ی حمایت از کودکان مبتلا به سرطان (محک) نام مؤسسه‌ای است غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی

ترتیب تعطیل بردار نیست

نشستی با دکتر فریدون فضلی خانی درباره‌ی اوقات فراغت

محمود یحیوی

عکس: مریم فرحی

می‌شود، آموزش به کل مدرسه و نیز جامعه شیوع می‌یابد. بنابراین، آموزش تعطیل نشده است و یادگیری به انحاء گوناگون ادامه می‌یابد؛ چون آموزگار در مدرسه و کلاس سؤالاتی را مطرح کرده، در واقع آمادگی‌هایی را ایجاد کرده و این نقش هدایتگری معلم است. در این میان، نقش وسایل ارتباطی جمعی و رسانه‌های آموزشی مهم است. به این صورت دانش آموز هنوز در اختیار ماست و در برنامه جای دارد. تصورات و حرکات او در اختیار آموزگار، مدیر یا نظام آموزش و پرورش است. پس فعالیت‌ها، بازی، تفریح و نگاه او معنادار و تجلیگاه یادگیری‌های مدرسه‌ای است. او باید بتواند خارج از کلاس تجارب خود را به آزمون بگذارد و به درک برسد.

باید بدانیم مدرسه جای تجربه‌ی کافی نیست؛ چون مینیاتوری از جامعه‌ی اصلی است. مدرسه می‌تواند بخشی از اضلاع جامعه را پوشش دهد. این تصور که بگویند مدرسه جایی است که دانش آموز صبح بیاید آموزش ببیند و سپس بی‌دفتر و کتاب و تکلیف به خانه برگردد، از نظر من غلط است.

جنس آموزش مدرسه و خارج از آن

چیست؟

این دو در طول هم هستند نه در مقابل هم. قرار نیست ما در مدرسه چیزی یاد دهیم و دانش آموز خارج از مدرسه چیزی دیگر بیاموزد و انجام دهد. ما باید به

اشاره

گفته می‌شود اوقات فراغت زمانی است که فرد در آن به انجام فعالیت‌های مورد علاقه‌ی خود می‌پردازد. اما آیا می‌توان این زمان را بی‌هدف و بی‌برنامه گذراند؟ آیا می‌شود تعریف آن را تغییر داد؟ به نظر شما تابستان‌ها تعلیم و تربیت تعطیل می‌شود و یا تعلیم و تربیت تعطیل بردار نیست و فقط شکل آن دگرگون می‌شود؟

برای اینکه با مفهوم اوقات فراغت و نظام رسمی تعلیم و تربیت و زمان آموزش و نظراتی در این زمینه آشنا شویم با دکتر فریدون فضلی خانی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه تعلیم و تربیت صحبتی داشتیم. فضلی خانی از سال ۱۳۶۶ وارد آموزش و پرورش شده و ضمن تدریس در پایه‌ها و دوره‌های تحصیلی سمت‌های مدیریتی نیز داشته است. از فعالیت‌های پژوهشی وی اجرای طرح صدای معلم تهران به صورت تلفنی، پژوهش‌هایی در ساخت وسایل کمک آموزشی ابتدایی بوده است و بستر کارهای دوره‌ی ابتدایی را می‌شناسد. به باور او این دوره بیشترین اثر را در تعلیم و تربیت دارد. فضلی خانی هم‌اکنون علاوه بر اجرای کارگاه‌های آموزشی معلمان به تدریس در دانشگاه فرهنگیان و خوارزمی مشغول است و البته دیدگاه خاصی در ارتباط با اوقات فراغت دارد.

آیا آموزش و پرورش محدود به

فضای مدرسه است؟

نظام تعلیم و تربیتی ما و جهان قلمروها و حوزه‌هایی دارد. در دنیا نیز بخش تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی وجود دارد. نظام رسمی بیشتر در مدارس شکل می‌گیرد و در قالب کتاب درسی و ساعات آموزشی و تخصیص معلم خود را نشان می‌دهد. به این ترتیب، نظام کلاسی و

قلمرو آموزش است، یعنی باید این فضاها را در طول هم ببینیم. به باور من وقتی کار هسته‌های آموزشی دانش آموزان در کلاس آغاز می‌شود، معلم نیز نقش هدایتگر دارد و هنگامی که مدرسه تعطیل می‌شود، قالب کار کلاسی به کل جامعه انتقال می‌یابد. پس آموزش تعطیل نشده و البته کامل هم نیست، بلکه بستر کار وسیع‌تر شده است. اتمام یادگیری معنا ندارد؛ زیرا هر چه دید دانش آموز وسیع می‌شود، مفهوم آموزش، گستردگی خود را نشان می‌دهد.

با این نوع نگرش، هنگامی که

دانش آموز در خارج از کلاس است،

چه اتفاقی می‌افتد؟

این فکر با پیشرفت خود بستر آموزش را فراهم می‌کند. وقتی کلاس تعطیل

در اوقات فراغت مورد نظر

من بازی، گردش و تفریح با

مشاهده و مطالعه و شناخت

همراه است

فوق برنامه یا مکمل در مدرسه شکل می‌گیرد اما در بیرون از مدرسه هم بستر و

این تصور که بگویند مدرسه جایی است که دانش آموز صبح بیاید آموزش ببیند و سپس بی دفتر و کتاب و تکلیف به خانه برگردد، از نظر من غلط است

نتیجه در این فضا چیزی تجربه نمی شود. اردو جایی است که دانش آموز وقتی تشنه می شود، بتواند از امکانات اطراف استفاده کند و نیازش را برطرف سازد. در این فعالیت رعایت اخلاق و بهداشت نیز مهم است.

می خواهم بگویم «اوقات فراغت» نام جالبی نیست. باید بگوییم این جلوه و بخشی از تربیت است.

در نظام رسمی آموزش، مفهوم کار و فعالیت به نوعی خاص لحاظ می شود که فراغت در آن مقطعی است. وقتی دانش آموز به خانه می رود باید از این نظام بیاموزد که آموخته هایش را به کار بندد. اگر در خانه مثلاً در شیشه ی مربا باز نمی شود، با استفاده از قانون انبساط و انقباض بتواند بر مشکل غلبه کند.

اگر این شخص بخواهد ترک تحصیل نیز کند، آموزش ها و تجربه ها همراه او باشند. بنابراین، فرایند آموزش تعطیل بردار نیست. اگر یادگیری درونی باشد این ضمانت وجود دارد که یادگیری انجام شده است و مدرسه چه تعطیل و چه دایر باشد ما به هدف خود رسیده ایم.



می دانید چه اثر سازنده ای خواهد داشت؟

با توجه به گفته های پیش، از نظر شما اوقات فراغت چه معنایی دارد؟

همان طور که در لابه لای سخنانم اشاره کردم، به اصطلاح فراغت از درس رسمی باور ندارم. در درس و بحث و همین طور زمان غیررسمی چنین تعریفی نداریم. در بیرون از کلاس مفاهیم باید تجربه شوند.

به نظر شما آموزگاران در فرصت سه ماهه ی تعطیلات تابستانی چه وظایفی دارند؟

اگر تصمیم با من بود می گفتم آموزگاران در طول تابستان به کمک ابزارهای گوناگون مانند تلفن همراه و ایمیل با دانش آموزان در ارتباط باشند و این ارتباط مثلاً در قالب ۵۰ ساعت فعالیت دانش آموزان سامان دهی شود.

این ارتباط سه جانبه است؛ یعنی پدر و مادر هم حضور دارند و نقش هدایتی آنها مثل همیشه پررنگ است. هرگاه آموزگار با نقش رسمی خود و جامعه با ساختار سازمانی و بسترساز و اولیا در کنار هم باشند، دانش آموز خوب یاد می گیرد. در غیر این صورت، تربیت ایتراست. در اوقات فراغت مورد نظر من بازی، گردش و تفریح با مشاهده و مطالعه و شناخت همراه است. گاهی دیده می شود که در اردوهای دانش آموزی همه چیز آماده است. در

سازمان دهی آموزش در مدرسه و جامعه به شکلی که مکمل هم هستند، نگاه کنیم. اگر می خواهیم از فناوری بگوییم یا تکلیفی ارائه کنیم، باید به نیازهای فرد و جامعه بنگریم. دیگر اینکه فعالیت ها طبق میل و انگیزه و توان فرد باشد. از طرفی، همراهانی مانند پدر و مادر یا آموزگار باید شأن و قدرت راهنمایی و راهبری دانش آموز را داشته باشند. صبر و شکیبایی مری در این مسیر مهم است و اینکه هدایت ها غیرمستقیم باشند. اگر دانش آموز خواست تحقیقی انجام دهد، آموزگار نحوه ی پژوهش و محل های دریافت اطلاعات مانند کتابخانه و نحوه ی استفاده از اینترنت یا شیوه های گفت و گو با افراد مطلع را بیان کند و نه جواب مورد نظر را.

به این ترتیب، در فضای فراغت فرایند پژوهش و چگونگی درگیر شدن با این فرایند مهم است. تشویق در فضای فراغت باید از نوع درونی باشد. از مصداق های تشویق و اقیاع درونی می توان به این عبارات اشاره کرد و دانش آموز را بزرگ داشت: «شما چقدر خوب تحلیل کردید! دوست داشتم به جای شما بودم. شما در ارتباط با موانع چه راهکارهای خوبی نشان دادی!» اگر پدری به فرزند خود بگوید: «این نظر یا کار شما آن قدر خوب بود که از فرط هیجان خواب به چشمم نیامد»



چشم و گوش باز

فلسفه‌ی یادگیری مبتنی بر پروژه

قسمت دوم و پایانی

مترجمان: دکتر نیره شاه‌محمدی - افشین چمن‌آرا



اشاره

هم‌گام با پیشرفت مهارت‌های دیگر در قرن بیست‌ویکم یادگیری پروژه‌محور ابزاری برای برانگیختن دانش‌آموزان به‌شمار می‌رود. انجام پروژه به وسیله‌ی دانش‌آموز تلاشی موقت است که برای تولید یک محصول منحصر به فرد صورت می‌گیرد. موقتی بودن آن به این دلیل است که هر پروژه شروع و پایانی دارد. یادگیری مبتنی بر پروژه خود دارای اهداف مشخص و مهم آموزشی می‌باشد و تنها یک الحاقیه به یک برنامه‌ی درسی نیست. این نوع از یادگیری سبب می‌شود دانش‌آموزان به زندگی واقعی نزدیک‌تر شوند و یادگیری را در بستر واقعیت‌های زندگی تجربه کنند. این نوع از یادگیری دانش‌آموزان را در فعالیت‌های پیچیده‌ای درگیر می‌کند که از طریق آن‌ها مهارت‌ها و دانش در وجودشان سازمان‌دهی می‌شود و به

طراحی، نقشه‌کشی و انجام کامل پروژه‌ای می‌پردازند که در نهایت بازده آن یک محصول، یک نشریه یا یک نمایش (ارائه‌ی زنده) است.

همان‌گونه که در شماره‌ی قبل گفته‌شد، فرایند یادگیری مبتنی بر پروژه، دانش‌آموزان از طریق تحقیق برای پاسخ‌گویی به یک سؤال یا مسئله‌ی پیچیده یا یک مشکل وارد مراحل گسترده‌ای از تحقیقات می‌شوند.

پروژه‌های سخت ضمن اینکه تا حدی به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند نظر خود را منعکس سازند، با دقت طراحی، مدیریت و ارزیابی می‌شوند تا به دانش‌آموزان در یادگیری محتوای آکادمیک و مهارت‌های عملی قرن بیست و یکم (نظیر همکاری، ارتباطات و تفکر نقادانه) کمک کنند.

با استفاده از این نوع یادگیری، دانش‌آموزان به درک عمیق‌تری از مطالب

دست می‌یابند و به آن‌ها مجال داده می‌شود تا به موضوعات اجتماعی و به کشف مشاغل جدید بپردازند، با مربیان بزرگسال تعامل داشته باشند، از فناوری استفاده کنند و بالاخره کارشان را به مخاطبانی فراتر از کلاس درس ارائه دهند. اگر دانش‌آموزان بدانند کاری که طی پروژه‌شان انجام می‌دهند در جمع نمایش داده خواهد شد، این امر ماهیت پروژه را از لحظه‌ی شروع کار تغییر می‌دهد؛ چرا که آن‌ها می‌دانند باید جواب‌گوی سؤالات خانواده، دوستان و افراد دیگر باشند. این مطلب سطحی از آرزومندی و تعهد را به آن‌ها القا می‌کند که خیلی بیشتر از انگیزه‌ی دست‌یابی به نمره‌ی خوب است. به‌علاوه، خانواده‌های دانش‌آموزان و نیز سایر افراد جامعه به شرط فراهم شدن فرصت برای ارتباط قوی‌تر میان مدرسه و جامعه در جریان وقایع مدرسه قرار خواهند گرفت.

چارچوب برنامه‌ریزی برای یادگیری پروژه محور

۱. تصمیم‌گیری بر مبنای پروژه

این مرحله شامل موارد زیر است:

الف. تعیین محتوایی که به کار گرفته خواهد شد.

ب. تعیین بخش‌های چندرسانه‌ای مانند فیلم، عکس، جدول و...

ج. تصمیم بر محدوده

د. تشویق دانش‌آموزان به مشارکت از طریق طرح سؤال‌های

راهنمایی‌کننده

هـ. مراقبت و موافقت بر اینکه همه‌ی دانش‌آموزان یک کلاس به

یک اندازه مشارکت داشته باشند.

و. مرور اجزای پروژه و تصمیم‌گیری بر مبنای

اهداف اصلی پروژه.

۲. تدوین پیش‌نویس چارچوب زمانی

این پیش‌نویس شامل موارد زیر است:

الف. طول پروژه (بازه‌ی زمانی انجام پروژه)

ب. تاریخ تحویل یا نقاط بررسی اهداف پروژه

به‌منظور تحویل آن

ج. در نظر گرفتن فضاهایی برای انعطاف‌پذیری،

رشد و تغییرات در پروژه (مانند حیاط مدرسه یا

فضای نزدیک‌ترین پارک محله...)

۳. برنامه‌ریزی فعالیت‌ها

این قسمت شامل موارد زیر است:

الف. جست‌وجو کردن در سایت‌های مرتبط با

زمینه‌ی پژوهش

ب. انتخاب تعدادی از فعالیت‌ها توسط اعضای

گروه پژوهش

ج. سازگار کردن فعالیت‌ها

د. طرح‌ریزی فعالیت‌ها مطابق ذوق و سلیقه‌ی خود

هـ. وام‌گیری از ایده‌های معلمان دیگر

و. تصمیم‌گیری در مورد زمانی که در چارچوب آن فعالیت‌ها باید

به کار گرفته شوند.

۴. برنامه‌ریزی برای ارزش‌یابی

این قسمت شامل مراحل زیر می‌باشد:

الف. مرور یا پیش‌نویس کردن اهداف ارزش‌یابی (پاسخ به این

پرسش که چه چیزی باید ارزیابی شود؟)

ب. برنامه‌ریزی در مورد ابزار ارزش‌یابی

ج. افزودن ارزش‌یابی به چارچوب زمانی.

۵. شروع کردن پروژه همراه دانش‌آموزان

این قسمت در برگیرنده‌ی موارد زیر است:

الف. مرور اهداف در کلاس

ب. اجازه‌ی انعطاف‌پذیری

ج. دقت در اینکه بفهمید چه کاری انجام می‌شود و چه کاری انجام

نمی‌شود.

د. زمان دادن به دانش‌آموزان برای تسلط بر تمرین‌های جدید

هـ. اضافه کردن فعالیت‌ها یا رد گم‌کنی برای قوی‌تر کردن

مهارت‌های گروهی یا مهارت‌های مدیریتی

و. مصمم بودن نسبت به محدوده‌ی زمانی تعیین شده و یا بحث و

بررسی در مورد بازنگری این محدوده‌ی زمانی.



۶. پایان پروژه و انعکاس آن

این قسمت شامل موارد زیر می‌باشد:

الف. ارائه‌ی محصول نهایی در یک اجتماع بخصوص

ب. بحث کردن یا نوشتن در مورد نقاط برجسته‌ی پروژه

ج. بحث و تبادل نظر یا نوشتن در مورد پیشنهادها

د. بحث کردن درباره‌ی چگونگی توسعه‌ی پروژه

هـ. وقت گذاشتن برای نوشتن انعکاس‌ها و بازتاب‌های شخصی

روی پروژه و چیزهایی که برای نوبت بعدی باید به خاطر داشت.

منابع

1. BuMarkham, T(2011). Project Based Learning. Teacher Librarian, 39 (2), 38-42.
2. <http://utri.ir/index.php?option=com-content&view=article&id=6665&Itemid=2561>.
3. <http://WWW.tebyan.net/newindex.aspx?pid=241979>.

به نوآموزان، نو پیاموزیم

سردبیر مجله‌ی رشد نوآموز با آموزگاران و والدین سخن می‌گوید



در سال‌های گذشته مجله‌ی نوآموز با دریافت نامه‌های متعدد از طرف مخاطبان و معلمانشان متوجه شد که برخی آموزگاران گرمای و دلسوز به خطا رفته و دچار میانجیگری نادرست شده‌اند. به همین دلیل، این مجله برای جلوگیری از کارهای نادرستی که سبب دلزدگی و فرار نوآموزان از مطالعه می‌شود، از جمله برگزاری آزمون‌هایی که فقط حوزه‌ی دانش و حافظه‌ی کودکانمان را درگیر می‌کند، درصدد ارائه‌ی چند پیشنهاد و شیوه‌ی خلاق به مربیان گرمای است. این مجله، در قسمت داستان شامل بخش‌های متنوعی است که عبارت‌اند از:

داستان‌های مینی‌مال (قصه‌ی ریزه)، قصه‌های معمایی (قصه‌ی چیزه)، قصه‌ی تألیفی (قصه‌ی ما)، قصه‌ی ترجمه (قصه‌ی آن‌ها) و قصه‌ی دنباله‌دار (با هم بخوانیم).

چگونه می‌توان از این داستان‌ها به شیوه‌های خلاق در رشد ذهنی و تفکر بچه‌ها بهره گرفت؟

در یک نگاه اجمالی می‌توان داستان‌های کوتاه و مینی‌مال را نمونه قرار داد تا نوآموزان با بیان عنوانی از طرف آموزگار

اشاره

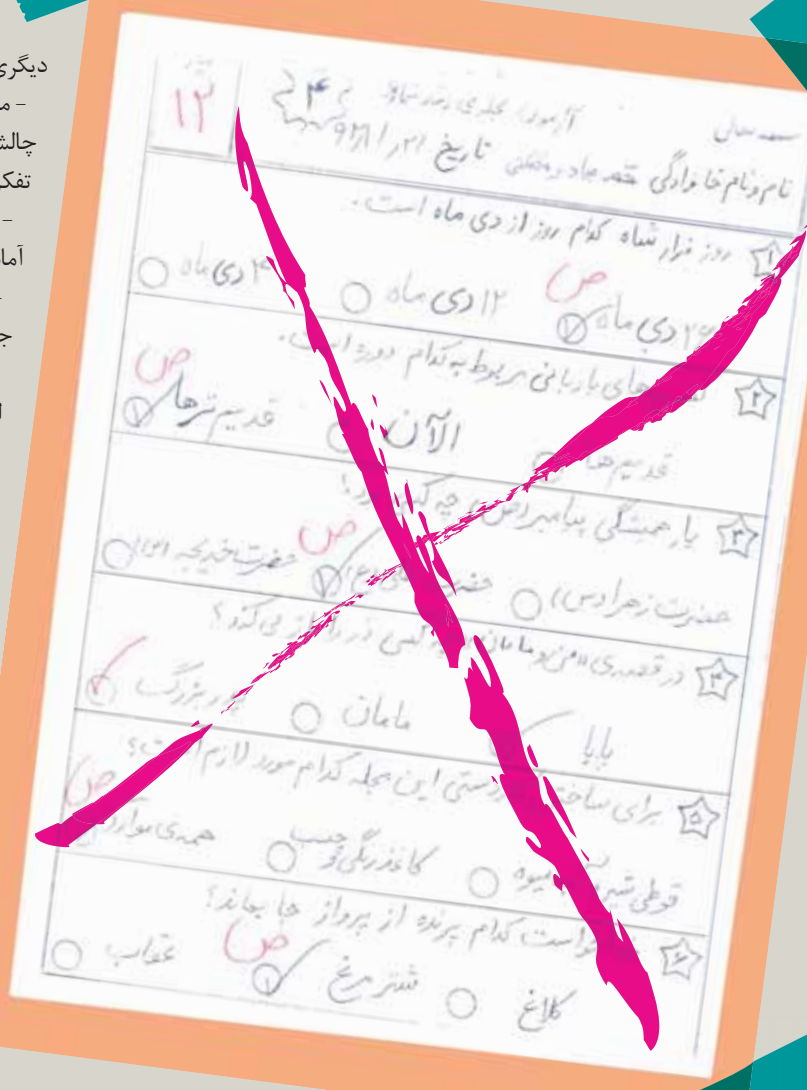
به روال برخی سال‌ها، از سردبیران مجلات دانش‌آموزی رشد درخواست کردیم که حرف دلشان را با آموزگاران و والدین عزیز بزنند. در این فرصت نیز افسانه موسوی گرمارودی با مخاطبان ما هم‌کلام شده است. وی به نحوه‌ی ارتباط تعدادی از آموزگاران با مجلات دانش‌آموزی و به‌ویژه رشد نوآموز نگاه کرده و برای آشنایی با حال و هوای این مجله توضیحاتی داده که درخور توجه است.

ماهیت مجله

یک مجله از نگاه مخاطبان آن ماهیتی تکمیلی، آگاهی‌دهنده و سرگرم‌کننده دارد. تکمیلی از آن جهت که کمبودهای دانشی را پوشش می‌دهد و آگاهی‌دهنده از آن روی که در حوزه‌های مختلف، مطالبی را در اختیار مخاطبانش قرار می‌دهد اما بعد سرگرم‌کنندگی مجله اصلی‌ترین ماهیت آن است که رنگ و لعاب‌های ظاهری را می‌طلبد و بین مجله و کتاب فاصله می‌اندازد. هر قدر گروه سنی مخاطب مجله پایین‌تر باشد، توجه به ماهیت اصلی مجله بیشتر و لایه‌های تکمیلی، اطلاع‌رسانی و آموزشی آن در لفافه‌های ظاهری پوشیده‌تر خواهد شد.

هدف اساسی هر نشریه‌ای ارتقای فرهنگ و دانش مخاطبان آن است. در گروه سنی دبستان مهم‌ترین هدف تولید مجله ارتقای سطح خوانشی و فکری بچه‌هاست. کمتر کودکی خودش دست به انتخاب یک کتاب آموزشی می‌زند اما اکثر کودکان در مواجهه با مجلات پر رنگ و لعاب علاقه‌مندی بسیاری از خود نشان می‌دهند و برای مطالعه‌ی مجله‌ای که ویژه‌ی آن‌هاست، رغبت بسیاری دارند اما گاه میانجیگری نابجای یک بزرگ‌تر به‌جای ترغیب بیشتر آن‌ها به مطالعه، باعث دلزدگی‌شان از خواندن می‌شود. یکی از این میانجیگری‌های نابجا برگزاری آزمون و تست از مجله است!





دیگری انجام داد؛ از جمله:

- مریبان می‌توانند بچه‌ها را در بخش چیستان‌های مجله به چالش بکشند و با ایجاد فضایی شاد و پرسشگرانه آن‌ها را به تفکر بیشتر وادارند.
- در بخش «حرف‌های خوب» با هم‌خوانی مطلب آن‌ها را آماده‌ی ورود به زندگی اجتماعی و مهارت‌های آن کنند.
- در صفحه‌ی تاریخی از دانش‌آموزان بخواهند موضوع جدیدی ارائه دهند و تحولات آن موضوع را بررسی کنند.
- در بخش لطیفه‌ها از آن‌ها بخواهند با تغییر شخصیت‌های لطیفه، لطایف جدیدی بسازند.
- در بخش کاردستی با ساخت کاردستی‌ها و تشویق آن‌ها حس اعتمادبه‌نفس را در آن‌ها بالا ببرند.
- مریبان محترم می‌توانند به بهانه‌ی هم‌خوانی شعرهای محلی (مجله در مجله) لهجه‌ها و گویش‌های مختلف بچه‌ها را در کلاس مطرح کنند و علاوه بر سوق دادن آن‌ها به مسائل زبان‌شناسی، بدون اینکه متوجه باشند، حس ملی را در آن‌ها تقویت کنند. نوآوری‌های بسیار دیگری می‌توان به این فهرست افزود که ذهن خلاق یک آموزگار توان ایجاد آن‌ها را دارد.
- ای کاش معلمان به جای طرح پرسش و آزمون و به قولی میانجیگری نادرست از مجله‌ای که در صفحه صفحه‌ی آن تلاش شده است اندیشه‌ی کودکان را تقویت کند و با بالا بردن سطح تخیل و تفکر آنان فضایی شاد و آموزنده ایجاد کنند، به شیوه‌هایی خلاقانه بپردازند و باعث آزردهی ذهن پاک کودکانمان از مجله نشوند.
- به امید آن روز

به یکدیگر فرصت بدهیم

با این همه ویژگی که در یک مجله وجود دارد، آیا می‌شود پرسید که «این مجلات به چه دردی می‌خورند؟»

چندی پیش پدر دانش‌آموزی به دفتر مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی تلفن کرد و تحت تأثیر حرکت مدیر دبستان فرزندش ضمن گلایه از مدیر مدرسه‌ی پسرش گفت که او را به دلیل پرداخت نکردن به موقع بهای مجله، به کلاس راه نداده است!

حال ما می‌پرسیم، با این همه تلاش و اهدافی که در مجلات رشد منظور شده است، آیا بهتر نیست این نشریات در هر شرایطی به دست مخاطب خود برسند و ما به عنوان اولیای خانه و مدرسه با کمی مدارا به یکدیگر فرصت استفاده از این امکانات را بدهیم؟ امیدواریم از این به بعد شاهد چنین حرف‌ها و مسائلی نباشیم که فقط به دلیل اندکی بی‌حوصلگی پیش می‌آید!

خود دست به نگارش بزنند و شجاعت نوشتن را پیدا کنند.

در قصه‌های معمایی می‌توان داستان‌ها را در کلاس خواند و یا بچه‌ها را به گروه‌هایی تقسیم کرد تا خودشان در گروه قصه را بخوانند و با گفت‌وگو معمای داستان را بیرون بکشند.

در تمام داستان‌ها آموزگار محترم می‌تواند با شور و هیجان داستان را برای بچه‌ها بخواند و از آن‌ها بخواهد خود را به جای یکی از شخصیت‌های داستانی بگذارند و ببینند اگر جای او بودند، چه می‌کردند و داستان را چگونه به پایان می‌رسانند. در بخش‌های دیگر نیز می‌توان کارهای خلاقه‌ی



این که گفتی یعنی چه؟

پرورش تفکر فلسفی در کودکان

ائلدار محمدزاده صدیق
عکس: غلامرضا بهرامی



اشاره

فلسفی برای کودکان، سخنرانی کردند. هم چنین بر حمایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از پایان نامه‌ها و طرح‌هایی که در ارتباط با کودکان و نوجوانان باشد، تأکید شد. در این نشست، مبانی درسی «آموزش فلسفه به کودکان» پیشنهاد و بر لزوم اهمیت دادن به آن در آموزش‌های رسمی تأکید شد. آنچه در ادامه می‌آید، گزارشی از این نشست تخصصی است.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در یازدهم شهریور سال ۱۳۹۳ نشست با عنوان «طراحی و اعتباربخشی الگوی مطلوب برنامه‌ی درسی آموزش فلسفه به کودکان در دوره‌ی ابتدایی» برای پرورش تفکر فلسفی در آنان برگزار کرد. در این برنامه خانم دکتر نرگس سجادیه، استاد دانشگاه تهران و آقای دکتر مهدی وارث، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد شیراز و مدرس دوره‌های تفکر

موضوع تعریف می‌شود، طرح‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای آموزش دادن آن برگزار می‌گردد و آثار مختلفی برای تشریح فوت‌وفن‌های اجرای آن به چاپ می‌رسد.» او درباره‌ی این برنامه و حمایت از پایان‌نامه‌هایی با موضوع‌های مرتبط با کودکان و نوجوانان گفت: «نمای کلی این برنامه نشان می‌دهد که نقطه‌ی تمرکز اساسی این برنامه تفکر و اندیشه‌ورزی کودکان است.»

گفته می‌شود بالغ بر ۱۰۰ کشور جهان این برنامه را به صورت حاشیه‌ای یا محوری در نظام آموزشی و در آموزش کودکان و نوجوانان به کار می‌گیرند. نگاهی نزدیک‌تر به این برنامه، ویژگی‌های دیگر آن را برای ما روشن می‌سازد. به‌طور کلی می‌توان گفت فلسفه برای کودکان بسته‌ای آموزشی است که «لیپمن» در نیمه‌ی قرن حاضر طراحی کرد. او که در دانشگاه فلسفه درس می‌داد، از ضعف دانشجویان در تفکر فلسفی و نیز بی‌انگیزگی حاکم بر آن‌ها به ستوه آمده بود. نتایج تلاش‌هایش در کلاس به وی نشان می‌داد که علاج این دو درد در سنین بالاتر چندان قرین موفقیت نیست. این رویداد منجر به کشف و طراحی ایده‌ای نو شد؛ «فلسفه برای کودکان». در این ایده تلاش شد افراد از کودکی با تفکر و اندیشه‌ورزی آشنا شوند و در هر مسئله آن را تمرین کنند تا به تدریج ساختارها، معیارها و در نهایت منش اندیشه‌ورزی در آن‌ها رسوخ کند. به گفته‌ی دکتر سجادیه، این برنامه پنج هدف عمده را دنبال می‌کند: نخست آنکه توانمندی اندیشه‌ورزی در کودکان بهبود یابد. در این مسیر، تلاش بر این است که خطاهای موجود در جریان فکر عامه‌ی

کلیدواژه‌ها: فلسفه برای کودکان، اندیشه‌ورزی کودکان، تفکر فلسفی



تمرکز بر اندیشه‌ورزی کودکان

نرگس سجادیه در این باره گفت: «موضوع فلسفه برای کودکان چند سالی است که نقل محافل علمی و نیز موضوع جذاب مریبان و آموزگاران شده است. به همین دلیل، در طول سال پایان‌نامه‌های زیادی حول این



مردم شناسایی شود. در گام بعدی، این برنامه فرصت‌هایی را برای بازشناسی این خطاها توسط خود کودکان و تمرین صورت‌های صحیح فراهم می‌آورد. هدف دیگر مدنظر مدافعان این برنامه تقویت خلاقیت کودکان است. بسیاری از برنامه‌های سنتی در مدارس با سرکوب خیال‌ورزی‌های

چون مشکل زمان و برنامه را نیز رفع خواهد کرد. علاوه بر این، علاقه‌مندی محوری نسبی در برنامه‌های متنوع کانون می‌تواند انگیزه و علاقه‌مندی کودکان به بحث‌ها را تا اندازه‌ای تعدیل کند.

دکتر سجادیه در پایان برای برطرف کردن برخی چالش‌ها راهکارهایی را پیشنهاد کرد؛ از جمله: «زمینه‌سازی فعالیت‌های گروهی، طرح مباحث مناقشه‌برانگیز، جست‌وجوی پرسش به جای پاسخ، ترجیح پاسخ‌های احتمالی و باز به پاسخ‌های قطعی و بسته، حیرت‌افزایی در کودکان، زمینه‌سازی بحث و گفت‌وگو و توجه به ظرفیت‌های قصه. هم‌چنین در افقی کلان‌تر برای مواجهه‌های منطقی‌تر با این برنامه، ارزیابی‌های نظری بینش‌های پشتیبان این برنامه، سنجش تناسب آن با اقتضائات فرهنگی - اجتماعی جامعه‌ی ما و نیز تلاش برای تشخیص و تدوین قصه‌ی مناسب بحث و گفت‌وگو در این برنامه ضروری است و باعث پیشرفت تفکر فلسفی می‌شود.»

مبانی برنامه‌ی درسی پیشنهادی برای آموزش فلسفه به کودکان

دکتر مهدی وارث، مدرس دوره‌های تفکر فلسفی برای کودکان نیز در این نشست گفت: «از نظر ما نیز هدف اصلی برنامه‌ی فلسفه برای کودکان همان پرورش کودکان با اندیشه‌ی فیلسوفانه است.» او در بخشی از صحبت‌های خود مبانی برنامه‌ی درسی پیشنهادی برای آن را در سه گروه مبانی فلسفی، مبانی اجتماعی و مبانی روان‌شناختی دانست و توضیح داد: «مبانی فلسفی شامل حل مسئله، آمادگی ذهنی، پیوستگی یادگیری، تجارب یادگیری، کنترل اجتماعی، آزادی یادگیری، هدف‌داری سازمان مواد درسی است. مبانی اجتماعی شامل همکاری، سازگاری اجتماعی، رقابت، قدرت، رهبری، احترام و صمیمیت و روابط غیررسمی می‌باشد و مبانی روان‌شناختی شامل فعالیت، هدفمندی، توجه به رغبت، فهم در یادگیری، وابستگی به گروه، احتیاج به محبت و احتیاج به ابراز وجود است.» دکتر وارث عناصر برنامه‌ی درسی پرورش فلسفه به کودکان را شامل اهداف، فعالیت‌های یاددهی - یادگیری، راهبردهای تدریس، محتوا و ارزش‌یابی عنوان کرد که لازم است در تهیه‌ی هر کدام از این عناصر به مؤلفه‌های مبانی فلسفی، اجتماعی و روان‌شناختی توجه شود. به گفته‌ی دکتر وارث، برنامه‌ی درسی فلسفه برای کودکان در شرایطی که مربیان و معلمان ما با این برنامه به درستی آشنا نشده و به مهارت‌ها و تکنیک‌های آموزش تفکر فلسفی به کودکان مجهز نشده باشند، به نتیجه نمی‌رسد. لذا می‌طلبید که دست‌اندرکاران امر و علاقه‌مندان به این حوزه به شکلی اساسی به دنبال تمرکز بر آموزش تفکر فلسفی به مربیان و معلمان باشند تا کودکان و دانش‌آموزان.

بداهه‌ی کودکان و نیز با اصرار بر قالب‌های ویژه‌ی تفکر، به خاموشی خلاقیت کودکان منجر می‌شوند. در هدف سوم، رشد فردی و میان‌فردی بچه‌ها دنبال می‌شود. این رشد از طریق تمرین گفت‌وگوهای دو یا چندنفره از راه بازشناسی و تمرین قواعد گفت‌وگوی صحیح صورت می‌پذیرد. تمرین مواردی چون شنیدن فعال نظر افراد، پرهیز از لجاجت‌های احساسی و پافشاری‌های بی‌مورد بر نظر خویش، شنیدن نظرات دیگر، همراه ساختن ادعاها با استدلال. در هدف چهارم، درک اخلاقی کودکان و کاوشگری اخلاقی آن‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. این برنامه تلاش می‌کند با طرح موقعیت‌های واقعی و معماگونه‌ی اخلاقی و نگرستن به مسائل از زاویه‌ی اخلاق و ادب. در هدف پنجم نیز نوعی معنایابی یا معناسازی تجربه‌های کودکان مطرح است. این معناسازی با ربط مؤلفه‌های موجود در پیرامون ما و ساخت تصویرهایی بزرگ از زندگی و رویدادهای آن محقق می‌شود. «دکتر سجادیه برنامه‌ی فلسفه برای کودکان را در بستر قصه‌های چالش‌برانگیز، پایان باز و چندوجهی امکان‌پذیر می‌داند و توضیح می‌دهد: «از نگاه شارب (۲۰۰۶) داستان‌ها در فلسفه برای کودکان سکوی پرش مناسبی برای تحقیق فلسفی‌اند. داستان‌های انتخاب شده باید جذاب باشند و چون آتش‌زنه‌ای در میان بچه‌ها بحث به راه اندازند و بحث‌ها را به پیش برند. مناقشه‌آمیز بودن قصه‌ها و پایان باز آن‌ها مؤلفه‌هایی هستند که بحث و گفت‌وگو درباره‌ی آن‌ها را امکان‌پذیر می‌سازند.» او درباره‌ی نحوه‌ی پیش‌برد و هدایت کلاس‌ها به منظور این گونه آموزش ادامه داد: «یکی از موارد مورد تأکید در بخش روش، محوریت بخشیدن به بحث و گفت‌وگوهای کلاسی است. آموزگار باید براساس این راهبرد به گفت‌وگوهای کلاس محوریت بخشد و آن را محمل طرح دیدگاه‌ها به‌شمار آورد. تشکیل اجتماع‌های پژوهشی و دنبال کردن موارد بحث و گفت‌وگو در این حلقه‌ها، از باید‌های دیگر این برنامه است. هم‌چنین محوریت بخشیدن به پرسش در فرایند کلاس حرف جدید دیگری است که در مقابل تربیت پاسخ‌مدار سنتی در خور تأمل است.»

چالش‌های آموزش فلسفه در آموزش و پرورش

دکتر سجادیه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را نمونه‌ای از نظام نیمه‌رسمی به‌شمار آورد که نظام‌مندی منعطفی دارد و می‌تواند منزله از چالش‌هایی باشد که برنامه‌ی فلسفه برای کودکان در نظام رسمی با آن‌ها مواجه است. به عقیده‌ی او، معلمان کانون به نسبت نظام مدرسه اقتدار صوری کمتری دارند و از این رو، می‌توانند ارتباط نزدیک‌تر و هم‌تراز‌تری با بچه‌ها برقرار کنند. هم‌چنین برنامه‌ی منعطف کانون و نیز اختیاری بودن فعالیت‌های کانون برخی چالش‌های دیگر

تصویرسازی بال پروانه

روند کلی آموزش هنر ابتدایی

خسرو شیرچی

آموزگار هنر منطقه‌ی دو تهران، دبستان معلم

اشاره

درس هنر درس فعالیت

و جست‌وجوگری است. هنر آموزان می‌اندیشند و به تجربه دست می‌زنند و کشف می‌کنند. درس هنر زمینه‌ی مناسب را برای پرورش خلاقیت فراهم می‌آورد. بیان احساسات، تخیلات و افکار و عواطف انسانی و آمال و آرزوها در هنر به‌گونه‌ای زیباتر و لطیف‌تر بروز می‌کند. وقتی به شکلی عمیق و دقیق در پدیده‌های عالم بنگریم، خلاقیت و تفکر هنری پرورش الهی می‌یابد. با بال هنر و ذوق مثل یک فیلسوف به بال‌های پروانه می‌نگری و در تصویرسازی ذهنی از آن تا انتهای فهم و ادراک بالا می‌روی و زیبایی آفرینش و خداوند جمیل را با تمام وجود حس می‌کنی. هنر سلول‌های زیبایی‌شناسی مغز را پرورش می‌دهد. به بیان مطلوب‌تر، هنر متعالی و قدسی مثل آیات قرآن، ما را به‌گونه‌ای دیگر دیدن، گونه‌ای دیگر شنیدن و فهمی فراسوی ظاهری فرا می‌خواند.

فعالیت هنری چه می‌کند؟

پژوهش‌های انجام شده حاکی از این

هستند که فعالیت‌های هنری:

۱. آمیزه‌ای از احساس و تفکرند.

۲. حواس را تقویت می‌کنند.

۳. منجر به توسعه‌ی مهارت در تفکر می‌شوند.
۴. زمینه‌ی بروز خلاقیت و آفرینش‌های هنری می‌شوند.
۵. حس زیبایی‌شناسی را توسعه می‌دهند و به درک زیبایی‌های طبیعت و خالق آن می‌انجامند.
۶. باعث تلطیف روحیه و آرامش روانی و توسعه‌ی عواطف و احساسات متعالی می‌شوند.
۷. به افزایش هوش کمک می‌کنند (براساس نظریه‌ی هوش چندگانه‌ی گاردنر).
۸. به تقویت حافظه کمک می‌کنند.
۹. به رشد متعادل شخصیت (شناختی - عاطفی - اجتماعی و اخلاقی) کمک می‌کنند.
۱۰. رعایت جنبه‌های زیباشناختی در زندگی.
۱۱. توجه به حفظ و نگهداری طبیعت و ایده گرفتن از طبیعت در تولید هنری.
۱۲. آشنایی با میراث فرهنگی ایران و جهان و حفظ و نگهداری از آن‌ها.
۱۳. توانایی بیان احساسات در قالب هنر (تربیت هنری).

روند کلی آموزش هنر در پایه‌ی چهارم

در پایه‌ی چهارم روند کلی براساس آموزش

- و خلاقیت است. آموزش اصولی‌تر و سخت‌تر دنبال می‌شود؛ ضمن اینکه از خلاقیت غفلت نمی‌شود.
- تمرین و یادآوری مختصر و مجدد در زمینه‌ی خط و سطح و حجم.
 - آموزش شکل میوه‌ها، حداقل ده نوع میوه، رنگ‌آمیزی دقیق و اصولی آن‌ها.
 - شناخت انواع رنگ‌های گرم و سرد، لطافت و زیبایی رنگ میوه‌ها، سایه‌روشن‌ها و طرز کشیدن میوه‌ها؛ هدف این درس تقویت طراحی و خلاقیت رنگی است.
 - مبحث مهم دیگر، ترسیم شکل پرندگان است. طرز کشیدن دست‌کم پنج پرنده، سخت‌ترین پرنده‌ها با ترسیم ساده‌ی چند خط حاصل می‌شود و این خود نوعی لذت بردن از طراحی و ایجاد حس توانستن است.
 - مرحله‌ی بعدی کار، رنگ‌آمیزی دقیق پرنده است. بی‌بردن به زیبایی‌های ظاهری پرندگان، یکی از مطالبات این درس‌هاست.
 - یکی از مباحث دیگر در پایه‌ی چهارم



ملزومه، نقاشی رنگ و روغن آموزش داده می‌شود. مدرسه کلیه‌ی وسایل را در اختیار دانش‌آموزان قرار خواهد داد.

- مبحث رنگ و روغن جزو موارد علمی است و بازتاب خیلی خوبی دارد؛ هم به لحاظ جنس کار و هم خلاقیت و مباحث ترکیب رنگ‌ها.

- پس از اتمام دوره‌ی رنگ و روغن، طراحی حیواناتی از قبیل اسب و گربه را در برنامه داریم. اهداف این درس تقویت طراحی است که از ارکان تجسمی و صنایع می‌باشد.

- یکی از برنامه‌های بسیار پرطرفدار دیگر در سطح کلاس ششم طراحی و ترسیم ماشین است. طریقه‌ی ترسیم حداقل دو تا از ماشین‌های مطرح آموزش داده می‌شود.

- از جمله برنامه‌های مهم در پایه‌ی ششم عکاسی است که هنرآموزان طی مراحل با هنر عکاسی، انواع عکس‌ها و کادربندی و زاویه‌ها آشنا می‌شوند و به عکاسی عملی در پارک دلاوران خواهند پرداخت.

- کلاً در پایه‌ی ششم، عزیزان با خلاقیت و نوآوری به طراحی‌های ذهنی و عملی شکل کیفی می‌بخشند.

- تجزیه و تحلیل آثار معروف هنری هم جزو برنامه‌های مهم در این پایه است.

- دانش‌آموزان از لحاظ رنگ‌بندی، هارمونی و مضامین یک اثر هنری را درک خواهند کرد.

دقیق‌تر درختان و کوه‌ها و مناظر). از جمله اهداف مهم این درس، توجه به طبیعت و حفظ و نگهداری از آن به‌عنوان یک امانت الهی و انسانی و درک و دریافت زیبایی‌های طبیعت است.

اشکال هندسی

طرح خلاقه‌ی بعدی درس تبدیل است و آن تغییر دادن ذهنی اشکال هندسی به اشکال طبیعی است. هدف این درس، تقویت هوش و خلاقیت تجسمی و نیز معماری ذهنی است. مبحث موضوعی هم داریم.

چهره‌نگاری

از جمله موارد مهم در پایه‌ی پنجم آموزش چهره‌نگاری است. طراحی چهره و حالات گوناگون و لذت بردن از طراحی چهره در خور توجه است.

روند آموزش درس هنر در

پایه‌ی ششم

پایه‌ی ششم، نوک قله‌ی آموزش و خلاقیت است. هر دوره نسبت به دوره‌ی پیشین سیر تکاملی و پیوسته و مرتبط خواهد داشت. بنای هنر در پایه‌ی ششم بر کیفیت هنری استوار است.

- در ابتدا چند طراحی منظره با مداد را مرور می‌کنند و با توجه به مقدمات

ارائه‌ی موضوع

است. یعنی درست مثل

درس انشا موضوع داده می‌شود و در ذهن باید پیرامون آن موضوع تصویرسازی کند. پس هدف درس تصویرسازی ذهنی است. منشأ اکثر اکتشافات همین تصویرسازی ذهنی است. ضمن اینکه کاردستی‌ها هم در جای خودشان دنبال می‌شوند.

روند کلی آموزش هنر در پایه‌ی پنجم

در پایه‌ی پنجم ضمن دنبال نمودن مبانی و نقاط مشترک و موضوعات متناسب، طراحی و ترسیم گل‌ها از جمله برنامه‌های اصلی است. دست‌کم پنج نوع گل را در کلاس طی چند جلسه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. درباره‌ی نوع ترسیم گل‌ها، زاویه‌بندی گلبرگ‌ها و نحوه‌ی رنگ‌آمیزی گل‌ها و برگ‌ها تمرین می‌کنیم.

از جمله اهداف مهم این درس حس زیبایی‌شناسی و نگاهی از جنس دقیق دیدن است. طرح درس بعدی در پایه‌ی پنجم طراحی درختان و منظره‌های جنگلی است (ترسیم حالات درختان و چگونگی ترسیم

نه زندگی، نه رومی

نگاهی نو در مفهوم شناسی و ابعاد سبک زندگی

ابراهیم اصلانی
روان شناس تربیتی

سبک زندگی، قدرت خلاقه، علایق اجتماعی یا فقدان آن به فرد کمک می‌کند که چگونه شخصیتش را به کار گیرد. دیدگاه‌های آدلر که هم در حوزه روان‌شناسی شخصیت و هم در حوزه روان‌درمانی مطرح است، به نظریه‌ی روان‌شناسی فردی معروف است. آدلر مفاهیم جدیدی را وارد دنیای روان‌شناسی کرد و توصیفی متفاوت از شخصیت ارائه داد. یکی از مفاهیم آدلری، سبک زندگی است.

از دیدگاه آدلر شخص براساس سبک زندگی خود ایفای نقش می‌کند. سبک زندگی شامل چهار گروه از موضوعات است:

۱. مفهوم خود یا خویشتن‌پنداری؛ یعنی اعتقاد فرد به این که من که هستم.
۲. خود آرمانی؛ یعنی اعتقاد فرد به این که من چه باید باشم یا مجبورم چه باشم تا جایی در میان دیگران داشته باشم.
۳. تصویری از جهان؛ یعنی از اعتقادات فرد درباره‌ی اطرافیان و محیط پیرامونش.
۴. اعتقادات اخلاقی؛ یعنی مجموعه‌ی چیزهایی که فرد درست یا نادرست می‌داند. (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۶۸)

آدلر هر گونه سبک زندگی بدون علاقه‌ی اجتماعی کافی را سبک زندگی اشتباه می‌داند. معمولاً افراد روان‌رنجور سبک زندگی اشتباه دارند. وظیفه‌ی درمان‌گران این است که نوعی سبک زندگی که علاقه‌ی اجتماعی

اشاره سال‌ها پیش ماه رمضان مهمان خانه‌ی یکی از دوستان بودم. طبق رسم و رسوم ما، مادر دوستم فرنی پخته بود. همین که قاشق اول را برداشتم، دیدم فرنی شور است. تا آن موقع چنین تجربه‌ای نداشتم، چون در خانه‌ی ما و اطرافیان فرنی نه تنها شور نبود بلکه با مربا صرف می‌شد. به ناچار همان فرنی را تا آخر خوردم! شانس آوردم که آن موقعیت جای دیگر تکرار نشد اما دریافتم که حتی در مورد غذای ساده‌ای مثل فرنی، روش پخت متفاوت است. آشپزی، تنها یکی از مواردی است که تفاوت‌های مردم در روش زندگی را نشان می‌دهد. خانواده‌ها و افراد در خیلی چیزهای دیگر زندگی هم شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند.

موقعیت‌هایی پیش آمده است که روستا یا شهری را از بالای کوه یا یک بلندی بنگرم. تصویر زیبایی است. در این موقعیت‌ها اولین نکته‌ای که به ذهنم می‌آید یک سؤال است: «در هر خانه‌ای چه می‌گذرد و زندگی چگونه جریان دارد؟» مردمی که زیر سقف این خانه‌ها روزگار سپری می‌کنند، شاید داستان زندگی متفاوتی داشته باشند، اما مهم‌تر این است که روش زندگی خاص خود را دارند و با الگویی که خود پذیرفته‌اند، زندگی‌شان را پیش می‌برند.

آدم‌ها چه تک‌تک و چه در قالب یک خانواده، اهالی یک محله، شهر یا کشور با انواع خاصی از «روش زندگی» شناخته می‌شوند. وقتی می‌گویید مردم فلان منطقه مقتصد هستند، در واقع صحبت از نوعی روش زندگی است. وقتی گفته می‌شود مردم فلان کشور خیلی به قانون پایبندند، این هم معرف روشی از زندگی است. روش زندگی را در مفهوم علمی و شناخته شده‌ی آن «سبک زندگی» می‌نامیم، مفهومی که اگرچه قرن‌ها بین مردم بوده و در فرهنگ و زندگی همه‌ی جوامع جریان داشته است اما در دنیای روان‌شناسی و جامعه‌شناسی با نام آلفرد آدلر (۱۸۷۰-۱۹۳۷) شناخته می‌شود.

کلیدواژه: سبک زندگی، آدلر، مهندسی فرهنگی

آدلر و سبک زندگی

رفته است. برخلاف فروید که اعمال بشر را نتیجه‌ی غرایز می‌داند و یونگ که رفتار انسان را ناشی از طرح‌های ارثی می‌پنداشت، آدلر اعمال و رفتار انسان را زاییده‌ی کشش‌های اجتماعی می‌داند. به باور آدلر

«سبک زندگی» تکیه‌کلام نظریه‌ی آدلر است و در تمام نوشته‌هایش مکرر به کار

را در بر دارد، جایگزین زندگی اشتباه کنند (هرگنهان، ترجمه‌ی سیدمحمدی، ۱۳۸۹). هدف اصلی روان‌درمانی آدلری تشخیص سبک زندگی فرد است. این کار از طریق مطالعه‌ی روابط خانوادگی او در کودکی، علایق و نفرت‌ها، مشاغل، بازی‌ها و عادات‌های او و نیز از طریق تحلیل رؤیا انجام می‌گیرد. (میزبک و سکستون، ترجمه‌ی رضوانی، ۱۳۷۱)

سبک زندگی و مصرف

احتمالاً اگر شما هم عبارت سبک زندگی را در سایت‌های اینترنتی یا رسانه‌های دیگر جست‌وجو کنید، به مفاهیمی چون: خرید، مد، پوشاک، آرایش، دکوراسیون، تزئینات، تغذیه، آشپزی، خانه‌داری، نگهداری لوازم منزل و حتی نکاتی درباره‌ی ازدواج و ارتباط و مصادیق دیگری که با مصرف مرتبط‌اند، بر خواهید خورد. این نگاه به سبک زندگی، هم در نوع خود درست است و هم بین عموم رواج بیشتری دارد. سبک زندگی را می‌توان با فیلتر مصرف هم نگاه کرد که اتفاقاً بحث بسیار مهمی در این حوزه تلقی می‌شود.

سبک زندگی و ما

در کشور ما موضوع سبک زندگی اگرچه به صورت علمی یا غیرعلمی مورد بحث بوده، ولی در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، دامنه‌ی توجه به موضوع را گسترش داد. البته اسناد بالادستی کشور هم به سبک زندگی پرداخته‌اند.

نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور به اهداف، اولویت‌ها، راهبردها و اقدامات ملی درباره‌ی سبک زندگی اسلامی- ایرانی اشاره کرده است که بعضی از نکات آن را می‌آوریم. هدف پنجم از اهداف کلان فرهنگی براساس نقشه‌ی مهندسی فرهنگی بیان می‌دارد:

«برخورداری از نهاد مستحکم و انسان‌ساز خانواده، نرخ باروری و رشد جمعیت متناسب و سبک زندگی اسلامی- ایرانی.» در ذیل این هدف کلان، به اولویت‌ها، راهبردها و اقداماتی گسترده اشاره شده است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم در فصل

دارد. حتی مقاومت در برابر هنجارها هم نوع خاصی از سبک زندگی را شکل می‌دهد.

الگوی کلی برای سبک زندگی

الگوی سبک زندگی متعهد: پایبندی به

ارزش‌ها- عمل‌گرایی

این گروه شامل افرادی است که اصولاً نگاهی هدفمند، جدی و معنویت‌گرا- براساس اعتقادات شخصی خود- به زندگی دارند. آنان هم به ارزش‌ها اعتقاد دارند و پایبندند و هم در میدان عمل، مطابق همان ارزش‌ها عمل می‌کنند.

الگوی سبک زندگی کنشی: بی‌قیدی-

عمل‌گرایی

این گروه در عمل انسان‌هایی جدی و فعال هستند، اما در پایبندی به ارزش‌ها کم‌وبیش جدی نیستند.

الگوی سبک زندگی معلق: پایبندی به

ارزش‌ها- سکون در عمل

معلق‌ها کسانی هستند که به میزان متفاوت ارزش‌هایی را پذیرفته‌اند و به آن‌ها اعتقاد دارند، اما در شرایط عملی زندگی و به‌خصوص در موقعیت‌های دشوار و چالشی سعی می‌کنند خود را چندان درگیر نکنند و سکون را به عمل ترجیح می‌دهند.

الگوی سبک زندگی بی‌خیال:

بی‌قیدی- سکون در عمل

این گروه نه پایبندی چندانی به ارزش‌ها دارند و نه عمل‌گرا هستند.

هفتم (هدف‌های عملیاتی و راهکارها) در ذیل هدف عملیاتی دوم و راهکار ۵-۲ بیان می‌دارد: «یجاد سازوکارهای لازم برای تقویت آداب و سبک زندگی اسلامی- ایرانی در تمام ساحت‌های تعلیم و تربیت به‌عنوان رویکرد حاکم در فرایند طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های درسی و آموزشی.»

نکته‌ی مهم این است که مطالعه‌ی اسناد بالادستی و منابع و مستندات دیگر مربوط به مباحث سبک زندگی نشان می‌دهد هنوز توافقی مشخص و عمومی درباره‌ی مفهوم آن حاصل نشده است. هر فرد یا مجموعه‌ای، تلقی خاص خود از مفهوم سبک زندگی را دارد و مطابق آن کارهای مرتبط را پیش می‌برد.

تعریف سبک زندگی

الگوی شخصی کم‌وبیش خودآگاهانه و توسعه‌یافته‌ای که فرد به‌عنوان روش زندگی برای خود پذیرفته است و تقریباً در هر موقعیتی آن را به کار می‌برد. این الگو ضمن آنکه تحت تأثیر فرهنگ و نظام اجتماعی قرار دارد، برای پنداری از ارزش‌ها و اهداف فرد از یک طرف و رفتارهای او از طرف دیگر است.

در این تعریف چند نکته قابل توجه است:

۱. سبک زندگی حتی اگر به شدت تحت تأثیر جامعه و به عبارتی حاصل تقلید باشد، باز هم یک «الگوی شخصی» تلقی می‌شود. این الگوی شخصی، کم‌وبیش خودآگاهانه است، یعنی حتی اگر فرد آن را تقلیدی پذیرفته باشد، باز هم نسبت به آن آگاهی نسبی دارد.

۲. این الگو «توسعه‌یافته» است، یعنی در طول زمان تکوین یافته و در نگرش و رفتار فرد جا افتاده است، به نحوی که او در بیشتر موقعیت‌های زندگی از آن استفاده می‌کند.

۳. در شکل‌گیری این الگو، فرهنگ و نظام اجتماعی به شدت تأثیر داشته است. سبک زندگی حتی اگر برای فرد به صورت «الگوی شخصی» درآمده باشد، نه فقط با جامعه‌پذیری بلکه با هم‌رنگی اجتماعی هم مرتبط است. به این ترتیب، سبک زندگی اگرچه از یک طرف موضوعی فردی است، اما از طرف دیگر به شدت تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی قرار

منابع

۱. ادگار، اندرو و سجویک، پیتر؛ مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی. مترجم: مهراں مهاجر و محمد نبوی. تهران. آگه (انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۲). تهران. ۱۳۸۷.
۲. شفیع‌آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا؛ نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۸.
۳. میزبک، هنریک و سکستون، ویرجینیا استاوت؛ تاریخچه و مکان‌تاب روان‌شناسی. مترجم: احمد رضوانی. آستان قدس رضوی (انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۶۶). مشهد، ۱۳۷۱.
۴. هرگنهان، بی‌آر؛ تاریخ روان‌شناسی. مترجم: یحیی سیدمحمدی. ارسباران (انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۹). تهران. ۱۳۸۹.

نگران علائم ارسالی

آشنایی با رشد و تحول کودکان

دکتر احسان الله محمدی

عضو مستقل انجمن بین‌المللی پژوهشگران مغز

اشاره

برخی والدین با مشاهده‌ی بعضی علائم ظاهری و بالینی فرزندان خود نگران می‌شوند. از جمله‌ی این علائم، نامناسب بودن رفتار و یا مشخصه‌های رشد و هم‌چنین هراس از کوتاهی قد کودکان است. در این مجموعه سعی داریم ابتدا به رشد و تحول کودکان بپردازیم و در شماره‌ی بعد به چگونگی برخورد با پدیده‌ی کوتاهی قد یا نارسایی رشد نگاهی بیندازیم.

کلیدواژه: رشد جسمی، کوتاهی قد، دوره‌ی کودکی

رشد و تحول

رشد و تحول روحی و جسمی، فرایندی پویاست که از زندگی جنینی تا زمان بلوغ کامل، با نظم و توالی معین، به‌صورتی تقریباً مشابه، برای همه‌ی افراد، طی می‌شود. با وجود این، در هر سنی از رشد عوامل ارثی و محیطی به‌صورتی فعال موجب تغییرات متنوعی در رشد و تحول کودکان طبیعی، می‌گردند. کلمه‌ی رشد در اینجا مفهومی جسمانی دارد و از بزرگ شدن جسم و جثه حکایت می‌کند اما کلمه‌ی تحول یا نمو معرف کسب مهارت‌ها، بلوغ اعضا و دستگاه‌ها، سهولت تطابق با پیش‌آمدها و فشارها، توانایی قبول حداکثر مسئولیت و کسب آزادی و روحیه‌ی ابداع و خلاق است. نگاه تمامی پژوهشگران عرصه‌ی فرهنگ، به‌خصوص در حیطه‌ی آموزش و پرورش، سوق دادن توجه همگان به فرهنگ تحول یا نمو شخصیت است. تحول یا نمو شخصیت، یک فرایند پویاست. هدف

هر فرد، این است که بتواند کار و تفریح کند، بر مشکلات فائق آید، عشق به خدا و به خلق داشته باشد و در قبال عشق ورزشی، به او عشق ورزند، خلاق باشد، و مورد پذیرش اجتماع قرار گیرد، و به‌طور کلی خشنود و بانشاط باشد و این مسیر را طی کند.

تحول یا توسعه: فرایندی پیچیده نیز می‌باشد، چرا که کلیه‌ی خصوصیت‌های فردی و محیطی در آن دخالت دارند بنابراین، فرایند پویا و پیچیده‌ی شخصیت کودکان با یکدیگر متفاوت است. اما در مجموع عالی‌ترین درجه‌ی هماهنگی در شخصیت زمانی به‌دست می‌آید که کودک به موقع با هر یک از این مشکلات برخورد کند و بتواند با نظم و توالی صحیح این برخوردها را به‌صورتی سالم حل و رفع نماید. از طرف دیگر، باید به‌خاطر داشت که اکتساب‌های



مثبت و متوالی،
یک‌باره و تماماً
به‌صورتی یک‌باره و
جامد و آسیب‌ناپذیر،

به‌وجود نمی‌آید. **بلکه در طول**

زمان، فرایند دینامیک و پیچیده‌ی
شخصیت‌فرد، در اثر عواملی،
پیوسته تقویت یا تضعیف می‌شود.
از نظر تحول (نمو) روانی نکته‌ی
مهم این است که روند شخصیت
روانی، **در یک محیط فرهنگی**،

شکل می‌گیرد. این محیط فرهنگی
شامل تمام بنیادهای وسیع اجتماعی

دولتی و غیردولتی، چارچوب زندگی
خانوادگی یعنی، گرایش‌ها، نگرش‌ها،
بینش‌ها و ارزش‌های مادر و پدر و الگوی
رفتار عملی آن‌ها بر پایه‌ی رعایت ضروریات
و نیازها و احتیاج‌های منطبق بر «فرهنگ
زمان»، می‌باشند. در این بین «همراهی»
تأثیر واقعیت‌ها و فضاهای متنوع
ساختگی سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای
گوناگون صوتی، تصویری، ارتباطی
و... را نیز پیوسته، در محیط فرهنگی

تربیتی، آموزشی، داریم. در نتیجه، نمو
و تحول روانی، دوره‌ی کودکی را می‌توان در

جدیدترین تقسیم‌بندی به پنج مرحله تقسیم کرد:

۱. دوره‌ی شیرخواری یا بچگی (از تولد تا ۱۸ ماهگی)
۲. دوره‌ی اولیه‌ی کودکی (از ۱۸ ماهگی تا ۵ سالگی)
۳. دوره‌ی سالمندی کودکی (از ۵ سالگی تا ۱۲ سالگی)
۴. دوره‌ی نوجوانی (از ۱۲ سالگی تا ۱۶ سالگی)
۵. دوره‌ی جوانی (از ۱۶ سالگی تا رشد و نمو کامل)

در دوران اولیه‌ی کودکی افق دید کودک، و نمو کودک با رشد او
توسعه می‌یابد. کنترل حرکات بدنی فراگرفتن بسیاری مهارت‌های
فیزیکی را برای او امکان‌پذیر می‌نماید. رشد قابل توجه در تکلم و
بیان ارتباط او با محیط اطراف را روز افزون می‌کند و توانایی او را
در فهم و نمو برقراری روابط اجتماعی افزایش می‌دهد. شاید مشکل
اصلی این دوران کنترل انگیزه‌های پیوسته کودک با والدین است.
کنترل احساسات تهاجمی و پرخاشگرانه‌ی کودک در قالب
وابستگی به والدین اوج می‌گیرد.

کنترل این احساسات و این فرایندهای روانی که با عنوان
«همسان‌انگاری یا هویت‌دار شدن کودک» نام دارد، باید اصلاح و
تعدیل شوند. کودک میل دارد که رفتاری شبیه والدین خود داشته
باشد و حتی با آن‌ها رقابت کند. در اینجا است که «ارزش‌های
اخلاقی والدین» در پُروسه‌ای دینامیک و پیچیده شخصیت روانی

کودک، قوی‌ترین حرکت شکل‌گیری خود را در کودک نشان
می‌دهد و در شخصیت کودک مستحیل می‌شود. کودک احساس
وابستگی به مادر و پدر را اینک به احساس استقلال تبدیل می‌کند
و برای هدایت خود به‌کار می‌برد.

برقراری انضباط، این بزرگ‌ترین وسیله‌ی تربیتی برای ایجاد
احترام به خود، دوست‌داشتن، قبول مسئولیت فردی و اجتماعی،
در این مرحله آغاز می‌گردد. تدابیر انضباطی ارزشی در قالب هدف
تربیت و آموزش طفل، باید به‌کار گرفته شوند. نمو شخصیت در
انتخاب این تدابیر انضباطی ارزشی نباید به دریافت قدرتی مطلق
و انضباطی خشک تبدیل شود؛ چرا که تربیت اگر به‌درستی
صورت نگیرد، آینده‌ی دردناک پنهان و آشکار جو قدرت کودک
را مشخص می‌نماید.

دوره‌ی ۵ تا ۱۲ سالگی کودک، «رشد هوشی سریعی» را شامل
می‌شود، به‌طور فعال خود را یکی از اعضای اجتماع محسوب
می‌کند. مهار نیروی غریز و تبدیل آن به انگیزه‌های دیگر، آغاز
می‌شود. این دوره، دوره‌ی پنهان یا کمون انرژی نیروهای غریزی
نام دارد، دوره‌ی کمون یا این مجموعه‌ی انرژی، در کودک، طی
فرایند برتری‌سازی یا والا‌بیش یا تصعید یا تعالی باید به انگیزه‌ی
بزرگ کسب دانش و معرفت تبدیل گردد. این انعطاف تبدیلی،
در این دوره باید صورت گیرد. قدرت و سرعت آموختن، در این
دوره فوق‌العاده است. مواد خامی از انواع اطلاعات، در قالب انواع
مهارت‌های هوشی خواندنی و نوشتنی، آمادگی برای کودک را به
شدت فراهم می‌کند. اشتغالات ذهن افسانه‌ای اسطوره‌ی کودک
به سمت باورها و ایمان به امور واقعی، رقم می‌خورد. توسعه و نمو
فرهنگ شخصیتی کودک در تمام زمینه‌ها به‌خصوص در بازی‌ها
و امور ورزشی او، در ایجاد دانش و توسعه‌ی مهارت‌های ذهنی و
جسمی او مؤثر است. در این دوران، «دوره‌ی تطابق و همکاری
گروهی» شکل‌گیری وسیع‌تری به خود می‌گیرد.

فضای مهدکودک‌ها، فضای کوچه‌ها، فضای مدرسه، دوران
تطابق و همکاری گروهی کودک را از طریق تبدیل توجه عاطفی
والدین به سمت ارضای عاطفی کودکان در رابطه با دیگر کودکان
هم‌سن‌وسال، حرکت می‌دهد و هدایتگر می‌شود. این «انعطاف
تبدیلی» سبب میل شدید عاطفی کودک به عضویتش در
جامعه‌ی وسیع هم‌سن‌هایش، همراه با «رقابت و همکاری و اطاعت
گروهی» را تقویت می‌کند. در این مرحله، عناصر مردم‌سالاری و
آزادی حقیقی، در وجود او بسط می‌یابند. کودک از تطبیق و
پرسشگری در زمینه‌ی ارزش‌های اخلاقی والدین و ارزش‌های
گروه، طرح سؤال می‌کند و از این طریق، ارزش‌های فرهنگی
حقیقی، وسیع‌تر از میدان محدود خانواده، نشئت گرفته از جهان
کودکان هم‌سن‌وسال و روابط بیرونی، در کودک تمرکز خود را
به‌وجود می‌آورد (آغاز ارزش‌های فراگیر فرهنگی در این دوره).

منبع

HandBook of Pediatrics/ Lamqe-publish

داربست اساسی ترین مرحله در پرورش نهال یادگیری

عادل ضربی

آموزگار دبستان باقر العلوم، لنده، کهگیلویه و بویراحمد

زمین جلوگیری شود که در اصطلاح باغبانی، داربست نامیده می‌شود. چنانچه با داربست زدن، رشد این نهال نوپا را هدایت نکنیم با پیچش به دور خود و افتادن، از آسیب و آفات زمینی مصون نخواهد بود و در نهایت، شاهد ثمر دادن آن خواهیم بود.

از حس و حال و هوای سایه‌ی درخت انگور گذری به کلاس درس داشته باشیم. نهال نوپای یادگیری در ضمیر مخاطبان ما نیز به قد کشیدن و گسترش نیاز دارد. حوزه‌ی مفاهیم و آموخته‌های فراگیرندگان با فعالیت‌هایی هم‌چون تحقیق، پژوهش و گردش‌های علمی گسترده خواهد شد و ستون‌های امدادی یادگیری، منابع خارج از فضای رسمی آموزش، مانند والدین، کتاب‌خانه، اینترنت، متخصصان، جامعه، رسانه و امکانات و فعالیت‌های کمک آموزشی هستند. اما گاهی نوعی تضاد و دوگانگی در آموخته‌های رسمی و آموزش‌های غیررسمی به چشم می‌خورد. منابع غیررسمی آموزش به دلیل ناآگاهی از روند علمی آموزش تلی از اطلاعات غیرمنسجم و بعضاً نادرست را در ذهن و ضمیر فراگیرنده ایجاد می‌کنند. نوبت به غربالگری و سازمان‌دهی درونداد دریافتی از محیط می‌رسد. آموزگار کاردان با طبقه‌بندی علمی این اطلاعات و با الگ خرد و منطبق به مثابه‌ی دهقانی کارآزموده در هنگام برداشت گندم، خس و خاشاک خرمن را سوا کرده و محصول اثربخش و اثرگذار را در محفظه‌ی آگاهی مخاطب خود رمزگذاری و بایگانی می‌کند تا در صورت نیاز با فراخوانی اطلاعات

و بگو، واژه‌آموزی، برای تثبیت نهال نوپای یادگیری تدارک دیده شده‌اند.

۳. تعمیق

نهال آرام آرام رشد می‌کند اما بدون ریشه دواندن امکان تعمیق و بهره‌گیری از مواد مغذی خاک را ندارد. اقداماتی مانند انجام دادن تمرینات بین و بگو، بگرد و پیدا کن، به دوستان بگو، با هدف تعمیق یادگیری صورت می‌پذیرند.

۴. گسترش

به موازات تعمیق نهال در دل زمین، شاخ و برگ‌های نهال نیز به گسترش دارند تا زمینه‌ی بهره‌مندی لازم از نور خورشید برای عمل‌غذاسازی فراهم گردد. بنابراین، برای گسترش حوزه‌ی مفاهیم و موضوع یادگیری، فعالیت‌هایی مانند نمایش، کتاب‌خوانی و درس آزاد پیشنهاد شده است. البته ما برای گسترش نهال یادگیری به **داربست**، نیازمندیم. داربست در طراحی آموزش و یادگیری به چه معناست؟ این سؤالی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. نهال درخت تاک (انگور) در سال اول کاشت نورسته و جوان است. به دلیل ساقه‌ی ضعیف و شکننده‌ی آن، راستای رشد این درختچه در امتداد افق یا به اصطلاح زمینی است. بنابراین، نیازمند برافراشتن چوب یا ستون‌های امدادی است تا با لم دادن و پیچش نهال به دور چوب ستون امدادی، در مراحل اولیه کمی رو به بالا رشد کند و از پهن شدن آن روی

اشاره

هر فعالیت یادگیری بی‌شبهت به کاشت یک نهال نیست. نهال نوپای یادگیری، علاوه بر یک بستر مناسب به تثبیت، تعمیق و گسترش نیاز دارد. مراحل چهارگانه‌ای که گذر شتاب‌زده از هر کدام، ما را در رسیدن به بام اهداف آموزشی، اگر نگوییم ناکام می‌گذارد، حداقل دچار وقفه خواهد کرد.

مرحله چهارگانه

۱. آماده‌سازی

زیر کشت بردن زمینی که سال قبل نیز زیر کشت بوده، مستلزم انجام دادن فعالیت‌هایی برای آماده‌سازی زمین در جهت ثمردهی بهتر و بیشتر است؛ از جمله هموار کردن سطح زمین، قطع علف‌های هرز و آبیاری به هنگام همان گونه که از نام این فعالیت‌ها پیداست، عنوان آماده‌سازی را می‌توان بر آن‌ها گذاشت. سنجش آغازین یا ارزش‌یابی تشخیصی، ایجاد انگیزه برای ورود به موضوع آموزش، استفاده از پیش‌سازمان‌دهنده‌ها و همه و همه در جهت آماده‌سازی مخاطب برای کاشت اولیه‌ی نهال یادگیری، در زمین ناآماده‌ی ذهن آن‌ها صورت می‌گیرد.

۲. تثبیت

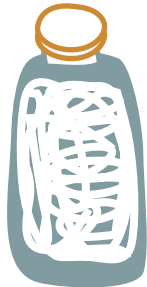
پس از غرس نهال مورد نظر، با ریختن مقداری خاک در اطراف آن و کوبیدن خاک اقدام به تثبیت نهال و مقاوم‌سازی آن در برابر باد و حوادث دیگر می‌کنیم. برای مثال، در درس فارسی، فعالیت‌هایی مانند گوش کن

صبحانه‌ای با طعم نقاشی



زهرآکیانی پور

دبستان امام سجاد شهریار، شهرک جعفریه



پانزده سال است که در دوره‌ی آموزش ابتدایی مشغول تدریس هستم که حدود پنج سال آن را در پایه‌ی اول گذرانده‌ام و خیلی به این پایه علاقه دارم؛ چون بچه‌ها در این سن از پاک‌ی، صداقت و معصومیت مضاعفی برخوردارند.

در یکی از روزهای فروردین ماه در کلاس به صدا درآمد و آقای معاون پس از ورود به کلاس رو به بچه‌ها کرد و گفت: «بچه‌ها فردا سفره‌ی سفید داریم، همگی صبحانه‌ی خود را به همراه بیاورید و سعی کنید حتماً شیر، خامه، سرشیر، عسل و تخم‌مرغ داشته باشید تا در کنار سفره‌ی سفید همراه با بقیه‌ی کلاس اولی‌ها بنشینید و با لذت صبحانه‌ی خود را بخورید.» صبح روز بعد هر کدام از بچه‌ها با لقمه‌های نان و پنیر، خرما، عسل، مربا و شیر، آماده و سرحال کنار سفره‌ی پهن شده در نمازخانه نشستند. اما امیرحسین تنها با تکه‌ای نان بربری و یک نقاشی که پر بود از خوراکی‌های خوشمزه و رنگ و لعاب‌دار آمده بود. نزدیک رفتم و گفتم: «امیرحسین جان این چیه؟» گفت: «خانوم اجازه! مامانم هرچی کار می‌کنه خرج برادرم که توی بیمارستانه میشه. بابام که رفته بهشت، من فقط تونستم نان بیارم، اما همه‌ی خوراکی‌های خوشمزه‌های رو که دوست دارم وقتی پولدار شدم برای مامان و برادرم بخرم رو اینجا نقاشی کردم.» من به امیرحسین گفتم: «تفاقی من هم پنیر و خامه و شیر آوردم ولی نان نداشتیم، می‌آیی با هم صبحانه بخوریم؟» و کنار او نشستیم.

این بهترین و خوشمزه‌ترین صبحانه‌ای بود که در کنار یکی از شاگردانم خوردم، صبحانه‌ای با طعم نقاشی. به امید روزی که هیچ بچه‌ای در حسرت نداشتن‌ها و نبودن‌ها و نمی‌توانم‌های معقول پدر و مادری نباشد.

ذخیره شده، میز کار خود، یعنی موقعیت آموزشی را با تنوعی خاص بیاورید و کاسه‌ی خالی فراگیرندگان را سرشار از شهد شیرین معرفت و داده‌های مفید کند. با نگاهی علمی به این موضوع زوایای مبهم بحث آشکار خواهد شد. اما به راستی ذهن فراگیرندگان بدون حضور رهبر آموزشی، چگونه این اطلاعات فاقد نظم و سیاق را سازمان‌دهی می‌کند؟ شیوه‌های سازمان‌یافته‌ی معنی دادن به تجربه در نظریه‌ی شناختی رشدی پیازه «طرح‌واره» نامیده می‌شود. طرح‌واره‌ها از طریق دو فرایند انطباق و سازمان‌دهی دچار تغییر می‌شوند. انطباق از طریق تعامل مستقیم با محیط و با استفاده از دو فعالیت درون‌سازی و برون‌سازی شکل می‌گیرد.

برای مثال، طرح‌واره‌های مادر و عدالت به عنوان مصداق و مفهوم، در صورت تعامل مستقیم با محیط دستخوش دگرگونی می‌شوند. فراگیرنده قبل از ترک کلاس در مورد این دو طرح‌واره شاید بیشتر از دو یا چند گزاره و تعریف نمی‌تواند ارائه دهد. اما اگر از طریق تحقیق و پژوهش درباره‌ی این دو مفهوم به گزاره‌ها و تعاریف جدیدی دست یابد و این تعاریف با طرح‌واره‌های قبلی این دو مفهوم، یعنی آنچه در کلاس یاد گرفته، همخوانی داشته باشند آن‌ها را جذب می‌کند و در صورت ناهمخوانی اقدام به اصلاح طرح‌واره‌ی قدیم خواهد کرد. در هر دو صورت شناخت کودک در ارتباط با این دو طرح‌واره افزایش خواهد یافت. ما در تحقیق، پژوهش و فعالیت‌های خارج از کلاس به دنبال همین کارکرد هستیم.

منابع

۱. ایلینگورث، رونالد (۱۹۷۳)، کودک و مدرسه، مترجم: شکوه نوبلی‌زاده انتشارات رشد، تهران، ۱۳۸۲.
۲. براون، سالی، هورن، هلن، (۱۹۵۰)، پانصد نکته (چگونه کیفیت آموزشی را بهبود بخشیم؟)، مترجم: فرخ‌لقارنیس‌دانا، انتشارات قدیانی، تهران، ۱۳۷۹.
۳. بیلر، رابرت، (۱۹۸۹)، کاربرد روان‌شناسی در آموزش، مترجم: پروین کدیور (۱۳۶۷)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۷.
۴. جویس، بروس، ویل، مارشال، کالهوم، امیلی، (۲۰۰۴)، الگوهای تدریس، مترجم: محمدرضا بهرنگی، انتشارات کمال تربیت، تهران، ۱۳۸۴.
۵. حوریزاد، بهمن؛ غنی‌سازی تکالیف آموزشی، انتشارات لوح زرین، تهران، ۱۳۸۴.
۶. خورشیدی، عباس؛ روش‌ها و فنون تدریس، انتشارات سیطرون، تهران، ۱۳۸۱.
۷. سیف علی‌اکبر؛ روان‌شناسی پرورشی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۹.
۸. شریعتمداری، علی؛ روان‌شناسی تربیتی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲.
۹. علی‌پور مشکاتی، مهرا؛ آیین تدریس و روش کلاسداوری، نشر پارسایان، قم، ۱۳۸۱.
۱۰. گالسر، ویلیام، (۱۹۲۵)، مدارس بدون شکست، مترجم: حمزه سلاطه، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۸۲.



اشاره

در کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی چهارم ابتدایی دروسی با عنوان تقویم و روزهای مهم درج شده است. «یکی از حوزه‌های موضوعی درس مطالعات اجتماعی، حوزه‌ی زمان، تداوم و تغییر است. این راهبرد از تاریخ بهره می‌گیرد و بر استفاده از شواهد و مدارک برای فهم تغییرات و تداوم پدیده‌ها در روند زمان تأکید دارد. به موازات سیر زمان بخشی از حال به گذشته و بخشی از آینده به حال می‌پیوندند. همپای حرکت طولانی و ممتد زمان تحولات و رویدادهای فراوانی در صحنه‌ی گیتی رخ می‌دهد.» (فلاحیان و دیگران، ۱۳۹۱) برای درک زمان گذشته ما باید بتوانیم رویدادهای مختلف را بر حسب نظم زمانی مرتب کنیم که به آن نظم کروئولوژیک می‌گویند. دانش آموز نخست به تناسب پایه‌ی آموزشی باید بتواند بین دیروز، امروز و فردا فرق قائل شود و

سپس مفهوم هفته‌ی جاری و هفته‌ی گذشته یا آینده را بداند. یکی از این شیوه‌های مفید برای مرتب کردن وقایع بر حسب نظم زمانی استفاده از خط یا نمودار زمان است. به همین سبب در کتاب مطالعات اجتماعی جدید پایه‌ی سوم خط زمان آموزش داده می‌شود و سپس بحث تقویم در پایه‌ی بالاتر یعنی پایه‌ی چهارم مطرح می‌شود. هدف از طرح ترتیب و توالی و درک نظم کروئولوژیک در پایه‌ی سوم این است که با قرار دادن وقایع یا مرتب کردن مدارک و شواهد به ترتیب و به‌طور متوالی روی خط زمان، زمینه‌های آموزش تاریخ شکل گیرد. چراکه یکی از اساسی‌ترین کارها در آموزش تاریخ، توانا ساختن دانش‌آموزان به درک گذشته و حال و تمایزگذاری بین آن‌هاست. رویدادها را با خط زمان می‌توان براساس مقیاس هفته، سال، قرن یا تقسیمات زمانی دیگر نشان داد.

فردا

امروز

دیروز

ورزش دارم و می‌خواهم لباس ورزشی بپوشم

به مادرم کمک می‌کنم

تعطیل بود و به خانه مادربزرگ رفتم

(آینده)

(حال)

(گذشته)

بعد از بحث خط زمان مبحث تقویم در کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی چهارم طرح می‌شود. کاربرد تقویم یکی از مهارت‌های مهم در آموزش مفاهیم تاریخ و همچنین از مهارت‌های زندگی است. تقویم در تعریف کلی نظامی است که انسان برای محاسبه و اندازه‌گیری زمان طولانی و به‌خصوص سال و ماه اختراع کرده است. برای اندازه‌گیری زمان در هر تقویم باید مبدئی انتخاب شود. بدون وجود مبدأ، سنجش زمان امکان‌پذیر نیست.

انسان‌ها در طول زندگی خود مبداهای متفاوتی چون مبدأ ملی، قومی، نجومی، حوادث طبیعی را به‌کار برده‌اند. مهم‌ترین مبدأ پذیرفته شده در میان ملت‌های جهان مبدأ دینی است که برای مسلمانان واقعه‌ی بزرگ هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه و برای مسیحیان تولد حضرت عیسی مسیح (ع) است. (همان)

در سال چهارم ابتدایی دانش‌آموز با نشانه‌های ملی کشور - که یکی از آنان تقویم مشترک است - آشنا می‌شود. افراد یک ملت تقویم مشترک دارند. دانش‌آموز کاربرد تقویم در زندگی روزمره و نحوه‌ی استفاده از آن را با شناخت مبدأ تاریخ کشور خود می‌آموزد. دانش‌آموزان در سال گذشته با پر کردن فرم سال و ماه و روز تولد خود آشنا شده‌اند. بخش دیگر تقویم شناخت فصل و ماه‌های سال است. امسال توجه دانش‌آموز به این نکته جلب می‌شود که بعضی ماه‌ها در تقویم ۳۱ روز، بعضی ۳۰ روز و بعضی ۲۹ روز هستند.

می‌دانید که اول بهار آغاز سال شمسی است و لحظه‌ی تحویل سال (لحظه‌ی عبور مرکز خورشید از نقطه‌ی اعتدال بهاری نیمکره‌ی شمالی) دقیقاً با محاسبات نجومی تعیین می‌شود. تقویم هجری شمسی است و ۱۲ ماه قراردادی دارد که شش ماه اول سال ۳۱ روز، پنج ماه بعدی ۳۰ روز و ماه آخر سال ۲۹ روزه‌اند. چون یک سال خورشیدی چند ساعت بیشتر از ۳۶۵ روز است، این ساعت‌های اضافی جمع می‌شوند و هر چهار یا پنج سال یکبار به ماه اسفند یک روز اضافه می‌شود که آن سال را «سال کبیسه» می‌نامند. وقت رسمی کشور ایران و عیدهای باستانی مانند نوروز و جشن‌های ملی با این تقویم محاسبه می‌شود. اما چون دین رسمی ایران اسلام است، مناسبت‌های دینی با تقویم هجری قمری سنجیده می‌شود. (صیاد، ۱۳۷۳)

تقویم در قالب فعالیت

برای آموزش بهتر مفهوم تقویم از دانش‌آموزان بخواهید تقویم‌هایی با اشکال مختلف جیبی، رومیزی و دیواری را همراه بیاورند و در ضمن از یکی از اعضای خانواده روز، ماه و سال تولد

او را بپرسند و به‌خاطر بسپارند. ابتدا از هر یک از آن‌ها بخواهید تقویم را ورق بزنند و دوازده ماه سال را پیدا کنند و ببینند کدام ماه‌های سال ۳۱ روزه، کدام ماه‌ها ۳۰ روزه و کدام ماه ۲۹ روزه است. سپس روز و ماه تولد خود و یکی از اعضای خانواده را در تقویم پیدا کنند و نشان دهند.

در ادامه، از او سال تولدش را بپرسید و در مرحله‌ی بعد بخواهید با توجه به سالی که روی تقویم مشاهده می‌کند، سن خود را از طریق عمل تفریق محاسبه کنند. بعد از اینکه دانش‌آموز به سؤال شما پاسخ داد، از او بپرسید سالی که در آن قرار داریم چه سالی است؟ منظور از سال ۱۳۹۴ چیست؟ دوباره تاریخ تولد او را بپرسید. برای مثال، اگر ۱۳۸۳ بود به او بگویید که در آن سال، ۱۳۸۳ سال از هجرت پیامبر گذشته بود و تو اکنون ۱۱ ساله شده‌ای.

نکته‌ی دیگری در آموزش تقویم که می‌بایست مدنظر قرار بگیرد بحث رنگ‌هاست و اینکه چرا در تقویم بعضی روزها قرمز نشان داده شده‌اند. رنگ قرمز نشان‌دهنده‌ی روزهای تعطیل رسمی است. به‌همین دلیل که با روزهای دیگر فرق می‌کند رنگ آن نیز تفاوت دارد. با توجه به شناخت دانش‌آموزان از روز جمعه شروع کنید. سپس بگویید که به‌جز روز جمعه روزهای مهم دیگری هستند که به‌واسطه‌ی اهمیت آن‌ها در کشور تعطیل رسمی است. بگذارید دانش‌آموزان تعدادی از روزهای تعطیل رسمی را پیدا کنند و به شما بگویند.

تعطیلات در کشور در دو گروه مناسبت‌های دینی و ملی قرار می‌گیرند. همه‌ی روزهای تعطیل را که دانش‌آموزان پیدا می‌کنند و می‌گویند با ذکر مناسبت آن‌ها روی تخته بنویسید و در پایان آن‌ها را دسته‌بندی کنید و بگویید مناسبت‌های ملی و مناسبت‌های مذهبی داریم. در اینجا این نکته را به دانش‌آموزان متذکر شوید که برخی مناسبت‌های مذهبی برای همه‌ی مسلمانان یکسان است. برای مثال، عید مبعث، عید قربان، و عید فطر. یعنی آنکه همه‌ی مسلمانان در هر جا که باشند، این روزها را جشن می‌گیرند یا در روزهایی مانند عاشورا یا شهادت حضرت علی (ع) مسلمانان سراسر جهان سوگوار هستند. روزهای تعطیلی ملی در هر کشور خاص آن کشور است و در کشور دیگری تعطیل نیست. مثلاً عید نوروز، روز ملی شدن صنعت نفت و روز ۲۲ بهمن. البته باید به دانش‌آموزان بگویید که روزهای مهم دیگری هستند که با رنگ قرمز مشخص نمی‌شوند و تعطیل رسمی هم نیستند مانند روز معلم، روز دانش‌آموز، روز جهانی کارگر که مراسم خاصی برای بزرگداشت آن‌ها هر ساله برگزار می‌شود.

ابزار

طراحی تکالیفی بر مبنای هوش‌ها و تفاوت‌ها

در فرایند تدریس ابزارهای گوناگونی برای نیل به اهداف آموزشی وجود دارد و تکلیف یکی از عواملی است که موجب تثبیت یادگیری می‌شود. بنابراین، ارائه‌ی تکالیف سنتی و قدیمی که بیشتر به رونویسی تأکید دارد با فرایند ارزش‌یابی توصیفی امروز هم‌سو نیست.

تفاوت‌های فردی در دانش‌آموزان نیاز به ارائه‌ی انواع تکلیف را ضروری می‌سازد. بنابراین، با بررسی کتاب‌های خوانداری، نوشتاری، راهنمای معلم و نیز مطالعه‌ی کتب ارزش‌یابی کیفی و توصیفی و مطابق نظریه‌ی هوش‌های چندگانه بر آن شدم تا تکالیفی را برای فارسی پایه‌ی سوم ابتدایی طراحی کنم که با ارائه‌ی آن‌ها به دانش‌آموزان اهداف زیر محقق شود:

الف. توجه به تفاوت‌های فردی

ب. توجه به هوش‌های چندگانه

ج. صرفه‌جویی در وقت آموزگار برای ایجاد تنوع در تکالیف و همین‌طور به نتیجه رسیدن فعالیت‌هایی در رشد سواد خواندن.

د. صرفه‌جویی در وقت کلاس، دانش‌آموز و برگه‌ی آن‌ها در درج تکلیف شب. بدین ترتیب که انواع

تکالیف در برگه‌های شماره‌گذاری

شده و در ابتدای سال به

دانش‌آموزان ارائه می‌شود.

در هر نوبت ارائه‌ی تکلیف

فقط شماره‌ی آن ذکر

می‌شود و بچه‌ها از روی

شماره آن را انجام

می‌دهند.

برای درک بهتر دانش‌آموزان می‌توانید از آن‌ها بخواهید در هر ماهی که هستند نزدیک‌ترین مناسبت ملی یا مذهبی را پیدا کنند. سپس مراسم یا جشنی را در مدرسه تدارک ببینید و هر بخش از مراسم را به گروهی واگذار و تقسیم کار کنید. نکته‌ی دیگری که باید به دانش‌آموزان یاد بدهیم این است که کارها را طبق برنامه‌ی زمانی در تقویم یادداشت کنند (و این یک مهارت زندگی است). برای مثال، اگر قرار است برای هفته‌ی بعد کار عملی به کلاس بیاورند، آن کار را در تقویم یادداشت کنند یا اگر قرار است به سفر بروند، روزهای تعطیل را در تقویم ببینند و بعد برنامه‌ریزی کنند.

سخنرانی نه، مشارکت در فعالیت

با توجه به ماهیت درس مطالعات اجتماعی که آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زندگی در اجتماع است، دانش‌آموز می‌بایست به‌طور ملموس با واقعیت‌ها روبه‌رو شود. به‌همین منظور، کلاس درس مطالعات نباید به روش سخنرانی و تأکید بر محفوظات باشد و آموزگاری که این درس را تدریس می‌کند نیز باید ذهن پویا و فعالی داشته باشد و دانش‌آموزان را به فعالیت‌های اجتماعی ترغیب و تشویق کند. درس تقویم نیز همانند سایر دروس مطالعات اجتماعی به کار عملی دانش‌آموز نیاز دارد. مراجعه به تقویم و پیدا کردن روزها و مناسبت‌ها و فهم تفاوت‌های ماه‌های سال از مهارت‌های زندگی روزمره است. مشارکت دانش‌آموزان در برگزاری مراسم و مناسبت‌ها در محله و مدرسه کمک بسیار بزرگی به درک مفهوم رویدادهای مهم تاریخی کشور خواهد کرد. هم‌چنین نظم‌پذیری را به‌طور عملی به دانش‌آموز آموزش می‌دهیم و می‌گوییم رمز موفقیت این است که کارها با برنامه‌ریزی دقیق و در زمان مشخصی انجام شوند. نکته‌ی مهم دیگر فهم علل تاریخی یک رویداد است. برای مثال، وقتی دانش‌آموزان عید مبعث را در تقویم پیدا می‌کنند، انگیزه‌ی خوبی برای اینکه درباره‌ی این رویداد تاریخی اطلاعاتی کسب کنند، به‌وجود می‌آید.

منابع

۱. فلاحیان، ناهید و نازیا ملک‌محمودی؛

کتاب معلم مطالعات اجتماعی پایه‌ی

سوم دبستان، کد ۶۲، سازمان پژوهش و

برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۲.

۲. فلاحیان، ناهید، محمدباقر آرام، مریم نادری،

آمنه احمدی؛ روش آموزش مطالعات اجتماعی،

کد ۶۰۰۰، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۱.

۳. صیاد، محمدرضا؛ «تقویم هجری شمسی»، مجله‌ی نجوم،

سال ۳، شماره‌ی ۱۱، مهر ۱۳۷۳.

یادگیری ما

فریبار رئیس

انواع تکالیف

- کلمات جدید درس را همراه معنی آن‌ها بنویس.
- کلمه‌های مهم درس را بنویس. آن‌ها را به دوستت نشان بده و ببین چه کلماتی را دوستت نوشته است که تو آن را ننوشته‌ای. آن‌ها را به نوشته‌هایت اضافه کن.
- کلماتی را که دارای یکی از این حروف هستند، بنویس. (ث، س، ص، ت، ط، ذ، ز، ض، ظ، ع، ه، غ، ق)
- کلمه‌های چهارنقطه‌ای درس را بنویس.
- درس را بدون نقطه بنویس.
- با کلمات مهم این درس جمله بساز.
- کلمه‌هایی را که هم‌خانواده دارند، از درس پیدا کن و بنویس.
- با کلمات جدید، درس جدیدی بساز و آن را برای دوستانت بخوان.
- از روی جمله‌هایی از درس که خوشست آمده است، یک بار بنویس و برای آن یک نقاشی بکش.
- با انتخاب ده کلمه از درس یک نقاشی بکش و متن آن را کنارش بنویس. احساس خود را هم بنویس.
- سی کلمه انتخاب کن و به جای آن شکلش را بکش.
- یک متن دیکته برای کلاس بنویس.
- یک گزارش از نحوه انجام تکالیفت بنویس و آن را در کلاس بخوان.
- یک متن خنده‌دار از درس بنویس.
- هر چه از واژه‌آموزی و نکته‌ی این درس فهمیدی، بنویس. برای آن دو سؤال طرح کن.
- ابتدای هر جمله را رنگی کن.
- درباره‌ی درس یک ضرب‌المثل بنویس.
- فرض کن تو نویسنده‌ی این کتاب هستی؛ این درس را چگونه تمام می‌کنی؟
- فرض کن تو نویسنده‌ی این کتاب هستی؛ این درس را چگونه شروع می‌کنی؟
- فرض کن تو نویسنده‌ی این کتاب هستی؛ این درس را چگونه به دیگران یاد می‌دهی؟ از چه وسایلی برای تدریس استفاده می‌کنی؟
- اسم درس را عوض کن. پیشنهادهای خودت را بنویس (پنج پیشنهاد برای اسم درس).
- آیه‌ای از قرآن و یا حدیثی درباره‌ی این درس پیدا کن و بنویس.
- نشانه‌های آخر جمله را رنگی کن و به دلخواه زیر چند جمله را خط بکش.
- خلاصه‌ی درس امروز را بنویس.
- چند کلمه از درس پیدا کن و با مخالف آن‌ها جمله بساز.
- کلمه‌های دوقسمتی را از متن درس پیدا کن و بنویس.
- درس را بخوان و چند سؤال از متن آن بساز و جواب آن‌ها را بنویس.
- سی کلمه از درس پیدا کن و در هر جمله دو تا از آن‌ها را به کار ببر.
- پنج خط از درس را انتخاب کن. جمله‌های آن را در هم بریز و بنویس. سپس آن‌ها را به ترتیب و با شماره مشخص کن.
- از این درس چه مطالب مهمی آموختی؟ آن‌ها را بنویس.
- متن درس را بخوان و کلماتی را که معنای جمله را کامل می‌کنند، بنویس. (فعل)
- یک بند بنویس که در آن همه‌ی عبارتها به زمان گذشته باشند.
- یک بند بنویس که در آن همه‌ی عبارتها به زمان آینده باشند.
- زیر زمان‌ها را خط رنگی بکش.
- یک بند گفتاری را به نوشتاری تبدیل کن.
- درباره‌ی موضوع سلامتی دو بند بنویس.
- پنج جمله در زمان حال بنویس و آن‌ها را به زمان گذشته تبدیل کن.

فعالیت‌های مرکز آموزشی استثنایی امام علی (ع) مشهد

واقعیت در بطن کارکنان بریل



نادر قوتی
عکس: رضامعتمدی

و می‌گوید: «من ابتدا در رشته‌ی راه و ساختمان درس می‌خواندم اما بعد به آموزش استثنایی علاقه‌مند شدم.»

در مدارس عادی

به گفته‌ی این مدیر، دانش‌آموزان با نقص بینایی یا کم‌بینایی می‌توانند به مدارس عادی بروند. در این حالت ما به آن‌ها خدمات توان‌بخشی و آموزش ویژه می‌دهیم. این ارتباط به باری معلم رابط انجام می‌گیرد.

تخته‌ی تعاملی

خانم مدیر به استفاده‌ی بچه‌ها از فناوری اشاره دارد و می‌گوید: «این بچه‌ها می‌توانند از امکاناتی که در کلاس دارند مانند تخته‌ی تعاملی یا هوشمند و از دستگاه‌هایی که با تغییر رنگ زمینه کتاب‌ها را بزرگ‌نمایی می‌کنند، استفاده کنند. این تجهیزات گران است اما ما آن‌ها را تهیه کرده‌ایم و دانش‌آموزان بسته به نقصشان می‌توانند از آن‌ها بهره بگیرند.»

یکی از آموزگاران که به خاطر فرزند نابینایش جذب این واحد شده معصومه مرادیان است. هفت سال سابقه‌ی تدریس و لیسانس حسابداری دارد.

اشاره
فرصتی دست داد تا از یک مرکز آموزش استثنایی این بار در شهر مشهد گزارشی به مخاطبان گرامی مجله تقدیم کنیم. مانند هر مدرسه‌ی دیگر، آنچه به چشم می‌آید، فعالیت و خدمات کارکنان خستگی‌ناپذیر این واحد است. ضمن تشکر از مساعدت ریاست آموزش و پرورش استثنایی استان خراسان رضوی، مهندس سیدمحمد مهدی حسینی که امکان این بازدید را فراهم کردند، به مرکز آموزشی امام علی (ع) ویژه‌ی آموزش دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا در ناحیه‌ی شش مشهد رفتیم و با مدیر و چند آموزگار آن به گفت‌وگو پرداختیم که به محضر همراهمان ارجمند تقدیم می‌شود.

و حال مدیریت این آموزشگاه را با حدود ۹۰ دانش‌آموز در اختیار دارد. کاووسی درباره‌ی تعداد دانش‌آموزان می‌گوید: «از ۹۰ دانش‌آموز ۷۸ نفر در دوره‌ی ابتدایی تحصیل می‌کنند و بقیه در پیش‌دبستانی هستند. اینجا تنها مدرسه‌ی پسرانه‌ی دانش‌آموزان با نقص بینایی در شهر مشهد است و منطقه‌ی تبادل‌کن در روستاهای اطراف را نیز پوشش می‌دهد. بچه‌ها با سرویس‌های مدرسه رفت‌وآمد می‌کنند که نیمی از هزینه‌ی آن را آموزش و پرورش می‌پردازد.»



شهرین کاووسی، مدیر مرکز آموزشی امام علی (ع) است. او با ۳۰ سال سابقه، از مشاوره و آموزگاری شروع کرده است

چرا آموزگار مدرسه‌ی استثنایی شدم؟
کاووسی این را خواست خداوند می‌داند

بیابند. دیده می‌شود که گاهی این دسته از دانش‌آموزان نوشته‌های بریل یا حتی کتاب‌های خود را از دوست و آشنا مخفی می‌کنند. ما در کلینیک‌های مشاوره کارهای آموزش خانواده و مشاوره با بچه‌های دارای اختلال رفتار و گفتار را از راه‌های گوناگون از جمله بازی درمانی پیش می‌بریم. جامعه نیز باید بپذیرد که این افراد مانند بقیه‌ی مردم هستند و به برخورد مناسب نیاز دارند نه ترحم. خوب است که در سطح شهر نیز مناسب‌سازی امکانات صورت گیرد و در مدارس کتاب‌هایی با خط درشت برای کم‌بینایان تهیه شود تا مشکلات این دسته از افراد جامعه کاهش یابد.»

اینکه یک مترجم زبان فرانسه در این‌گونه مدارس مشغول تدریس باشد تعجبی ندارد. جمیله سرمدی با ۲۴ سال

بریل می‌نویسند. در هر حال از پایه‌ی دوم می‌شود آن را آموخت. البته بستگی به استعداد دانش‌آموز هم دارد. معمولاً ده روزه می‌توان آن را به بچه‌ها آموزش داد.»

مشکلات این کار

مرادیان همکاری خانه و مدرسه را مهم می‌داند و می‌گوید: «اگر اولیا به فرزندان خود کمک کنند، کار ما راحت‌تر می‌شود. در این صورت این بچه‌ها مشکل کمتری دارند و حتی بسیاری از آن‌ها ادامه‌ی تحصیل می‌دهند و معمولاً در رشته‌های علوم انسانی وارد دانشگاه می‌شوند.»

مدارس آموزش استثنایی واحدهای مشاوره نیز دارند. نیره حکیمی با ۲۶ سال خدمت، سابقه‌ی آموزشی و مشاوره‌ای دارد. او که تا سطح کارشناسی ارشد روان‌شناسی تحصیل کرده است، می‌گوید: «گاه دانش‌آموزان نابینا یا کم‌بینا و حتی خانواده‌هایشان با این نقص نمی‌توانند کنار بیابند و به واقعیت‌درمانی نیاز دارند.

در واقعیت‌درمانی چه رخ می‌دهد؟

حکیمی در این زمینه می‌گوید: «بچه‌های نابینا و کم‌بینا و گاهی خانواده‌های آن‌ها توانایی پذیرش این نقص را ندارند و نمی‌توانند با آن کنار



آشنایی با استثنایی

مرادیان می‌گوید: «قبلاً اطلاعی از کار این مؤسسات نداشتم اما چون پسری نابینا دارم، به‌دلیل مسائل او به این مدرسه آمدم و علاقه‌مند کار در اینجا شدم. خط بریل را نیز از همکاران و همین‌طور در کنار بچه‌ها یاد گرفتم.»

بریل از چند سالگی؟

این آموزگار پایه‌ی سوم می‌گوید: «بریل را با ۱۰ سالگی یاد گرفتم و با ۱۲ سالگی تایپ خط



نگذارید گذشته‌تان فراموش شود

اصغر محمدی
زنگان، دبستان شاهد دکتر شهریار

ای

کاش کسی

به من می‌گفت

خاطرات روزانه‌ات را بنویس.

تمام دوران کودکی و نوجوانی من در

روستا گذشته است. خاطراتی دارم که اگر آن‌ها را

می‌نوشتم، می‌شد از آن‌ها فیلم‌ها ساخت بسی بهتر از دیگر

فیلم‌ها. از کجایش برایتان بگویم؟ از ماهی‌گیری و شکار با تبر و کمان و

دام و دانه یا از لاک‌پشت‌سواری؟ از پختن تخم‌مرغ داخل نی روی آتش یا شنا

در آب‌های سهمگین قزل‌اوزن؟ از مشاهده‌ی نعل‌زنی به پای چارپاها و داغ گذاشتن

روی صورت گوسفندها و یا از انواع بازی‌های محلی؟ از طیب همه‌کاره‌ی روستا و

طرز دندان کشیدن او بگویم یا از قصه‌های مادر بزرگم؟ یادش بخیر آن حمام عمومی

زیرزمینی و قدیمی روستا که اگر خرابش نمی‌کردند یکی از جاذبه‌های گردشگری

روستای ما می‌شد. یادش بخیر آن دو چنار چندصد ساله‌ی کنار قنات. یادش بخیر

پیرمردان و ریش‌سفیدان قدیمی و مزاح‌ها و صحبت‌های شیرینشان زیر سایه‌ی

خنک چنارها. یادش بخیر برگشتن گله‌های بزرگ گاو و گوسفند در غروب روستا.

افسوس که از خاطرات گذشته جز تصاویری مبهم در ذهن من باقی نمانده است والا

می‌گفتم از عصر بدون برق و یخچال. از کوزه‌های آب و خمره‌های سفالی و شیره‌های

انگور داخل آن و طرز نگاه‌داری مواد غذایی و میوه‌های آویزان از سقف خانه‌ها. از طرز

تهیه‌ی رب انار و از نان‌های شیری و شیر و نان خوشمزه‌ای که از آن سیر نمی‌شدم.

از مراسم عزاداری، مراسم شب عید و مراسم دیدن ماه شوال. از آموزگار کلاس اولم

مرحوم جلیل آذری و...

افسوس که چرخ زمان دنده عقب ندارد. کسی نشد به من بگوید بنویس، جز یک

ندای درونی آن هم بعد از گذشت چهل و دو سال. اما من داد می‌زنم و می‌گویم

ایهالاناس بنویسید. یا معشرالمعلمان هم خودتان بنویسید، هم به شاگردانتان بگویید

بنویسند. شاید یکی مثل شهریار پیدا شد و حیدربابایی دیگر خلق کرد و هزاران نفر

را از لذت آن بهره‌مند کرد یا شاید ناصر خسروی دیگر متولد شد و جزئیات زمانش را

برای مردمان هزار سال بعد به تصویر کشید. بگویید ساده و بامزه بنویسند با جزئیاتش

بنویسند و آرزوهایشان را هم یادداشت کنند.

سابقه‌ی تدریس، آموزگار پایه‌ی ششم است و درس فناوری را در کلاس خود تدریس می‌کند.



مسئول سایت رایانه

سرمردی که پیش از این در تهران فعالیت آموزشی داشته و مسئول سایت رایانه‌ی یک مرکز آموزشی بوده است، می‌گوید: «ما اینجا تجهیزات و کلاس‌های خوبی داریم و از وسایل کمک‌آموزشی نابینایان و کم‌بینایان استفاده می‌کنیم. آموزش رایانه هم با آموزش و شناخت صفحه کلید آغاز می‌شود.»

این آموزگار زبان انگلیسی که خود نیز نابیناست، درباره‌ی رفع نیازهای این گروه از دانش‌آموزان می‌گوید: «باید آن‌ها را به‌روز کرد. خیلی از این‌ها می‌توانند با لپ‌تاپ‌های مخصوص کار کنند.»

وقتی از کاووسی خواستیم خاطره‌ای از کار با این دانش‌آموزان بگویید، مانند دیگر همکارانش لحظاتی سکوت کرد و بعد گفت: «همه‌ی این سال‌ها پر از خاطره است. الآن بسیاری از شاگردان من آموزگاران همین مدرسه شده‌اند. برخی حتی مدرک دکترای گرفته‌اند و اکنون در کنار یکدیگر تدریس می‌کنیم.»

گردشگری در کشورهای سه قاره جاذبه‌های طبیعی ایران

صفورا زواران حسینی
کارشناس آموزش انجمن یوزپلنگ ایرانی
عکس: محمد گایینی



گنبد‌های نمکی

گنبد‌های نمکی ساختمان‌های زمین‌شناسی گنبدی شکلی هستند که هسته‌ی مرکزی آن‌ها از سنگ تشکیل شده است. در گنبد‌های نمکی با دنیایی از رنگ‌ها و طرح‌های متنوع مواجه می‌شوید.

گنبد نمکی جاشک (خورموج)



دانشتنی‌های آموزگاران

سفری است مسئولانه به مناطق طبیعی، که موجب حفظ محیط زیست و بهبود زندگی مردم محلی شود. طبق این تعریف، بوم گردشگری تنها برای مشاهده‌ی طبیعت و زیبایی‌های زمین‌شناختی نیست بلکه هدف آن کمک به حفظ محیط زیست نیز هست. یکی از تلاش‌های جهانی برای حفظ جاذبه‌های طبیعی، ثبت مکان‌ها یا پدیده‌هایی به‌عنوان میراث طبیعی در داخل هر کشور یا به‌صورت جهانی است. مرجع ثبت میراث‌های طبیعی داخلی در ایران سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و در جهان سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) است.

طبیعت ایران بسیار متنوع است. موقعیت جغرافیایی خاص ایران سبب شده است طبیعت ایران جلوه‌هایی از طبیعت سه قاره‌ی آسیا، اروپا و آفریقا را در خود داشته باشد. این مسئله در کنار وجود چین‌خوردگی‌ها و تنوع اقلیمی موجب شده است، اکوسیستم‌های متنوعی در ایران دیده شوند. کوه‌های بلند پوشیده از برف، تالاب‌ها، جنگل هیرکانی، دریای جنوب و بیابان‌ها همگی نمونه‌هایی از تنوع طبیعت ایران هستند. امروزه صاحب‌نظران معتقدند درآمد حاصل از اکوتوریسم یا بوم‌گردشگری می‌تواند بخش مهمی از درآمدهای یک کشور باشد. بوم‌گردشگری

معرفی برخی جاذبه‌های طبیعی ایران

گل‌فشان‌ها

برخی گل‌فشان‌ها خاستگاه آتشفشانی دارند، اما گل‌فشان‌های ایران در اثر حرکات صفحات قاره‌ای و اقیانوسی پدید آمده‌اند. بیشتر گل‌فشان‌های ایران در نوار ساحلی جنوب ایران در استان سیستان و بلوچستان و هرمزگان قرار دارند. نمونه‌هایی نیز در استان گلستان وجود دارد.

گل‌فشان تُنگ



کوه‌های مریخی
جنوب استان سیستان و بلوچستان



کلوت‌های شه‌داد

فرسایش‌های بادی و آبی

فرسایش یک تهدید برای طبیعت به حساب می‌آید، اما برخی مناطق که شکل‌گیری آن‌ها به دلیل فرسایش‌های بادی و آبی بوده است، قابلیت تبدیل به مقاصد گردشگری را دارند مانند کوه‌های مارنی که فرسایش هزار دره‌ای یافته‌اند و به کوه‌های مریخی در ایران معروف هستند یا کلوت‌هایی که بر اثر فرسایش آبی و بادی شکل گرفته‌اند.

گیاهان منحصر به فرد

در ایران بیش از ۸۰۰۰ گونه گیاه می‌روید. علاوه بر اینکه گیاهان یکی از پایه‌های اصلی شکل‌گیری اکوسیستم‌ها هستند و برخی از آنان ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که آن‌ها را تبدیل به یک جاذبه‌ی گردشگری می‌کند. مانند درختان کهنسال یا گیاهانی که در معرض خطر انقراض هستند یا گیاهانی که شرایط رویشی ویژه‌ای دارند، مانند درختان مانگرو که ریشه در آب دارند.

غار نمکدان قشم



غارها

غارهای طبیعی فضاهایی زیرزمینی هستند که در فرایندی طبیعی زایش یافته‌اند و به خارج از پوسته‌ی زمین راه پیدا کرده‌اند. برخی غارهای طبیعی منشأ آهکی و فرسایش یافته دارند و برخی ماگماساخته هستند. در برخی غارها آب جریان دارد که معمولاً به دلیل وجود چشمه‌های آب در آن‌هاست. متأسفانه در ایران، برای تسهیل بازدید گردشگران، فضای طبیعی برخی غارها را تغییر داده‌اند!

سرو ابرکوه



سوسن چلچراغ تنها در مناطق محدودی از ایران مانند منطقه داماش در استان گیلان و بخش‌هایی از جمهوری آذربایجان می‌روید و از گونه‌های گیاهی حمایت شده است



جنگل‌های مانگرو در برخی مناطق جزر و مدی سواحل جنوبی کشور وجود دارند



جنگل هیرکاتی در شمال ایران

تالاب‌ها و دریاچه‌ها

اکوسیستم تالاب‌ها و دریاچه‌ها جلوه‌های طبیعی بسیار زیبایی را پدید می‌آورد. متأسفانه بسیاری از تالاب‌ها و دریاچه‌های ایران خشک شده‌اند یا در آستانه‌ی خشک شدن هستند یا دچار مشکلات ناشی از آلودگی هستند.

تالاب آترایی در گیلان



آبشارها

آبشار فرود یا ریزش ناگهانی جریان آب یک رود بر اثر وجود بریدگی شیب در مسیر آن است. آبشارها را از لحاظ وسعت منطقه فرود یا ارتفاع آن‌ها می‌توان دسته‌بندی کرد. آبشارها فصلی یا دائمی هستند



آبشار پیران در استان کرمانشاه، یکی از بلندترین آبشارهای ایران است که ارتفاع آغاز طبقه اول تا پایین طبقه سوم آن حدود ۱۸۰ متر است.^۱

چشمه‌ها

چشمه محلی است که آب‌های زیرزمینی بر اثر برخورد لایه‌های آبدار با سطح زمین پدیدار می‌شود.^۳ رسوبات برخی چشمه‌ها حوضچه‌های زیبایی را پدید می‌آورند.

چشمه باداب سورت



بیابان‌ها و کویرها

هفتاد درصد از خاک سرزمین ایران توسط کویرها و بیابان‌ها اشغال شده است. بیابان به بخشی از مناطق خشک می‌گویند که بارندگی کمتر از ۵۰ میلی‌متر باران دارد و ممکن است چند سال در آن باران نیارد و با کم‌آبی و تبخیر شدید مواجه است و پوشش گیاهی بسیار ضعیف است. اما کویرها زمین‌های رسی پف کرده با شوری و نمک بسیار شدید هستند که گیاهان در آن نمی‌توانند رشد یابند. در بعضی از آن‌ها که شوری کمتر است، ممکن است گیاهانی مانند گز و شور که در برابر املاح نمکی مقاوم هستند رشد نمایند.^۴

تنگ ارغوان در ایلام



دره‌ها و تنگ‌ها

«تنگ» دره‌ای است که بیش از اندازه‌ی طبیعی ژرف و باریک باشد. دیواره‌های «تنگ» اغلب قائم و فوق‌العاده پرشیب هستند.^۵

آبسنگ مرجانی کیش



جزایر

جزایر ایرانی شامل جزایر خلیج فارس، دریاچه‌ی ارومیه و دریای خزر هستند. برخی جزایر ویژگی‌های زمین‌شناختی، گیاهی و جانوری منحصر به فردی دارند و به دلیل دسترسی کم بکر مانده‌اند.

آبسنگ‌های مرجانی

آبسنگ‌های مرجانی از اکوسیستم‌های آب‌های کم‌عمق گرمسیری هستند که بخش بزرگی از آن‌ها از صخره‌های آهکی تشکیل شده است. در خلیج فارس و دریای عمان آبسنگ‌های مرجانی وجود دارند.



۱. مرتبط با...

کتاب فارسی پایه‌ی پنجم / درس ۱۸

۱. فهرستی از کتب‌های نمکی ایران را می‌توانید در سایت irandeserts.com جست‌وجو و مشاهده نمایید.

۲. کتاب غارهای ایران، مصطفی سلاخی، نشر نی، ۱۳۸۷.

۳. کتاب فرهنگ اصطلاحات جغرافیای طبیعی، سیاوش شایان، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۶.

4. beinabein.com

5. irandeserts.com

6. ngdir.ir

۷. در تهیه‌ی این فهرست از مشورت آقای محمد کابینی، نویسنده‌ی وبسایت «ایران را بگردیم» و راهنمای گردشگری استفاده شده است.

۳. معرفی کتاب مرتبط^۶

۱. طبیعت گردی در ایران، تألیف ن. صالحی و م. فیاضی، انتشارات میرماه، ۱۳۹۲

۲. آموزش کاربردی کوهپیمایی و طبیعت‌گردی، ترجمه‌ی سامان شاهین‌پور و پژوهشگر احمد نظری، انتشارات مهرسا، ۱۳۹۳

۳. آبشارهای ایران، تألیف مجید اسکندری، انتشارات ایران شناسی، ۱۳۹۰

۴. اطلس کوه‌ها و غارهای ایران، تألیف داوود محمدی‌فر، انتشارات سیزان، ۱۳۹۱

۵. کوه‌نوردی در ایران، علی مقیم، نشر روزنه، ۱۳۹۰

۶. غارهای ایران، تألیف مصطفی صلاحی، نشر نی، ۱۳۸۷

۷. بیابان‌گردی در ایران، تألیف س. سلوتی و م. کریمخان زند، ۱۳۹۱

۱. بابانیاوری، انتشارات ایران شناسی، ۱۳۹۰.

۲. طبیعت‌گردی با گیاهان ایران (راهنمای میدانی)،

تألیف مجید اسکندری، انتشارات ایران شناسی، ۱۳۹۳

۳. پرندگان ایران (راهنمای صحرایی)، تألیف

جمشید منصوری، انتشارات کتاب فرزانه، ۱۳۹۲

۴. خزندگان و دوزیستان ایران (راهنمای میدانی)،

تألیف کامران کمالی، انتشارات ایران شناسی، ۱۳۹۲

۵. پروانه‌های ایران (راهنمای میدانی)، تألیف علیرضا

نادری، انتشارات ایران شناسی، ۱۳۹۱

۶. مجموعه کتاب‌های ایران زمین (سیمای فرهنگ

و طبیعت استان‌های تهران، قم، سمنان و...) انتشارات

کریمخان زند، ۱۳۹۱

من می‌دوم، تو هم بدو!

فعالیت‌های سالم ورزشی در پیشگیری از چاقی دانش‌آموزان

حسن خدادادی

رئیس انجمن طناب‌زنی مدارس کشور

خالد دودمان

آموزگار

در آمریکا نشان می‌دهد که یک چهارم کودکان در این کشور چاق‌اند یا اضافه وزن دارند. کودکان نسل کنونی به دلیل شیوه‌ی زندگی ماشینی و تغذیه‌ی ناسالم در مقایسه با کودکان دهه‌های گذشته با مخاطرات اساسی در زندگی مواجه‌اند. اسلوب‌های غلط زندگی از قبیل عدم تحرک و عادات تغذیه‌ای نامناسب میراث زندگی ماشینی این دوره‌اند و زندگی کودکان و نوجوان را در معرض انواع نگرانی‌ها قرار داده‌اند. برخی از تبعات این مسائل ممکن است تا سال‌ها بعد حتی تا آخر عمر باقی بماند. هم‌چنین این مشکلات عواقب روانی نامطلوبی هم‌چون اختلالات خواب، پایین بودن اعتمادبه‌نفس، اضطراب و افسردگی را در پی خواهند داشت که این مسئله بر روابط اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان نیز اثر منفی می‌گذارد. آمارها در سال ۲۰۱۰ نشان داده است که بیش از ۳۰۰۰۰۰۰ مرگ‌ومیر سالانه در آمریکا به‌علت رفتارهای غلط تغذیه‌ای، نداشتن فعالیت‌بدنی کافی و مشکل چاقی ناشی از آن است.

اشاره

براساس گزارش‌های سازمان بهداشت جهانی، فقر حرکتی و به تبع آن چاقی در سراسر جهان مهم‌ترین عامل خطرناک در بروز بسیاری از بیماری‌ها عنوان شده است. بیماری‌های قلبی-عروقی، دیابت، انواع سرطان‌ها و حتی بروز برخی از بیماری‌های روانی از پیامدهای نگران‌کننده‌ی فقر حرکتی و چاقی می‌باشند. این معضل به یکی از چالش‌های اساسی و نگرانی‌های عمده برای برنامه‌ریزان حوزه‌ی تربیت‌بدنی مدارس به‌ویژه در بین دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی تبدیل شده است. میزان شیوع چاقی در قرن بیست‌ویکم به مهم‌ترین مشکل تهدیدکننده‌ی سلامتی افراد به‌ویژه در سلامت سیستم قلب و عروق است. تحقیقات انجام شده



تحرک، لازمه‌ی سلامتی و رشد دانش‌آموزان

برخی تحقیقات نشان داده‌اند که افراد در طول دوران بلوغ هر چه فعالیت بدنی بیشتری داشته باشند، گرایش کمتری به مصرف سیگار خواهند داشت. هم‌چنین کودکانی که فعالیت بدنی کافی دارند، زمینه‌ی مساعدتری برای یادگیری و رشد تحصیلی خواهند داشت. به همین دلیل، ورزش و فعالیت‌های سالم بدنی

زیر نظر معلم تربیت بدنی متخصص نقش بسیار اساسی در رشد و تکامل جسمانی و روانی دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی دارد. البته یادآور می‌شویم که فعالیت‌های

ورزشی گروهی علاوه بر تأثیرات مفید جسمانی باعث رشد تعامل اجتماعی و تسهیل کسب مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان می‌شود. الگوهای مناسب فعالیت بدنی و تغذیه‌ای، که در دوران کودکی و بلوغ کسب می‌شوند، در طول زندگی هر فرد باقی می‌مانند و زمینه‌ی سالمی را در زندگی دانش‌آموزان به وجود می‌آورند. در حقیقت، ورزش وسیله‌ای برای تأمین بهداشت و سلامت فرد است و پرداختن به آن سبب سلامت جسمی، روانی و اجتماعی می‌شود و بسیاری از مسائل روحی دانش‌آموزان از قبیل رفتارهای پر خاشاکانه، خجالت و کم‌رویی، گوشه‌گیری، افسردگی و نداشتن اعتماد به نفس را تعدیل می‌کند. نداشتن فعالیت بدنی علت زمینه‌ای عمده‌ای برای مرگومیر، بیماری‌ها و ناتوانی‌هاست. اهمیت موضوع برگرفته از آن به‌عنوان یک مشکل جدی برای قرن حاضر مطرح شده است. در این راستا، نتایج تحقیقات سازمان بهداشت جهانی در زمینه‌ی عوامل خطر ساز منجر به مرگ، بیانگر آن است که عدم فعالیت یا زندگی بی‌تحرک یکی از ده علت اصلی مرگومیر و ناتوانی در کل جهان است. و اما چاقی در میان کودکان و نوجوانان ایران در حال افزایش است. در ایران میزان شیوع چاقی در گروه سنی کودکان و نوجوانان نسبت به شاخص‌های سازمان بهداشت جهانی نگران‌کننده است. این مسئله در کلان‌شهرها حادث‌تر است. از جمله دلایل این معضل، تغییرات الگوهای رفتاری، سرانه‌ی ورزشی محدود، کمبود معلم تربیت بدنی متخصص در دوره‌ی ابتدایی و بعضاً بی‌توجهی والدین به مقوله‌ی بسیار مهم تربیت بدنی در ساعات خارج از مدرسه و اوقات فراغت کودکان نسبت به فعالیت‌های ورزشی است.

با توجه به نیاز حرکتی و فعالیت‌های سالم ورزشی در دوره‌ی حساس ابتدایی طراحی اجرای برنامه‌های مفرح و سالم ورزشی از ضروریات درس تربیت بدنی می‌باشد. بدین منظور آموزش و اجرای رشته‌های متنوع ورزشی، متناسب با سطح آمادگی جسمانی دانش‌آموزان مسئله‌ی مهمی است که معلمان تربیت بدنی و آموزگاران مدارس باید مدنظر قرار دهند. این فعالیت‌ها باید به گونه‌ای باشند که ضمن ایجاد فضای شاد و مفرح در مدارس، نیازهای حرکتی دانش‌آموزان را



تأمین و از چاقی آنان جلوگیری کنند.

فعالیت‌های ورزشی هوازی

منظم در طول سال تحصیلی - که به صورت گروهی انجام می‌گیرند- همراه با آموزش صحیح و مناسب، راهکاری اساسی برای جبران کمبود فعالیت‌های حرکتی است. چرا که در این نوع فعالیت‌ها ضمن افزایش ظرفیت قلبی- تنفسی و کنترل وزن، فشاری متعارف به استخوان‌ها وارد می‌شود. در این فرایند عضلات و استخوان‌های کودکان رشد می‌کنند و مهارت‌های حرکتی آن‌ها نیز بهبود می‌یابد.

طرح طناب‌ورز

برای مثال، یکی از طرح‌های موفق ورزشی که سال‌های گذشته در سطح مدارس کشور انجام شد، «طرح ملی طناب‌ورز» یا همان آموزش مهارت‌های پایه‌ی طناب‌زنی بود که البته نتایج قابل قبولی هم به دست آورد. این طرح از سال‌ها پیش در برخی مدارس کشورها از جمله سنگاپور، نیوزلند، استرالیا، کانادا و آمریکا اجرا می‌شود و یکی از حامیان اصلی این طرح انجمن‌های پزشکی قلب آن کشورهاست. برای نمونه، در استرالیا در طول سالی گذشته بیش از هشت میلیون دانش‌آموز در برنامه‌ی آموزش طناب‌زنی شرکت کرده و نتایج قابل توجهی در کنترل چاقی و سلامت سیستم قلب و عروق به دست آورده‌اند و یا در کشور سنگاپور آموزش مهارت‌های پایه‌ی طناب‌زنی در سطوح مختلف یکی از برنامه‌های مهم و موفق این کشور برای دانش‌آموزان و حتی والدین آن‌هاست. یکی از اهداف مهم این طرح در کشورهای عنوان شده افزایش ظرفیت هوازی دانش‌آموزان به منظور تأمین سلامت قلب آنان می‌باشد. با توجه به کمبود سرانه‌ی ورزشی در مدارس کشور و هم‌چنین فقر حرکتی نگران‌کننده در بین دانش‌آموزان، پرداختن به ورزش‌هایی مانند طناب‌زنی که هزینه‌ی بسیار کمی نسبت به سایر طرح‌های ورزشی دارد، در سلامتی و تأمین نیازهای حرکتی دانش‌آموزان این دوره و حتی دوره‌های تحصیلی بالاتر بسیار مفید و مؤثر خواهد بود. البته باید خاطر نشان کنیم آموزش صحیح و مناسب و ترغیب دانش‌آموزان به این ورزش مسئله‌ی مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

من دوست تو هستم

نقش مشاوره‌ای آموزگاران دوره‌ی ابتدایی

عفت میراحمدیان

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

تشخیص و ارجاع با دقت نظر فعالیت کنند. در ادامه به بررسی گام‌های چهارگانه‌ای که به آموزگاران در حصول این نقش یاری می‌رساند می‌پردازیم. این گام‌ها در دو سطح درون‌فردی و بین‌فردی طراحی شده‌اند، دو گام اول مربوط به حیطه‌های درون‌فردی و دو گام آخر در حوزه‌ی بین‌فردی است.

قدم اول: افزایش دانش

مانند هر تخصص دیگری لازم است که پیش از هر چیز آگاهی کلی از حوزه‌های فوق‌الذکر داشته باشیم. لازم است که آموزگاران عزیز حتماً مهارت‌های خرد مشاوره‌ای (برقراری رابطه، گوش دادن فعال و انواع انعکاس) را مطالعه کنند و بیاموزند. سلانتروک (۲۰۰۱) معتقد است که معلمی نه یکسری تکنیک و نه هنر است بلکه هنر به کار بردن تکنیک‌هاست. پس از آموختن مهارت‌های خرد مشاوره‌ای لازم است که بیاموزیم چگونه این مهارت‌ها را در بستر آموزش کلاسی خود به کار بریم. علاوه بر دانش‌افزایی لازم است به یاد داشته باشیم که برخلاف باور بسیاری از مشاوران-مشاوره با کودکان کار دشواری است و نیاز به یک نگرش صحیح در مورد آن‌ها دارد. در ادامه‌ی بحث‌های مشاوره‌ای این مسئله را

اشاره
در سال‌های اخیر مبحث علوم میان‌رشته‌ای به یکی از موضوعات بسیار مهم در فضای علمی تبدیل و منجر به پدید آمدن رشته‌های کاربردی فراوانی شده است. امروزه نه تنها علوم میان‌رشته‌ای بلکه بر حسب ضرورت و نیازهای مختلف، ترکیب شاخه‌های متنوع درون یک علم نیز رشد بی‌سابقه‌ای داشته و به تناسب این ترکیب‌ها، نقش‌های نوینی نیز پدید آمده است. برای مثال، در حیطه‌ی علم روان‌شناسی نقش‌هایی چون نقش‌های مشاوره‌ای مدیران و نقش مشاوره‌ای معلمان مؤید این مطلب است که فضاهای آموزشی-تربیتی به حوزه‌های خاص‌تری چون مشاوره نیاز خاص‌تری دارند.

یکی از مهم‌ترین دوره‌ی آموزشی که نیاز به حضور فعال و جدی مشاوران دارد دوران ابتدایی است؛ چرا که در آن کودکان به لحاظ شناختی و عاطفی کمترین میزان خودآگاهی را نسبت به دوران بعدی عمر خود دارند و قاعدتاً ضربه‌ها و آسیب‌ها و سهل‌انگاری‌ها در این دوران بسیار جدی‌تر و مانا‌تر از سایر دوره‌های زندگی کودک است اما متأسفانه علی‌رغم آنچه گفته شد، در کشور ما جای خالی نیروهای متخصص و ساعات ویژه‌ی مشاوره در مقاطع آغازین هم‌چنان معضلی است پابرجا و به نظر می‌رسد که راه‌حل این مسئله ترکیب نقش آموزگار-مشاور باشد.

کلیدواژه: مشاوره، آموزگار-مشاور، مهارت مشاوره

حرفه‌ای مشاوره نیز برآیند؟ پاسخ این سؤالات «خیر» است. منظور از تعریف نقش آموزگار-مشاور این نیست که معلمان در نقش مشاوران به فعالیت بپردازند، چنین امری نه در ساعات آموزشی می‌گنجد و نه معلمان توان ارائه‌ی چنین خدمات تخصصی را دارند. هدف این است که **معلمان نسبت به مسائل دانش‌آموزان خود هشیوارانه‌تر عمل کنند** یعنی بتوانند در سه حیطه‌ی: پیگیری (سلامت روان)،

ضرورت پاسخ به یک نیاز: پدید آمدن نقش آموزگار-مشاور

گرچه در ابتدا این نام و نقش، حل‌کننده‌ی مشکلات مشاوره‌ای دوران ابتدایی به‌نظر می‌رسد اما در کل نقشی مبهم است. آیا اساساً با توجه به ساعات درسی فشرده‌ی آموزشی امکان اینکه معلمان بتوانند نقش یک مشاور را برای دانش‌آموزان خود ایفا کنند، وجود دارد؟ آیا معلمان توان آن را دارند که علاوه بر آموزش از عهده‌ی فعالیت



ادامه‌ی بحث‌های مشاوره‌ای این مسئله را بیشتر مورد بررسی قرار خواهیم داد.

قدم دوم: افزایش خودآگاهی

شاید بتوان گفت در سطح بین فردی، مهم‌ترین مرحله شناخت خودمان است. لازم است قبل از هر کاری به سؤالاتی از این قبیل پاسخ دهیم: آیا مسائلی حل نشده از دوران کودکی خود داریم؟ آیا در رابطه‌ی خود در دوران تحصیل (خصوصاً ابتدایی) با معلم، کادر مدرسه و سایر دانش‌آموزان مشکل خاصی داشته‌ایم؟ لازم است پیش از پرداختن به مسائل دانش‌آموزانمان، مسائل حل‌نشده‌ی دوران اولیه‌ی تحصیل خودمان را حل کنیم. برای این کار پیشنهاد می‌شود یک دفترچه‌ی کوچک که همواره همراهتان باشد، به این کار اختصاص دهید و دقایقی از هر روز را تا مدتی به این نوع بازبینی خاطرات اختصاص دهید. برون‌ریزی نوشتاری در ارتباط با مشکلاتی از قبیل نادیده گرفته شدن‌ها، ناکامی‌ها و ناکارآمدی‌ها و ضعف‌های خودمان در افزایش خودآگاهی بسیار کمک‌رسان هستند. اجازه دهید که این قبیل مسائل در فکرتان به حیات خود ادامه دهند، چرا که کودکان از توانایی منحصر به فردی در تحریک عواطف، برهم‌زدن توازن و بیدار کردن مسائل ناهشیار ما برخوردارند. همین ویژگی ضرورت شناخت و پاکسازی حافظه‌ی ما را مشخص می‌کند.

قدم سوم: پذیرش انسانی دانش‌آموزان

این مرحله‌ی آغاز حیطه‌ی بین فردی است. ما باید بتوانیم شاگردان خود را با تمامیت انسانی وی، یعنی فقط به‌عنوان یک انسان بنگریم. در مقام آموزگار، ما کودکان کلاس خود را فقط به‌عنوان دانش‌آموز می‌شناسیم اما تغییر نقش از آموزگار به آموزگار- مشاور، ما را وامی‌دارد تا نگاهی دیگر به دانش‌آموزان داشته باشیم. به‌عنوان مشاور باید آن‌ها را از ابتدا به‌عنوان یک انسان با تمام ویژگی‌های انسانی او بپذیریم و سپس به‌عنوان آموزگار یکی از نقش‌های او را که تنها برای ساعتی در مدرسه به خود می‌گیرد- یعنی دانش‌آموز- در نظر بگیریم. چنین وضعیتی ضرورت پدید

همان‌گونه که در مجله‌ی شماره‌ی ۴ قول داده بودیم، ویژه‌نامه‌هایی در مورد «درس‌پژوهی» و «کلاس‌های چندپایه» تهیه کردیم و در شماره‌های پنجم و ششم تقدیم حضورتان شد. در این شماره هر چند بحث مبسوط نیست اما از لزوم «مشاوره» در دوره‌ی ابتدایی سخن گفته‌ایم و در ۱۲ صفحه آن را مطالعه خواهید کرد. امید است در آینده و از یکصد و پنجاهمین شماره‌ی مجله همراهی قلمی بیشتر همکاران عزیز را شاهد باشیم.

بسیار مهم است. حتماً به والدین بگویید که این اطلاعات محرمانه هستند و در اختیار هیچ کسی جز شما قرار نخواهند گرفت و هدفتان از جمع‌آوری این اطلاعات را نیز بیان کنید و حتماً- حتماً- به قول خود عمل کنید و رازدار اطلاعات شخصی کودک باشید، چرا که در صورت زیر پا گذاشتن قولتان اعتبار خود را از دست خواهید داد.

قدم چهارم: برقراری رابطه

یالوم می‌گوید: «این رابطه است که درمان می‌کند، این ورد من در روان‌درمانی است.» وقتی به‌طور جدی به نقش مشاور وارد می‌شوید، برقراری رابطه‌ی مناسب و صحیح با مراجع تبدیل به مسئله‌ای حیاتی می‌شود اما در مورد آموزگار- مشاور ماجرا کمی فرق دارد. معلمان فاصله‌ی روانی- عاطفی خاص- و گاهی بسیار زیاد- با دنیای دانش‌آموزان خود دارند اما مشاوران دوشادوش مراجع حرکت می‌کنند، در کنار

آمدن یک نگرش خاص در کار با کودکان را ایجاد می‌کند. ما در نقش آموزگار در چشم دانش‌آموزان خود یک «همه‌چیزدان» جلوه می‌کنیم، کسی که برخی از دانش‌آموزان را خوب، برخی را ضعیف و گاهی هم برخی را بد می‌دانیم و علی‌رغم باور ما، کودکان کاملاً این دسته‌بندی‌ها را در مدت زمان کوتاهی می‌فهمند، به‌زودی آن‌ها درک می‌کنند که از نظر ما جزو کدام گروه هستند و رفتارهای خود را منطبق با نگرش ما- گاهی در جهت و گاهی برخلاف جهت نگرش ما- تنظیم می‌نمایند. برای پیشگیری از بروز چنین مشکلاتی در این حیطه اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود.

۱. نگاه خود را به‌طور مساوی بین تمام دانش‌آموزان تقسیم کنید و از تمرکز زیاد بر برخی دانش‌آموزان بپرهیزید.

۲. کودکان کم‌رو و منزوی را شناسایی کنید.
۳. در اولین فرصت پیش آمده در جلسه‌ی خانه- مدرسه، یک پروفایل شخصی برای هر دانش‌آموز تهیه کنید و اطلاعات ضروری و خاص مانند سوابق آموزشی کودک، مشکلات یادگیری وی، سوابق بیماری و داروهای مصرفی، ترس‌ها و ضعف‌ها و نیز نقاط قوت و توانمندی‌های او را در پروفایل مذکور ثبت کنید. به یاد داشته باشید که نحوه‌ی بیان و نوع ارتباط‌گیری شما در این اولین جلسه برای کسب اطلاعات صحیحی که کمک‌کننده‌ی رسیدن به اهداف مشاوره‌ای شما هستند



او می‌مانند و گاهی تنها کمی جلوتر از او می‌روند تا مسیر حرکت مراجع خود را تصحیح یا تسهیل کنند. حال می‌خواهیم بدانیم چگونه می‌توانیم بین این دو نقش متفاوت پیوند برقرار نماییم. راهکارهای زیر را به کار ببندید و میزان اثربخشی هر کدام را مورد بررسی قرار دهید.

۱. معرفی آغازین: معلمان پس از دانش‌آموزان وارد کلاس شده و تنها با چند کلام کوتاه درس را آغاز می‌کنند. لازم است که در روزهای آغازین سال تحصیلی پیش از دانش‌آموزان در کلاس حضور داشته باشید و حداقل ۲۰-۳۰ دقیقه (مرحله گرم کردن) را به معرفی خود و متقابلاً آشنایی فردی با دانش‌آموزان اختصاص دهید.

۲. به نحوهی بیان و کلماتی که کودکان برای معرفی خود به کار می‌برند دقت کنید. این روش اولین راه برای شناسایی ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان است.

۳. هنگامی که کودکان خود را معرفی می‌کنند به آن‌ها بازخورد مناسب بدهید. اگر به دانش‌آموزانی که خود را با صدای رسا و به‌طور کامل معرفی می‌کنند بازخوردهایی چون لبخند و آفرین بدهید، سایرین نیز تمایل پیدا می‌کنند که ابراز صحیح‌تر و کامل‌تری داشته باشند و شما در همین اولین جلسه یک راه مناسب برای برقراری ارتباط کلامی را به دانش‌آموزان خود آموزش داده‌اید.

۴. کودکان دوزبانه را شناسایی کنید و سطح ادراک کلامی آن‌ها را به‌طور نامحسوس بررسی نمایید. در غیر این صورت،

این گروه از کودکان در ساعات درسی منزوی شده و به‌عنوان دانش‌آموزان ضعیف شناخته می‌شوند و خودپنداره‌ی تحصیلی آن‌ها آسیب می‌بیند.

۵. نحوهی ارتباط‌گیری کودک را با سایر هم‌کلاسان زیر نظر بگیرید. آیا کودک با سایر هم‌کلاسان خود سازگاری مناسبی دارد؟ آیا تمایل به تبعیت دارد یا دیگران تابع او هستند؟ این موارد را در پروفایل شخصی آن‌ها ثبت کرده و دلایل آن‌ها را پیدا کنید. این موارد در حیطه‌ی پیشگیری و تشخیص بسیار کمک‌کننده می‌باشند.

۶. همواره سعی کنید که در ارتباط با خود واقعی‌تان، هرگز خود را بهتر یا بدتر از آنچه هستید نشان ندهید، تعادل یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که برای کودکان اهمیت خاص دارد. آن‌ها به افراد متعادل اطمینان می‌کنند و همین امنیت‌خاطر داری آرام‌بخش کودک مضطرب است. به یاد داشته باشیم که کودکان، یکدست بودن و تعادل را به سادگی در ما تشخیص می‌دهند.

دام‌های یک آموزگار - مشاور

چنان که در ابتدا گفتیم، برخورداری از یک نگرش منسجم برای شروع کار با دانش‌آموزان ضروری است. ضرورت تصحیح نگرش در حیطه‌ی کار مشاوره‌ای با کودکان زمانی آشکارتر می‌شود که دام‌هایی را که بر سر راه وجود دارد بشناسیم، لازم است همواره خود را در ارتباط با این موارد کنترل کنیم:

۱. کودک خوب/ کودک بد: چنان که گفته شد برخی افراد کودکان را به دو دسته‌ی خوب/ بد تقسیم می‌کنند و به‌طور ترجیحی دقت نظر بیشتری به کودکان خوب و بی‌توجهی به مسائل کودکان بد دارند چرا که پیش‌فرض «کودکان بد همیشه مسئله‌سازند» را پذیرفته‌اند.

۲. همانندسازی با کودک: برخی از آموزگاران تصور می‌کنند که چون خودشان هم روزی کودک بوده‌اند کاملاً می‌توانند کودکان را درک کنند. این مسئله بیش همانندسازی با کودکان است و برخی دیگر کودکان را

موجوداتی ناشناخته می‌دانند که این مورد یک نوع کم‌هماندسازی با کودک است. هر دوی این گروه‌ها از عنصر مهم تعادل دور شده‌اند و به نوعی مناسب کار جدی با کودکان نیستند.

۳. فرافکنی مشکلات شخصی به کودکان: در صورتی که قدم اول (افزایش خودآگاهی) در آموزگار صورت نگیرد، ممکن است به سرعت در این دام بیفتد. در این صورت آموزگار تعارض‌های کودکی خود را به کودک فرافکنی کرده و خودش را در قالب کودک می‌بیند، اینجاست که مشکلات پیچیده‌تر می‌شود.

۴. دلسوزی برای کودک: این مسئله گاهی اوقات به‌طور خاص در ارتباط کودکان بدسرپرست و معلمان آن‌ها رخ می‌دهد. هرگاه احساس کردید که فکرتان مشغول تنبیه یا انتقام‌گیری از والدین کودک است و یا تمایل به سرپرستی دانش‌آموز خود پیدا کرده‌اید در واقع در این دام افتاده‌اید. لازم است به جای دلسوزی، در پی ارجاع کودک به یک مشاور متخصص برآیید و راه‌های دیگری برای حل مشکل کودک بیابید.

۵. بدفهمی کودک: کودکان معمولاً نمی‌توانند یأس‌ها و ناامیدی‌های خود را طوری بیان کنند که دیگران آن‌ها را به‌طور کامل درک کنند، به همین دلیل یا دچار بدفهمی و یا دچار نادیده گرفته شدن می‌شوند. گوش دادن فعال راه‌حل این مشکل است که به ما در درک صحیح مشکل کودک یاری می‌رساند. این‌جاست که متوجه اهمیت یادگیری مهارت‌های خرد مشاوره‌ای می‌شویم.

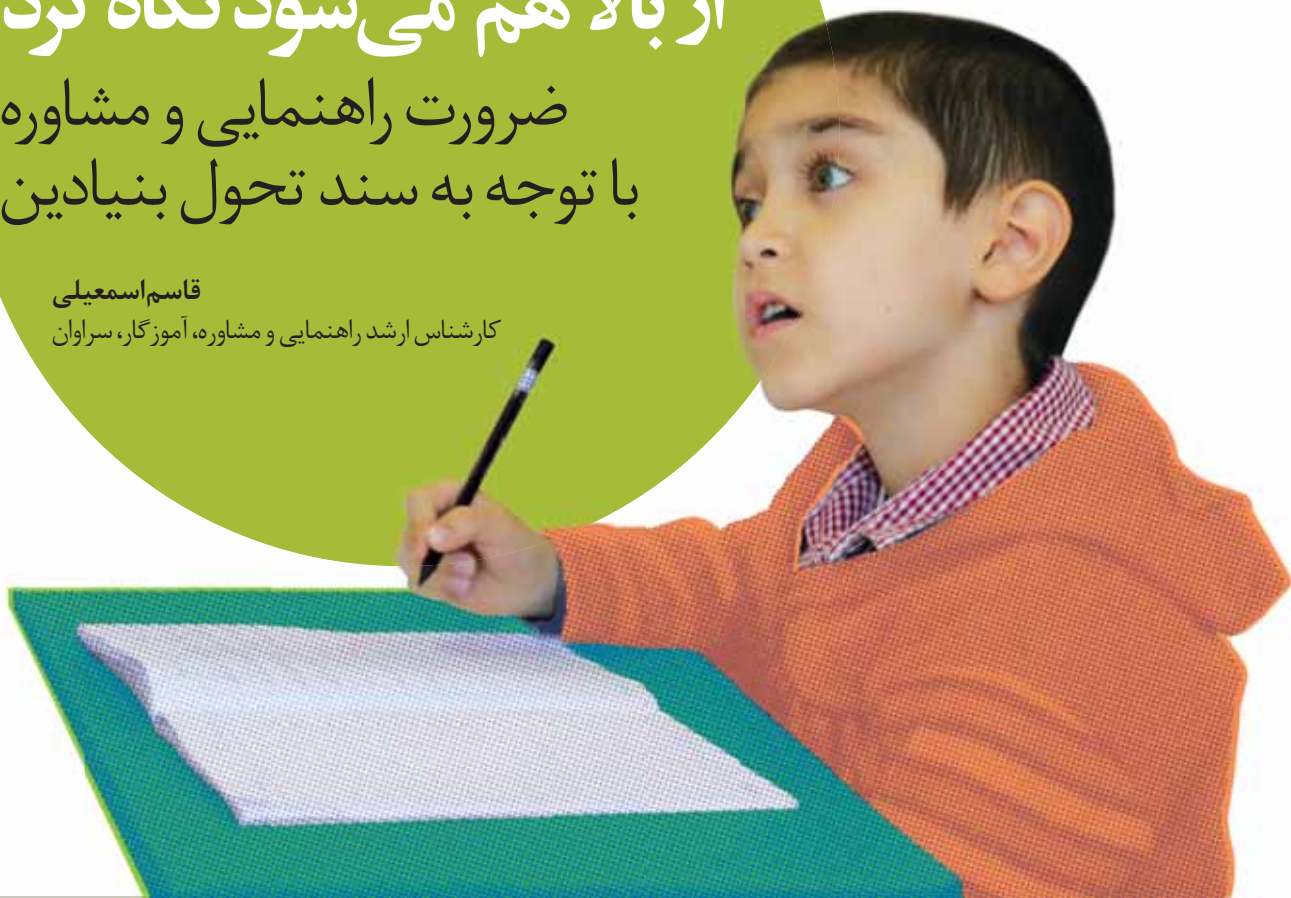
منابع

۱. سامرز-فلنگن، جان؛ سامرز-فلنگن، ریتا؛ مصاحبه‌ی بالینی. مترجم: هامایک آوادسیانس و همکاران، رشد، تهران، ۱۳۸۹.
۲. اروین، دیالوم؛ دژخیم عشق یا روایت‌هایی از روان درمانی، مترجم: همشید یاسانی، آمون، تهران، ۱۳۸۸.
۳. طهماسبی، اعظم و همکاران؛ پازل تربیت؛ راهنمای تربیت کودک، مرکز آموزش سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، ۱۳۸۸.
۴. گلدارد، دیوید؛ مفاهیم بنیادی و مباحث تخصصی در مشاوره؛ آموزش و کاربرد مهارت‌های خرد در مشاوره فردی. مترجم: دکتر سیمین حسینیان، انتشارات کمال تربیت، ۱۳۸۶.

از بالا هم می شود نگاه کرد ضرورت راهنمایی و مشاوره با توجه به سند تحول بنیادین

قاسم اسمعیلی

کارشناس ارشد راهنمایی و مشاوره، آموزگار، سراوان



اشاره

آموزش و پرورش و راهنمایی لازم و ملزوم هستند و تفکیک آن‌ها ممکن نیست. راهنمایی و مشاوره در خدمت به یک فرایند و برای کمک به رشد، شکوفایی استعدادها و کشف راه حل مشکل برای مشکلات تحصیلی، شغلی و خانوادگی کمک می‌کند. (احمدی، ۱۳۸۶) در ادامه تعاریف به اهداف راهنمایی و مشاوره در مقطع ابتدایی پرداخته شده است و با توجه به راهکار ۷-۳ ارائه شده در سند تحول بنیادین (ارائه خدمات مشاوره‌ای - تربیتی در کلیه سطوح تحصیلی برای افزایش سلامت جسمی و روحی دانش آموزان) آموزش و پرورش به این نتیجه رسیده است که ارائه خدمات مشاوره‌ای و تربیتی فقط مختص مقاطع بالاتر نیست بلکه مقطع ابتدایی را نیز شامل می‌شود، زیرا در نظام آموزشی، راهنمایی فرد باید از کودکی آغاز شود و تا پایان تحصیل ادامه یابد. برای کمک به حل مشکلات دانش آموزان در دوره ابتدایی وجود کارشناسان روان‌شناس و مشاور به‌طور مستمر در این مدارس ضروری به نظر می‌رسد، زیرا مشاوران با ایجاد روابط عاطفی پایدار می‌توانند

کودکان و نوجوانان را در ورود به مقاطع مختلف تحصیلی آماده سازند و شیوه‌ی برخورد با مسائل و مشکلات عاطفی، رفتاری و آموزشی را به آنان بیاموزند.

در جریان رشد طبیعی هر کودک ما یک رشته تغییرات شناختی، عاطفی و اجتماعی را شاهد هستیم. تقریباً همه‌ی کودکان در طول رشد و در جریان سازگاری با این تغییرات دچار مشکلاتی می‌شوند و اضطراب یا تعارضی که به دنبال می‌آید، می‌تواند به مشکلات یادگیری و رفتاری در آنان بینجامد. هر کودک در جریان رشد طبیعی باید بتواند به استقلال دست یابد، بیاموزد با هم‌قطاران‌ش رابطه برقرار کند، اعتماد به نفس را در خود تقویت نماید، با تغییراتی که پیوسته در فیزیک بدن و شرایط جسمی او رخ می‌دهد کنار بیاید، اعتقادات و ارزش‌های بنیادین را در خود شکل دهد و یاد بگیرد چگونه به شیوه‌های جدیدی به تفکر بپردازد و اطلاعات جدیدی به دست آورد. تغییرات فراوانی در زندگی کودکان ممکن است رخ دهد که آنان باید خود را با آن وفق دهند، هم‌چون نقل مکان از محلی به محل دیگر، رفتن از یک مدرسه به مدرسه‌ی

دیگر، مرگ یا طلاق در خانواده و بروز بیماری‌های خطرناک (طهوریان، ۱۳۸۸).

برخی از دانش‌آموزان دچار اضطراب یا ترس مرضی‌اند یا رفتارهای پر خاشگرانه دارند یا خجالتی و به هر شکل نمی‌توانند در امتحان به سؤال‌ها پاسخ دهند، در نتیجه درس را فرا نمی‌گیرند و ارزش‌یابی مطلوبی کسب نمی‌کنند و افت تحصیلی می‌یابند. مشاور در شناخت مشکلات عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان و کمک به حل آن‌ها از مشاوره‌ی فردی، گروهی و خانوادگی استفاده می‌کند. (احمدی، ۱۳۸۶)

این مقاله در پی تشریح جزئی این مشکلات و بیان راهکارهای آن است.

تعاریف و اهداف راهنمایی و مشاوره

در راهنمایی کودک که مفهومی کلی و کاربردی وسیع دارد تمام برنامه‌ها و تلاش‌هایی که برای کمک به بهبود رفتار و رشد کودک تهیه شده است، اجرا می‌گردد. در راهنمایی کودک در وهله‌ی اول از بروز مشکلات پیشگیری می‌شود، در حالی که در مشاوره‌ی کودک، که یکی از فنون و خدمات اصلی راهنمایی است، اولویت بر درمان مشکلات است. از طریق راهنمایی، نخست کودکانی که استعداد ویژه دارند یا کسانی که به کمک‌های خاص نیازمند، شناسایی می‌شوند و برای کار کردن با آن‌ها وضعیت مطلوب فراهم می‌آید. دوم، به کودکان فرصت داده می‌شود تا تصمیم‌گیری درست را بیاموزند و مشکلاتشان را حل کنند. سوم، به آنان کمک می‌شود تا پس از پایان تحصیلات دوره‌ی ابتدایی دیدگاه مشخص و روشن‌تری نسبت به اشتغال در آینده به‌دست آورند. چهارم، به کودکان فرصت داده می‌شود تا برای تأمین نیازهایشان حداکثر استفاده را از منابع و امکانات جامعه ببرند.

مشاوره یک جریان یادگیری است که از طریق رابطه بین دو نفر صورت می‌گیرد. در این رابطه، مشاور با داشتن مهارت‌ها و صلاحیت‌های علمی و حرفه‌ای می‌کوشد تا با روش‌های منطبق بر نیازمندی‌های مراجعه‌کنندگان، آن‌ها را یاری کند تا خود را بیشتر بشناسند و بینشی را که به این طریق درباره‌ی خویشتن کسب می‌کنند، در زمینه‌ی هدف‌های معین و واقع‌بینانه به‌طور مؤثری مورد استفاده قرار دهند و در نتیجه به فردی خلاق‌تر و شادمان‌تر در جامعه‌ی خود تبدیل شوند (حسینی بیرجندی، ۱۳۸۸).

مشاوره‌ی کودک به‌منزله‌ی یک هنر، تعامل بین مشاور و کودک است که بدان وسیله کودک پس از طرح مشکل، با کمک مشاور، توانایی‌ها، امکانات و محدودیت‌هایش را می‌شناسد و در نهایت به حل مشکلش اقدام می‌کند.

اهداف مشاوره در دوره‌ی ابتدایی

۱. کمک به تشخیص و حل مشکلات جسمانی، شناختی، عاطفی، اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی دانش‌آموزان
۲. کمک به تشخیص و حل مشکلات معلمان و سایر کارکنان مدرسه در ارتباط با دانش‌آموزان

۳. کمک به تحصیل و حل مشکلات خانواده‌ها در ارتباط با دانش‌آموزان

۴. کمک به ایجاد امنیت‌خاطر دانش‌آموزان در خانواده و مدرسه

۵. کمک به دانش‌آموزان به‌منظور آماده کردن آنان برای پذیرش مسئولیت‌های زندگی. (صافی، ۱۳۸۸)

ضرورت راهنمایی و مشاوره در مقطع ابتدایی

با توجه به راهکار شماره‌ی ۷-۳ ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ای - تربیتی در کلیه سطوح تحصیلی برای افزایش سلامت جسمی و روحی دانش‌آموزان در سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش به این نتیجه می‌رسیم که ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ای و تربیتی فقط مختص دوره‌ی متوسطه نیست بلکه دوره‌ی ابتدایی را نیز شامل می‌شود، زیرا:

راهنمایی یک جریان مداوم و مستمر تربیتی است که در طول زندگی در هر سنی و دوره‌ی تحصیلی با روش‌ها و اهداف مشخص در مورد فرد اعمال می‌شود. سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در آموزش‌وپرورش ابتدایی، نوعی سرمایه‌گذاری درازمدت ولی پرسود است و هرگونه بی‌توجهی به آن جامعه و کشور را با خسارات و ضایعات جبران‌ناپذیری مواجه خواهد ساخت و هم‌چنین تحقق اهداف آموزش‌وپرورش و ارضای نیازهای کودکان به‌طور مناسب، راهنمایی و مشاوره‌ی کودک را ضرورت می‌بخشد. پیشرفت هر مملکت به کارآمد بودن نظام آموزش‌وپرورش آن کشور وابسته است.

در سنین دبستان به‌خصوص عواطف، رفتار و احساسات کودکان در مقایسه با سنین بعدی انعطاف‌پذیر است و اقدامات راهنمایی با هدف پروراندن یک شخصیت کامل، سالم و مطلوب انجام می‌شود. به عبارت دیگر اصول جدید تعلیم‌وتربیت هیچ مغایرتی با اصول راهنمایی ندارند. هر دوی آن‌ها برای تکامل بخشیدن به دانش‌آموز در جهت زندگی بهتر و شخصیت مطلوب انجام می‌گیرند. در این سنین به‌ویژه هر اقدامی که به‌منظور رفع مشکلات شخصیتی و عاطفی فرد به‌عمل می‌آیند در بهبود آینده او مؤثر خواهد بود که نشانگر ضرورت راهنمایی و مشاوره در دوره‌ی ابتدایی است.

دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی مشکلاتشان را نمی‌شناسند و حتی قادر نیستند در این مورد به‌خوبی صحبت کنند. در این سنین معلم و والدین بیشتر از خود دانش‌آموز مورد مشاوره قرار می‌گیرند. شاگردان خود برای مشاوره مراجعه نمی‌کنند بلکه به وسیله‌ی معلم یا والدین ارجاع داده می‌شوند. امکان دارد دانش‌آموزانی پیدا شوند که بتوانند مشکلاتشان را بیان کنند، ولی اغلب از ناراحتی‌های خود، به‌صورت اجمالی آگاهی دارند و نمی‌توانند به یک ناراحتی اشاره کنند. مشاور می‌تواند برای کمک به این کودکان و حل مشکلاتشان از والدین و معلم و سایر افرادی که با آن‌ها سروکار دارند یاری بگیرد.

عقیده‌ی «مک دانیل» این است که معلم راهنمای دانش‌آموزان ابتدایی باشد ولی نظر «کروگمن» این است که آموزگاران نه وقت این را دارند که در نقش راهنما باشند و نه دوره‌ی کافی را گذرانده‌اند، بنابراین در مقطع ابتدایی نیز مانند دبیرستان باید امور راهنمایی و مشاوره را متخصصان فن انجام دهند. او معتقد است در مدارس که متخصص

وجود دارد، معلمان بهتر کار می‌کنند. متخصصان در دبستان راهنمای معلمان و مشاور آن‌ها در مورد دانش‌آموزان هستند و معلمان نیز برای اینکه بتوانند به‌خوبی به راهنمایی بپردازند باید فردی متخصص در اختیار داشته باشند. (حسینی بیرجندی، ۱۳۸۸)

البته نباید نقش معلم ابتدایی را در کمک به برنامه‌های راهنمایی و مشاوره نادیده گرفت زیرا همه‌ی متخصصان راهنمایی و مشاوره معتقدند که نقش معلم در راهنمایی و مشاوره‌ی کودکان بسیار مهم است و معلمان باید علاوه بر تدریس، به مشاوره با کودکان نیز بپردازند زیرا معلم با کودکان دبستان تماس دائم و نزدیک دارد و از توانایی‌ها، ضعف‌ها، آرزوها و نیازهای آنان به‌خوبی آگاه است. معلم از طریق همکاری با والدین و کارکنان مدرسه، عملکرد مشاور و دیگر متخصصان را مفیدتر و مؤثرتر می‌سازد و در صورتی که دانش‌آموزان نیازمند به کمک‌های خاص باشند، آنان را به متخصصان مشاوره ارجاع می‌دهد. (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۰)

پژوهش‌های انجام شده در پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت و در دانشگاه‌های ایران نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی با مشکلات مختلفی روبه‌رو هستند. نتایج حاصل از پژوهشی که تحت عنوان «بررسی همه‌گیرشناسی مشکلات رفتاری دانش‌آموزان دختر و پسر ۷ تا ۱۵ ساله‌ی شهر تهران» انجام شده است، نشان می‌دهد که ۳۲/۷ درصد دانش‌آموزان مورد مطالعه دارای انواع مشکلات رفتاری می‌باشند.

نتایج حاصله از پژوهش‌های مختلف مؤید ضرورت استفاده از خدمات راهنمایی و مشاوره به تناسب نیاز در این دوره می‌باشد. (صافی، ۱۳۹۰)

شرایط روحی دانش‌آموزان در دوره‌ی ابتدایی و ضرورت راهنمایی و مشاوره

با توجه به راهکار ۳-۱۶ توجه کافی به شرایط روحی دانش‌آموزان در سنین بلوغ و ارائه‌ی مشاوره و آموزش‌های دینی و اخلاقی متناسب با آن‌ها در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌توان گفت: بلوغ اولین نشانه‌ی رشد جنسیت نوجوان است. علاوه بر تغییرات جسمانی که اساس جاذبه‌ی جنسی را تشکیل می‌دهد و مفهومش این است که نوجوان دیگر از سن کودکی گذشته است، میل و کشش جنسی در دختران افزایش می‌یابد و بدن آماده‌ی باروری، که حاصل فعالیت جنسی است، می‌شود. نتایج همه‌ی این رفتارها مسئله‌ی عمده‌ای را برای نوجوانان و افراد دیگر به‌بار می‌آورد. تغییراتی که در توانایی‌های ذهنی نوجوانان پدید می‌آید نیز نقش مهمی را در وضع جنسی آنان ایفا می‌کند.

وظیفه‌ی اصلی جوان این است که تصمیم بگیرد چگونه با امیال جنسی برخورد کند و چگونه تمایلات جنسی خود را به‌طور موفقیت‌آمیزی پیش ببرد و به گونه‌ای مناسب آن را در روابط اجتماعی وارد کند. (خدایاری فرد، ۱۳۸۱)

با توجه به شروع بلوغی طبیعی که معمولاً از ۹ تا ۱۳ سالگی در دختران و ۱۱ تا ۱۵ سالگی در پسران است و در این سنین در مقطع ابتدایی می‌باشند، در پژوهش‌های صورت گرفته معلوم گردیده است پسرهایی که زود بالغ شده‌اند سازگاری خوبی دارند اما دخترهایی که زود بالغ شده بودند در مقایسه با هم‌سالان خود که به موقع بالغ شده بودند از روابط نامناسب با خانواده و هم‌سالان، شبکه‌های اجتماعی کوچکتر و رضایت کمتر از زندگی تا اوایل بزرگسالی و موفقیت تحصیلی کمتر از هم‌سالانشان خبر دادند. پژوهشگران معتقدند که اختلال در روابط اجتماعی زیربنای پیامدهای منفی است. شاید شماری از دخترهایی که زود بالغ می‌شوند با مشکلات هیجانی و اجتماعی به نوجوانی می‌رسند. هنگامی که فشارهای بلوغ در عملکرد تحصیلی اختلال ایجاد می‌کنند و به فشارهای نامطلوب هم‌سالان منجر می‌شوند، سازگاری نامناسب ادامه می‌یابد و عمیق می‌شوند. از قرار معلوم، مداخله‌هایی که نوجوانانی را هدف قرار می‌دهند که زود بالغ شده و در معرض خطر قرار دارند، ضروری هستند. در این مداخله‌ها باید برای نوجوانان مشاوره و حمایت‌های اجتماعی تأمین شود تا آن‌ها را آماده سازد مشکلات هیجانی و اجتماعی این دوره را حل و فصل کنند. (سیدمحمدی، ۱۳۹۰)

با توجه به افزودن پایه‌ی ششم در مقطع ابتدایی و بالا رفتن سن دانش‌آموزان که سن ورود به دوران نوجوانی بوده که با تغییرات مختلف دوران بلوغ همراه است، تغییرات بلوغ باعث بیدار شدن غریزه‌ی جنسی در نوجوانان می‌شود و تربیت آن را ضروری می‌سازد. باید پسران و دختران را از ۱۲ سالگی نسبت به بلوغشان آگاه ساخت. وظیفه‌ی پدر و مادر است که به فرزندان خود اطلاعات لازم را در مورد غریزه‌ی جنسی، تغییرات ثانویه‌ی جنسی و تمایلات مربوط به آن را بدهند.





هرگاه والدین خود را قادر به دادن اطلاعات در زمینه‌ی مسائل جنسی نبینند، باید از فردی با صلاحیت برای اطلاع‌رسانی به فرزند خود کمک بگیرند. مشاور می‌تواند بهترین فرد برای اطلاع‌رسانی و کمک به نوجوانان در زمینه‌ی مسائل جنسی باشد. (احمدی، ۱۳۸۶)

فعالیت‌های راهنمایی و مشاوره در دبستان

راهنمایی و مشاوره در دبستان دامنه‌ی گسترده‌ای از فعالیت‌ها را شامل می‌شود که اهم آن‌ها به‌طور اختصار بیان می‌شود:

۱. کمک به سازگاری کودکان با محیط دبستان

برخی از کودکان در هنگام ورود به دبستان می‌ترسند. آنان به دلیل اضطراب جدایی یا ترس اجتماعی مایل به حضور در مدرسه نیستند. مشاور به اولیای کودک و مدرسه کمک می‌کند تا با برخورد درست خود، مدرسه رفتن را برای کودک رضایت‌بخش کنند و به آن‌ها کمک می‌شود تا نقش جدید خود را در یادگیری برعهده گیرند.

۲. کمک به دانش‌آموزان برای رشد مهارت‌های اجتماعی
برخی از دانش‌آموزان فرصت یادگیری مهارت‌های اجتماعی را ندارند یا بیش از حد به والدین وابسته‌اند یا کم‌جرات‌تر شده‌اند. مشاور دبستان با ایجاد فرصت‌های برخورد اجتماعی، یاد دادن مهارت‌های اجتماعی و ایجاد موقعیت‌های گروهی به این‌گونه دانش‌آموزان کمک می‌کند با سایرین درآمیزند و رفتار اجتماعی را فرا گیرند.

۳. شناخت و ارزیابی توانایی‌ها و استعداد دانش‌آموزان
توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان موجب می‌شود که والدین و مربیان از آن‌ها انتظار واقع‌بینانه‌ای داشته باشند که مشاور به ارزیابی توانایی‌ها و استعدادها و نتایج را در اختیار مربیان و والدین قرار داده تا از کودکان انتظار واقع‌بینانه‌ای داشته باشند.

۴. کمک به حل مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان

دانش‌آموزان ابتدایی ممکن است در خواندن، نوشتن و حساب کردن مشکل پیدا کنند. مشاور در هنگام مشکل تحصیلی ابتدا به ارزیابی توان ذهنی دانش‌آموزان می‌پردازد، در صورت نداشتن مشکل ذهنی عوامل خانوادگی را بررسی می‌کند. مشاور با انجام دادن مشاوره‌ی خانوادگی به والدین کمک می‌کند تا انتظار واقع‌بینانه‌ای داشته و مشکلات خود را به کودک منتقل نکنند. همچنین مشاور به دانش‌آموزانی که دچار ناتوانی یادگیری هستند و درس را به خوبی یاد نمی‌گیرند کمک می‌کند تا با استفاده از امکانات دبستان و خانواده و یادگیری شیوه‌های مطالعه و برنامه‌ریزی برای دروس خود مطالب درسی را فرا گیرند.

۵. کمک به حل مشکلات عاطفی یا رفتاری دانش‌آموزان
دانش‌آموزان دبستانی ممکن است از جانب گروه هم‌سال طرد شوند و احساس حقارت کنند و یا از حضور در جمع مضطرب شوند و در فعالیت‌های کلاسی شرکت نکنند و یا اضطراب امتحان داشته باشند.

مشاور با شناخت حالات عاطفی دانش‌آموزان از روش‌های تغییر رفتار، مشاوره‌ی گروهی و خانوادگی در جهت حل مشکلات عاطفی دانش‌آموزان استفاده می‌کند.

۶. مشورت با مدیر، معلمان و کارکنان دبستان

مشاور به اولیای مدرسه کمک می‌کند تا آگاهی بیشتری از وضعیت ذهنی، رفتاری، اجتماعی و خانوادگی دانش‌آموزان پیدا کنند و در روابط خود، برنامه‌ریزی و تدریس دروس به ویژگی‌های شخصی، شرایط خانوادگی و اجتماعی دانش‌آموزان توجه کنند.

۷. مشاوره‌ی خانوادگی با والدین

شرکت در مشاوره‌ی خانوادگی به والدین کمک می‌کند تا روابط بهتری با یکدیگر داشته باشند و نقش سازنده‌ی خود را در رشد و حل مشکلات فرزندانشان پیدا کنند.

۸. آموزش خانواده

آشنا کردن خانواده‌ها با مراحل رشد فرزندانشان، شرایط یادگیری و روش‌های آموزشی و تربیتی، با آموزش آنان میسر است. آموزش منظم و برنامه‌ی خانواده‌ها موجب تغییر رفتار آنان نسبت به فرزندانشان و تصحیح کارآمد شدن روابط خانوادگی می‌شود. (احمدی، ۱۳۸۶)

منابع

۱. احمدی، احمد؛ مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۶.
۲. حسینی بیرجندی، سیدمهدی؛ اصول و روش‌های راهنمایی و مشاوره، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۸۸.
۳. خدایاری فرد، محمد؛ مسائل دوران کودکی و نوجوانی، انتشارات یسپرون، تهران، ۱۳۸۱.
۴. سیدمحمدی، یحیی؛ روان‌شناسی رشد از نوجوانی تا پایان زندگی، نشر آرسباران، تهران، ۱۳۹۰.
۵. شفیع‌آبادی، عبدالله؛ راهنمایی و مشاوره کودک، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۰.
۶. صافی، احمد؛ راهنمایی و مشاوره در دوره‌های تحصیلی، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۸۸.
۷. صافی، احمد؛ سازماندهی و اداره‌ی خدمات راهنمایی مشاوره، نشر روان، تهران، ۱۳۹۰.
۸. طهوریان، جواد؛ مشاوره با کودکان، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۸۸.
۹. یاسایی، مهشید؛ رشد و شخصیت کودک، نشر مرکز، ۱۳۸۲.

به چپ چپ به راست راست

راهنمایی و مشاوره‌ی کودک

شهلا سلیمانی

آموزگار پایه‌ی دوم دبستان دخترانه‌ی سیدحاجی طباطبایی



مشاوره‌ی کودکان بسیار مهم است. حتی عده‌ای توصیه می‌کنند که معلم علاوه بر تدریس، باید به مشاوره با کودکان نیز بپردازد. معلم با دانش‌آموزان ارتباطی دائم و نزدیک دارد و از توانایی‌ها و ضعف‌ها، آرزوها و نیازهای آنان به‌خوبی آگاه است. نقش معلم در برنامه‌ی راهنمایی و مشاوره به صورت‌های حمایتی، مشاوره‌ای، ارجاعی و خدماتی است. معلم از طریق همکاری با والدین و کارکنان مدرسه، عملکرد دیگر متخصصان را مفیدتر و مؤثرتر می‌سازد و از آنان در اجرای امور واگذار شده حمایت می‌کند، در مواقع ضروری به مشاوره با کودکان می‌پردازد و آنان را در حل مشکلاتشان یاری می‌دهد، کودکان را به‌خوبی می‌شناسد و در صورتی که به کمک‌های خاصی نیازمند باشد، آنان را نزد مشاور و دیگر متخصصان ارجاع می‌دهد. آموزگار از بروز مشکلات کودکان پیشگیری می‌کند و با ایجاد فضای صمیمی در کلاس و تأمین سلامت روانی

مشاور، مشاوره، مشورت و هماهنگی

در مورد کودکان، مشاوره نسبت به دو وظیفه‌ی دیگر اهمیت نسبی کمتری دارد و مشورت با والدین و معلمان و ارائه‌ی رهنمودهای اصلاحی و تربیتی و آشنا ساختن آنان با شیوه‌های تعامل صحیح با کودکان از اهمیت بیشتری برخوردار است. مشاوران کودک باید دارای خصوصیتی باشند از جمله حوصله، ثبات عاطفی، بی‌ریایی، رفتار دوستانه، صمیمیت، حضور ذهن، انعطاف‌پذیری، سعه‌ی صدر، آرامش، مهربانی، تعادل روانی، اعتقاد به توان و استعداد کودکان، علاقه به کودکان و تمایل به حل مشکلات آنان، رازداری، برخورداری از استعداد رهبری، خوش‌رفتاری، وضع ظاهری مناسب و اعتمادبه‌نفس.

نقش معلم

همه‌ی متخصصان راهنمایی و مشاوره معتقدند که نقش آموزگار در راهنمایی و

کودکان امروز، بزرگان آینده‌اند.

و معلمان و والدین

که به هستی کودکان معنی می‌بخشند، سرنوشت آنان را رقم می‌زنند.

اشاره

کودکان سرمایه‌های ارزشمند و سازنده‌ی آینده‌ی جامعه هستند. آموزش و پرورش در دوره‌ی کودکی که زمان شکل‌گیری شخصیت و ایجاد عادات مختلف و پیشگیری از بروز مشکلات است، آینده‌ی فرد و جامعه را بنا می‌نهد و مسیر حرکت مملکت را مشخص می‌سازد. توجه به مسائل و مشکلات کودکان باعث پیشرفت و ترقی جامعه می‌شود و غفلت در رفع مشکلات آنان، خسارات جبران‌ناپذیری به بار می‌آورد؛ از این‌رو، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش ابتدایی از حساس‌ترین و مهم‌ترین وظایف دست‌اندرکاران و مسئولان جامعه است و باید از اولویت ویژه‌ای برخوردار باشد.



جامعی درباره‌ی کودک کسب کنند و با شناخت توانایی‌ها و محدودیت‌ها علل رفتار کودک را تشخیص دهند.

از طریق این همکاری روابط دوستانه‌ای بین مشاور و معلم و والدین به وجود می‌آید که باعث اطمینان و تسلی خاطر والدین می‌شود و آنان را به تماس و همکاری بیشتر تشویق و ترغیب می‌کند.

والدین نیز اطلاعاتی

درباره‌ی کودکشان

کسب می‌کنند و با

نیازها و مشکلات آنان

بیشتر آشنا می‌شوند

و نحوه‌ی کار کردن

صحیح با فرزندانشان را

می‌آموزند. جلسه‌ی ملاقات

آموزگار و والدین که معمولاً

۲۰ تا ۳۰ دقیقه به طول می‌انجامد

به منظور ایجاد هماهنگی بین آموزش

مدرسه با خانواده، مبادله‌ی اطلاعات

در مورد کودک و تبیین سیاست‌ها

و خط‌مشی‌های مدرسه تشکیل

می‌شود. اگر تماس

مسئولان مدرسه

با والدین به صورت

ملاقات‌های منظم و جدی

باشد، والدین در آینده انتظار

دارند از طرف مدرسه دعوت شوند و خود

را موظف به شرکت در آن می‌دانند. معلم

باید برای آموزش والدین به صورت فردی

و گروهی، برنامه‌های دقیق تهیه و تنظیم

کند. والدین از طریق آموزش با مسائل

فرزندانشان آشنا می‌شوند و روش‌های حل

مشکلات را یاد می‌گیرند. آموزش والدین

تا حدود بسیاری جنبه‌ی پیشگیری دارد

و از بروز مشکلات اجتماعی و عاطفی

جلوگیری می‌کند.

آموزش والدین اصولی دارد از جمله

والدین قدرت یادگیری دارند، به یادگیری

علاقه‌مندند، آنچه دوست دارند یاد

می‌گیرند، موضوعی را که به رابطه‌ی آنان

با کودکشان مربوط باشد بهتر می‌آموزند و

از طریق بحث و گفت‌وگو یادگیری آنان

افزایش می‌یابد.

نقش مدیر

مسئولیت اداری و اجرایی برنامه‌ی راهنمایی و مشاوره‌ی مدرسه بر عهده‌ی مدیر است. وظایف عمده‌ی مدیر مدرسه در برنامه‌ی راهنمایی و مشاوره‌ی کودک عبارت‌اند از:

● نظارت بر فعالیت مشاور

● کوشش در پیشبرد امور آموزشی و تربیتی مدرسه

● همکاری جدی با مشاور به منظور شناخت کودکان

● جلب همکاری منابع موجود در جامعه

● مشورت با معلمان در زمینه‌ی شناخت مشکلات کودکان و کمک به رفع نیازهای آنان

● تشکیل جلسات با کودکان، معلمان و والدین به منظور جلب هدایت همکاری آنان نسبت به برنامه‌ی راهنمایی و مشاوره‌ی مدرسه.

مدیر مدرسه برای آنکه در انجام دادن این وظایف موفق شود، باید در زمینه‌ی راهنمایی و مشاوره آگاهی کافی داشته و دوره‌ی کارآموزی لازم را گذرانده باشد.

شناخت و درمان مشکلات کودکان

مشکل از نظر لغوی به معنی مسئله، امر مبهم و معشوش و آن چیزی است که به راحتی درک نمی‌شود و حل آن به تفکر

و اندیشه نیاز دارد. مشکل زمانی به وجود می‌آید که پدیده‌ای پیوند و ارتباط فرد را با خود و دنیای پیرامون بر هم زند.

مشکل، موقعیتی نگران‌کننده و اضطراب‌آور ایجاد می‌کند و ارضای

نیازهای اساسی و عملکرد زیستی - روانی فرد را به مخاطره می‌افکند و کارآمدی او را کاهش می‌دهد.

کودکان با توجه به سن در هر یک از دوره‌های کودکی، مشکلات معینی را

بیشتر بروز می‌دهند. در سه سال اول

زندگی، مشکلات آنان از نوع واکنش‌های روان - تنی است. از چهار تا شش سالگی

بیشتر اختلالات زودگذر نظیر ترس، ناخن جویدن، انگشت مکیدن، پرخاشگری، شب‌اداری، تخریب و لجبازی در آنان

مشاهده می‌شود. از هفت تا یازده سالگی

دانش‌آموزان، موجبات تحصیل و افزایش

یادگیری آنان را فراهم می‌آورد. معلمان

مدارس با ایجاد رابطه‌ی انسانی و دوستانه

با دانش‌آموزان، یادگیری را ساده و جالب

می‌کنند و ترس و وحشتی را که معمولاً

کودکان از معلمان دارند از بین می‌برند،

هم‌چنین از صفات مثبت و نقاط قوت

کودکان آگاه و به رفع صفات ناخواسته و

نقاط ضعف آنان می‌پردازند.

نقش والدین

در راهنمایی و مشاوره‌ی کودک،

همکاری والدین با مشاور و معلم نقش

کلیدی دارد و بدون مشارکت آنان کمک

به کودک غیرممکن است. همکاری والدین

باعث می‌شود که مشاور و معلم، اطلاعات

اختلالاتی نظیر دزدی، لکنت زبان، دروغ‌گویی، خودداری از مدرسه رفتن، تمارض و تیک بیشتر رواج دارد.

دروغ‌گویی

دروغ‌گویی از نظر لغوی به معنی کتمان واقعیت است و بیان سخنی که واقعیت خارجی برای گوینده ندارد. دروغ‌گو از طریق دروغ گفتن، ضعف‌های خود را می‌پوشاند، شنونده را گمراه می‌سازد، از تنبیه خود رنجت می‌بخشد و بدان وسیله توجه دیگران را به خود جلب می‌کند.

علائم و نشانه‌های دروغ‌گویی

هرگاه کودک در موقعیتی نامطمئن و ناامن قرار گیرد و احساس خطر یا حقارت کند به گفتن دروغ متوسل می‌شود. دروغ‌گو فراموش کار است و پس از مدتی نزد مردم بدنام و بی‌اعتبار می‌شود. دروغ‌گویی باعث تغییرات جسمی نظیر افزایش ضربان قلب، تغییر حالت چشم، رنگ‌پریدگی، برافروختگی، بی‌قراری و ناآرامی و خشک شدن دهان و گاهی لکنت زبان و پراکنده‌گویی می‌شود.

علل دروغ‌گویی

دروغ‌گویی به‌عنوان یک مشکل علل گوناگون و متعددی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. اولین علت برای دروغ‌گویی کودکان آموزش‌های نادرست خانواده است. کودک تا حد بسیاری در رفتارهای خود از والدین و افراد خانواده تقلید می‌کند. چنانچه کودکی در خانواده یا مدرسه مورد بی‌توجهی اطرافیان قرار گیرد، برای نشان دادن خود و جلب توجه آنان ممکن است به گفتن دروغ در زمینه‌های گوناگون متوسل شود. گاهی نحوه‌ی بیان و برخورد والدین و مربیان و معلمان با کودک، او را به دروغ گفتن وادار می‌کند. انتظار و توقع بیش از حد از کودکان و مقایسه‌ی آنان با دوستان و همکلاسی‌ها در زمینه‌های گوناگون از دیگر علل دروغ‌گویی کودکان محسوب می‌شود. والدین و معلمان که از دانش‌آموزان انتظاراتی بیش از حد توانشان دارند و آنان را تحت فشار قرار می‌دهند، کودکان را به دروغ‌گویی وامی‌دارند. دروغ‌گویی علل دیگری هم دارد:

- اجتناب از ناراحتی و دردرس و تعقیب؛

- فریب دادن دیگران برای کسب جاه و مقام و سود شخصی؛
- ناراحت کردن رقیب‌ها و اطرافیان؛
- فراموشی؛
- شتاب‌زدگی؛
- آرزو و خیال.

درمان

دروغ‌گویی در نهایت برای کودک و جامعه زیان‌های فراوانی دارد، بنابراین درمان آن لازم است. اگر درمان زودتر و در سنین پایین‌تر آغاز شود، نتایج امیدبخش‌تری به دنبال خواهد داشت. در درمان دروغ‌گویی، همکاری خانواده و مسئولان مدرسه ضروری است. برای پیشگیری و درمان دروغ‌گویی، معلمان و والدین باید واقعیات را بپذیرند و برای شنیدن موارد شیرین و تلخ از طرف کودکان آماده شوند و با رفتار خود به کودک بیاموزند که گفتن واقعیات به هر صورتی که باشد، مقبول است و موجبات تنبیه و آزار کودک را فراهم نخواهد کرد. در صورت مشاهده‌ی دروغ، والدین و معلمان نباید شتاب‌زده عمل کنند و به تنبیه کودک مبادرت ورزند.



همه به مشاوره و راهنمایی نیاز دارند کودکان بیشتر!

نشستی با احمد صافی
پیشکسوت و صاحب‌نظر در
راهنمایی و مشاوره‌ی تحصیلی

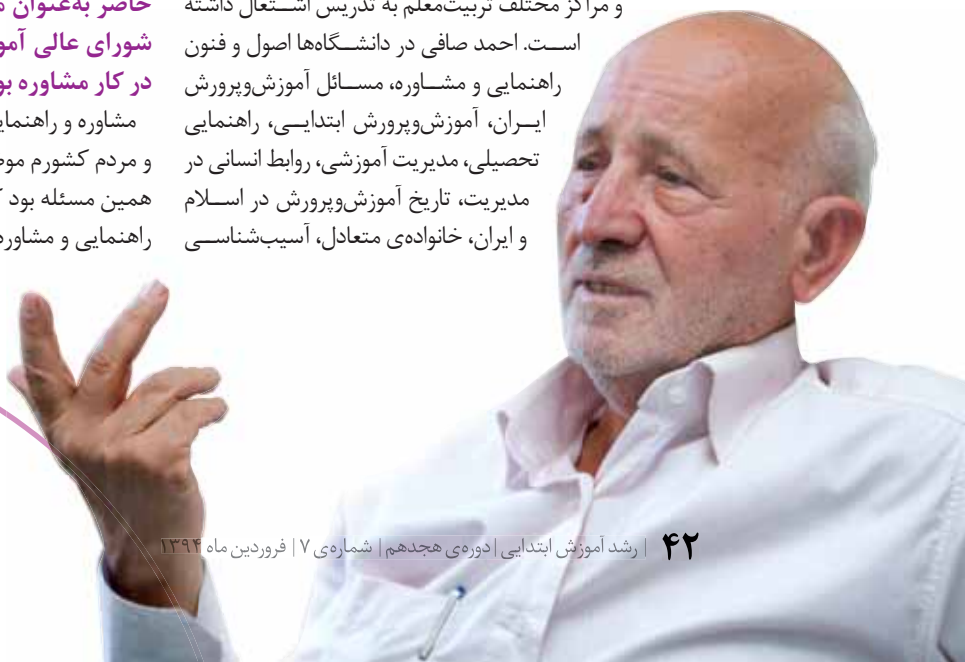
محمد دشتی
عکس: رضا بهرامی

خانواده، کارورزی در مشاوره، تجربه‌ی عملی و کارورزی در معلمی، فنون و روش‌های تدریس، مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، مشاوره‌ی تحصیلی، راهنمایی و مشاوره‌ی شغلی و تعدادی دیگر از دروس رشته‌های مختلف مراکز تربیت‌معلم را تدریس کرده است. حاصل این دوره‌ها تربیت صدها معلم و دانشجو و نگارش ۳۱ کتاب غالباً با همان سرفصل‌های درسی و بعضاً با همان عناوین نظیر راهنمایی و مشاوره، سازمان و قوانین آموزش و پرورش، مسائل آموزش و پرورش ایران و نگارش قریب ۱۰۰ مقاله، اجرا و یا نظارت بر بیش از ۵۰ طرح تحقیقی است.

استادا! نام و عنوان احمد صافی به‌عنوان یک معلم موفق، با موضوع راهنمایی و مشاوره گره خورده است، کما اینکه در حال حاضر به‌عنوان مشاور وزیر آموزش و پرورش و مشاور دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش هم خدمت می‌کنید. چه افسونی در کار مشاوره بود که شما را مجذوب خود کرد؟

مشاوره و راهنمایی ما را با انسان‌ها پیوند می‌دهد و ارتباط با هم‌نوعان و مردم کشورم موضوعی بود که خیلی برای من جذابیت داشت و شاید همین مسئله بود که من را به وادی راهنمایی و مشاوره کشاند. بحث از راهنمایی و مشاوره، صحبت درباره‌ی یکی از موضوعات مهمی است که

اشاره
استاد احمد صافی برای معلمان نام‌آشناست. او متولد سال ۱۳۱۶ گلیپایگان بوده و با خاندان آیت‌الله صافی گلیپایگانی ارتباط نسبی دارد. استاد در سال ۱۳۳۴ از دانشسرای مقدماتی گلیپایگان دیپلم گرفت و بعد از پنج سال تدریس در شهرهای استان لرستان در دانشسرای عالی تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۴۴ در رشته‌ی آموزش ابتدایی لیسانس گرفت. سپس بعد از دو سال در رشته‌ی راهنمایی و مشاوره‌ی دانشگاه تربیت‌معلم قبول و در سال ۱۳۴۸ به‌عنوان دانشجوی ممتاز از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. البته از همین سال به تدریس در این دانشگاه نیز مشغول شد که این دوره ۲۴ سال به طول انجامید. وی قریب پنج دهه در دانشگاه‌های الزهراء(س)، تربیت‌مدرس، دانشگاه تهران، شهیدبهشتی، شهید رجایی، علامه طباطبایی و مراکز مختلف تربیت‌معلم به تدریس اشتغال داشته است. احمد صافی در دانشگاه‌ها اصول و فنون راهنمایی و مشاوره، مسائل آموزش و پرورش ایران، آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی، مدیریت آموزشی، روابط انسانی در مدیریت، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، خانواده‌ی متعادل، آسیب‌شناسی



موفقیت راهی جز بهره بردن از اندیشه و تجربه‌ی بزرگان صاحب‌نظر و خیرخواه ندارد.

تعریف شما از راهنمایی و مشاوره چیست؟

در تعریفی که با آن بتوانیم به دانش‌آموزان و به‌خصوص دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی که در ابتدای راه رشد و یادگیری هستند، بهتر کمک کنیم، گفته شده است: راهنمایی فرایند کمک به تک‌تک مراجعان، دانش‌آموزان، دانشجویان و یا دیگر مراجع است تا بتوانند خود و محیط خود را بشناسند و انتخابی بهتر و اصلاح داشته باشند.

در همین ارتباط دکتر غلامحسین شکوهی، استاد بزرگ تعلیم‌وتربیت می‌گوید: راهنمایی عبارت است از انطباق خصایص بین مراجع و محیط، که هرچه بین شرایط محیط و خصوصیات ویژگی‌های فرد انطباق بیشتری باشد و راهنما بتواند با دانش و تجربه‌ی خود توافق بیشتری در این بین برقرار کند، مسیر موفقیت فرد بهتر و مؤثرتر تضمین خواهد شد. در حال حاضر هم به‌خاطر اهمیت موضوع راهنمایی و مشاوره صاحب‌نظران آن را همانند تعلیم‌وتربیت می‌دانند و یا حداقل آن را تسهیل‌کننده‌ی تعلیم‌وتربیت به شمار می‌آورند. معنای این حرف این است که توجه به مشاوره و راهنمایی یک ضرورت است و تحقق هدف‌های آموزش‌وپرورش، تربیت انسانی که هدفش رسیدن به حیات طیبه است و حتی تحول در آموزش‌وپرورش در گرو بهره‌گیری از خدمات راهنمایی و مشاوره در همه‌ی دوره‌های تحصیلی، به‌خصوص دوره‌ی مهم و حساس ابتدایی است.

نکته‌ی دوم هم که باز اهمیت موضوع مشاوره را نشان می‌دهد، اینکه انسان‌ها، رغبت‌های آنان، نیازها و ویژگی‌های آنان با هم متفاوت است و توجه به این تفاوت‌های فردی و گاه جمعی کار را سخت‌تر می‌کند و همین موضوع هم باعث می‌شود نیاز به مشاوره و راهنمایی بیشتر و مهم‌تر شود، زیرا انسان‌ها، نیاز به راه‌ها و مسیرهای گوناگونی دارند که با توجه به صفات و ویژگی‌های خاص آنان، بتواند راه موفقیت را تشخیص داده و آنان را در مسیری که موفقیتشان

در همه جا به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی مورد توجه است. در سال ۱۳۳۵ رئیس آموزش‌وپرورش منطقه‌ی بروجرد، که مرد دانایی بود، به ما توصیه کرد در ابتدای شروع کار حتماً از روستا شروع کنیم. از آنجا به الیگودرز رفتیم و سپس در ازنا مشغول به خدمت شدم. خدا را شاکرم که پس از حدود ۴۸ سال با مرور زندگی معلمی و کاری خودم احساس کردم مدرسه‌ی ابتدایی و کار با کودکان بی‌همتاست و خداوند را شکر کردم که چنین شروع خوبی داشته‌ام.

جدای از اینکه تکلیف شد به روستا بروید و کار معلمی را شروع کنید، خودتان هم علاقه‌ای برای تدریس داشتید؟

بله! خوشبختانه خودم هم از همان ابتدای کار معلمی، عاشق خدمت در دوره‌ی ابتدایی بودم و خدا را شکر می‌کنم که بخش اعظم عمر کاری‌ام هم در این دوره صرف شده است. هیچگاه از مطالعه و نوشتن و خواندن غافل نبودم و الحمدلله این توفیق هم حاصل شد تا تجربیاتم را با بازدید از مدارس ابتدایی و راهنمایی در دیگر کشورها از جمله ژاپن و مالزی تکمیل و آن‌ها را در قالب کتاب‌هایی تقدیم معلمان عزیز کرده‌ام.

از اهمیت مشاوره و راهنمایی، در مدارس بگویید.

صاحب‌نظران در امر مشاوره و راهنمایی بر دو معنا، بیشتر از موضوعات دیگر تأکید کرده‌اند. استاد دانشمند، علامه طباطبایی، راهنمایی را ارائه‌ی طریق و کمک در نشان دادن راه‌های مختلف برای زیستن نیکوی انسان دانسته‌اند و معنی دیگر راهنمایی ایصال مطلوب است. یعنی فرد به‌گونه‌ای راهنمایی شود تا بتواند به نقطه‌ای که به‌عنوان هدف تعیین شده است، برسد. در هر دو شکل انسان نیازمند است که به‌وسیله‌ی مرشدانی راه‌های متعدد طی مسیر در زندگی شایسته را بشناسد و هم‌چنین با نحوه‌ی رسیدن به نقطه‌ی هدف نهایی آشنا شود. مشورت هم دو وجه دارد. در دین مبین اسلام هم سفارش شده است که با صاحب‌نظران مشورت کنید. حضرت محمد(ص) هم به امام علی(ع) تأکید می‌کنند که هیچ پشتیبانی محکم‌تر از مشاوره و مشورت با صاحب‌نظران نیست. مشاوره در یک معنی به مفهوم گفت‌وگوی تخصصی بین یک مراجع و یک مشاور است و مشورت را گفت‌وگوی افراد با صاحب‌نظران در مسائل متعدد زندگی دانسته‌اند تا فرد از آنان برای انتخاب راه بهتر زندگی و تصمیم‌گیری مناسب کمک بگیرد.

تأکید بر اهمیت موضوع راهنمایی و مشاوره نشان می‌دهد انسان موجودی است اجتماعی که در زندگی به راهنمایی و مشاوره‌ی دیگران و به‌خصوص بزرگان و صاحب‌نظران نیازمند است و یکی از نیازهای اساسی بشر است. این در حالی است که به لحاظ آموزه‌های مذهبی در همه‌ی ادیان توحیدی و به‌خصوص دین مبین اسلام، رستگاری و موفقیت در هر دو دنیا در گرو همین امر مشاوره و گرفتن راهنمایی از صاحب‌نظران است. معنی این حرف این است که حتی اگر کسی به دنبال مسائل اخروی خود هم نباشد، برای موفقیت در همین دنیا هم نیازمند مشاوره و راهنمایی است و برای رسیدن به



رئوف المعلمین

محمدباقر نوریان لالایی



آموزگاران و دیگر فرهنگیان با وجود سختی‌های کار معمولاً بانشاط و به‌روزند. آنچه در میان آن‌ها بیشتر دیده می‌شود، صمیمیتی است که در روابطشان با دانش‌آموزان و همکاران از خود نشان می‌دهند.

محمدباقر نوریان لالایی از دبستان انقلاب محمودآباد در استان مازندران به مناسبت روز معلم چند خاطره به نقل از همکار دوست‌داشتنی خود- حسین آقاچان‌پور- فرستاده و آن را به مناسبت اولین سال بازنشستگی وی به او تقدیم کرده است. نوریان می‌گوید: «رهنمودهای راه‌گشای این عزیز همیشه در گوش من است. او به تمیزی و پاکیزگی عادت داشت؛ چه در پوشیدن لباس‌های شاد و متین و چه در مرتب نگاه‌داشتن موهای سر و صورت.» او می‌گفت: «وقتی مشغول نوشتن روی تخته هستید، بچه‌ها پس گردن شما را می‌بینند و به آن توجه دارند. منظم و تمیز بودن شما روحیه‌ی آن‌ها را بالا می‌برد.»

خنده از لب‌های آقاچان‌پور نمی‌افتاد. او برای وصف همکاران مهربان به دنبال صفتی می‌گشت تا محبت آنان را به تمامی بیان کند، این‌گونه افراد را «رئوف‌المعلمین» می‌گفت و به شادترین آموزگاران لقب «مفرح‌المعلمین» داده بود. به نظر شما «یوسف‌المعلمین» و «صبور‌المعلمین» در این دبستان چه کسانی بودند؟ آری او در صورت و سیرت مخاطب دقیق می‌شد و اگر زیبایی در آن می‌دید، آن فرد را یوسف‌المعلمین نام می‌گذاشت.

حکایت صبور‌المعلمین هم که روشن است!

در گرو آن است، راهنمایی کند. پس تنوع انسان‌ها، گوناگونی راه‌ها، شیوه‌های متفاوت رسیدن به هدف و بی‌تجربه بودن افراد در گام‌های آغاز راه، این نیاز را ایجاد می‌کند که افراد نیازمند راهنمایی بزرگان و صاحب‌نظران باشند و این امر مهم در آموزش و پرورش از جاهای دیگر ضروری‌تر و حساس‌تر است و اهمیت آن در دوره‌های آغازین تحصیل و از جمله دوره‌ی ابتدایی دوچندان است.

با توجه به اهمیت و ضرورت بحث مشاوره و راهنمایی در دوران ابتدایی چه سفارشی در این خصوص برای مدارس و معلمان تلاشگر دوره‌ی ابتدایی دارید؟

عرض کردم که همه نیازمند مشاوره و راهنمایی هستیم و بچه‌ها و فرزندان ما در دوره‌ی ابتدایی بیشتر از همه نیاز به راهنمایی و دستگیری دارند. بچه‌ها به‌عنوان نوگلانی که تازه شروع به رشد و بالیدن کرده‌اند، حتماً باید مورد توجه بیشتری باشند و اتفاقاً معلمان عزیز ما در دوره‌ی ابتدایی باید اطلاعات لازم را در خصوص کودکان داشته باشند تا بتوانند آنان را راهنمایی و کمک کنند. شاید این فرصت وجود نداشته باشد که معلم بتواند همه چیز را دربارگی کودکان بیاموزد اما ضروری است که اطلاعات اولیه را در این زمینه داشته باشد. موضوع مهم‌تر از داشتن این اطلاعات دلسوزی و توجه معلم است، چون اگر معلم توجه کافی را به همه‌ی دانش‌آموزان داشته باشد و بتواند مشکل بچه‌ها را تشخیص دهد، می‌تواند با کمک دیگر همکاران مدرسه و یا حتی خانواده‌ها از گسترش مشکلات و آسیب‌های بعدی به دانش‌آموز جلوگیری کند.

باید توجه داشته باشیم که ما در این دوره از معلم انتظار درمان نداریم و مهم این است که بتواند با توجه و دقت در رفتار و اعمال بچه‌ها، در وهله‌ی اول دانش‌آموزانی را که احیاناً مشکلاتی دارند، شناسایی و معرفی کند و در درجه‌ی دوم به دانش‌آموزانی که ممکن است مشکل هم نداشته باشند، اما در برخی امور نیاز به کمک و راهنمایی دارند، توجه و کمک کند.

در هر صورت جمع‌بندی صحبت من این است که ما در هیچ شرایط و زمانی بی‌نیاز از گرفتن راهنمایی و مشاوره از صاحب‌نظران نیستیم و به‌خصوص در دوره‌ی ابتدایی بچه‌ها نیازمند توجه و کمک ما هستند.



اختلالات یادگیری

مؤلفان: سمیرا براتی، کیومرث همتی، مجتبی نظری
 امیررضا صدرایی، محبوبه بازمانده
 نشر: نقش نگین (اصفهان ۱ - ۲۳۳۶۲۶۰)
 نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲
 قیمت: ۴۰۰۰ تومان



راه‌های درهای آن هستند. آن‌ها با بسط جلوه‌های مشکلات یادگیری به اختلال خواندن، نوشتن و اختلال ریاضیات پرداخته‌اند و در پایان هر فصل با دادن تمرین‌هایی در تقویت ضعف‌های گفته‌شده تلاش کرده‌اند.

آیا تا به حال روش فوتونیک در آموزش صداها یا روش چند حسی فرنالدر را ملاحظه کرده‌اید؟ با خواندن این کتاب می‌توانید به برخی سؤالات خود در زمینه‌ی ریاضی، دیکته و اختلال خواندن پاسخی بیابید.

بسیارند کودکانی که ظاهری طبیعی دارند، رشد جسمی و هوش عادی دارند و کارهای واگذار شده را به خوبی انجام می‌دهند اما وقتی به مدرسه می‌روند در خواندن و نوشتن یا حساب دچار مشکلاتی می‌شوند. بیش از یک قرن است که متخصصان علوم تربیتی و روان‌شناسی در پی تشخیص و درمان مشکلات این کودکان هستند. اما این اختلال چیست؟ در این زمینه در بعضی تعاریف چهار عامل گنجانده شده است که عبارت‌اند از: ۱. تفاوت در بهره‌ی هوشی و موفقیت تحصیلی ۲. فرضیه‌ی مبتنی بر بدکاری سیستم اعصاب مرکزی ۳. اختلالات روانی ۴. مسائل یادگیری که معلول محیط نامناسب یا پریشانی‌های عاطفی است.

مؤلفان کتاب «اختلالات یادگیری» در چهار فصل و هم‌چنین پرسش‌نامه‌های مقاطع ابتدایی سعی در معرفی این اختلال و



مؤلفان: عادل ضری، علی جاویدان
 نشر: جوپل (یاسوج)
 سال نشر: ۱۳۹۲
 قیمت: ۴۰۰۰ تومان

جوړچین تعلیم و تربیت

اصول روان‌شناسی، خاصه روان‌شناسی کودک و بهره‌مندی از قالب تمثیل از مزایای این اثر است.

مؤلفان در بخش پایانی کتاب بر مبنای کتاب عبدالعظیم

کریمی می‌پرسند: «تربیت چه چیزی نیست؟» و ادامه می‌دهند، حکایت تربیت آسیبزا و وارونه در تعلیم و تربیت ما، حکایت خظیر و تکان‌دهنده‌ای است.

کمک کردن و یاری کردن کودک، قدرت اتکا به خود او را از بین می‌برد.

بهترین لحظه‌های یادگیری، رسیدن به مجهول و کنجکاوی نسبت به نادانسته‌هاست. یادمان باشد، کودک باید کودکی کند!

لزوم توجه به تفاوت‌های فردی، آموزش تفکر ساختارمند، آموزش ضروریات، هدفمندی و خودارزش‌یابی از جمله مهارت‌هایی هستند که می‌توانند برای ورود به وادی آموزش و پرورش ره‌توشه‌ی مناسبی باشند. آیا مهارت‌های دیگری وجود دارد؟

در جوړچین تعلیم و تربیت، مؤلفان فارغ از چارچوب غیر منعطف علمی با زبانی ساده به چهل مهارت اساسی در آموزش و پرورش اثربخش پرداخته‌اند. مهارت‌هایی که هر راهبر آموزشی و پرورشی باید به آن‌ها مجهز باشد تا کلام و آموزه‌هایش به مذاق فراگیرندگان خوش آید.

عناوین این مهارت‌ها آموزش با توجه به بافت، شکست، سکوی پرتاب، شناخت همراه با عمل، آموزش جرئت‌ورزی، تسهیل‌گر آموزشی و ده‌ها عنوان کاربردی است.

تأکید بر بعد کار برای مطالب، طرح موضوعات با الهام از

همراهان

در این شماره از مجله نیز اسامی همکارانی که آثار و مقالات آنان بررسی شده، معرفی می‌شود. منتظر دیگر کارهای مخاطبان گرامی هستیم.

قدوسی، ناحیه‌ی پنج اصفهان. با «اجرای املا».

جهانگیر شفیعی گنجه، شاهین شهر، با «مهارت‌های یادگیری علوم». **مریم عزیزی**، آموزگار دبستان آزادی، علویجه، با «بیش‌فعالی». **شیمیا مهنام**، آموزگار، ناحیه‌ی چهار، اصفهان، با «پیامدهای آموزش هنر» **سیده معصومه رادمنند**، شاهین شهر، با تجربه‌ی سبز

ایلام

هرمز علی‌نژاد، آبدانان، با «یک نقد و چهار پیشنهاد». **نسیبه هاشمی**، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، دره شهر، با «بایدها و نبایدهای انضباطی در کلاس».

بوشهر

حسین باقری، دبستان امام خمینی، دیر، با «تحول یادگیری با چیدمان کلاس».

تهران

زهره کاشی، دبستان دخترانه‌ی حنانه، ازری، با «تجربه». **منیژه محمدپور نجاتیان**، دبستان معصومیه، منطقه‌ی نه تهران، با «چگونه توانستم کلاسی شاداب داشته باشم». **رقیه ازراعتی ایده‌لو**، آموزگار دبستان سعادت، منطقه‌ی ۱۸ تهران، با «حل مسئله‌ی ریاضی».

صبا ایران‌پور، آموزگار، شهرک اندیشه، شهریار، از عکس زیبایتان ممنون هستیم.

رقیه مکاری، آموزگار دبستان شهید باکری، اسلامشهر، با «روش‌های خلاق املا».

خراسان جنوبی

حسن‌رضا ترابی، دبستان

سندروس، بیرجند، با «روش تدریس نور و رنگ» و «هر گروه یک وبلاگ».

خراسان رضوی

زهره عصمتی شرقی، آموزگار، نیشابور، با «خاطره». **زهره قربانی**، فریمان، با «ساده‌ترین اقدامات در رفع اختلال دیکته». **علی ستوده ریحانیان**، آموزگار دبستان شهید اصفری، ناحیه‌ی یک، با «خاطره‌ی «سنت‌شکنی». امیدواریم همیشه شاد باشید.

فریبا کوشکی، آموزگار دبستان شاهد، سبزوار، با «به سبکی دیگر خودمان را معرفی کنیم». **ابراهیم خلیلی**، دبستان شهید محمدی، تربیت حیدریه، با «مؤذن». **پروین نقیعی نسب**، آموزگار دبستان پرنیان، سبزوار، با «آموزش ساعت با محور و بازی».

خراسان شمالی

رجبعلی باقری، دبستان شهید مفتح ایور، گرمه، با «اختلال در نوشتن».

خوزستان

مریم روشندل نساج، دزفول، با «مقایسه‌ی روش تدریس پودمانی و همیاری...». **سیدکاووس عباسی**، مشاور مدرسه‌ی استعدادهای درخشان، ایذه، با «ورزش».

زنجان

مصیب خلخالی، آموزشگاه خیام، خرم‌دره، با «درمان اختلالات یادگیری ریاضی». **شیمیا جعفری**، آموزگار، روستای دولاب، زنجان رود، با «تقویت احترام به محیط زیست».

سمنان

زهره حاجی سلطانی، آموزگار دبستان خدیجه کبری «س»، با «تفریق تکنیکی». **فریده نصیری**، آموزگار دبستان شهید قزوینی، با «تأثیر روش تدریس یادگیری مشارکتی».

سیستان و بلوچستان

حمید اکبری، دبیر، زاهدان، با «اهمیت به کارگیری روش تدریس نوین در آموزش ابتدایی». **حسینعلی مؤمنی**، مدیر دبستان ایثار، ناحیه‌ی یک، زاهدان، با «ناگفته‌های کلاس».

فارس

فاطمه بنایی، آموزگار دبستان شاهد لاله‌ها، شیراز، با «حل مربع‌های شگفت...».

سعید شایگان دوست، سرگروه پایه‌ی ششم، بوانات، با «فرآیند ساخت چیست؟». **حسین نیکو**، آموزش و پرورش شیراز، با «ارزش‌یابی کیفی...».

قزوین

مهین السادات میرکریمی، آموزگار، روستای احمدآباد، بوئین‌زهره، با «تبدیل واحدها».

کردستان

بهیه آقایی، شیدا مندمی، آموزگار آموزشگاه باغچه‌بان، مریوان، با «شیوه‌ی گرفتن مداد». **علیرضا سودمند**، آموزگار منطقه‌ی کرانی، با «هفت‌خان روستا». **عرفان نادری**، مریوان، با «عوامل گوشه‌گیری».



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهانه و ده شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهانه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهانه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول)
- رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم)
- رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت‌بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۱۳۰۱۴۷۸

کرمانشاه

افشین ادیب‌منش، ستار باردل، وحید شاماری، مهربان پورمحمد، منطقه‌ی گهواره. با «انطباق‌یابی برنامه‌ی درسی پنهان آموزش علوم...»

گلستان

زهرا علیخانی، آموزگار دبستان قدس. علی‌آباد کتول. با «ان در کلاس».

فاطمه قادرآبادی، دبستان قدس، علی‌آباد کتول. با «مشاوره و تربیت دینی».

لرستان

معصومه کوه‌گرد، مجتمع شهید ماهرخ روستای کفشگرانی. منطقه‌ی اشترینان. با «تجربه‌ی کتاب فارسی».

حیدر خورشیدوند، آموزگار دبستان قاضی‌زاده، ناحیه‌ی دو خرم‌آباد. با «قهرمان زمانی» و «پول پربرکت معلمی».

ذبیح‌الله نوریان، لیسانس مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، الیگودرز، با «تأثیر ارزش‌یابی توصیفی».

راضیه شهروانی، آموزگار دبستان آزادگان، بروجرد. با «ریشه‌های فطری نماز».

مازندران

سیاوش نقی‌پور، آموزگار دبستان شهید زیدی، تنکابن. با «گویش‌های محلی و خلاقیت در انشا».

توران کابلی، آموزگار، بهشهر. با «تجربه‌ی سبز».

توران کابل قره‌تپه، زهرا نجفی رباطی، سیده بنین هاشمی، آموزگار دبستان شهید مجتبابی، با «سلامت روان کودک...».

ماه‌بانو عظیمی، دبستان زهت، ساری. با «تجربه‌ی تدریس قرآن».

سکینه صنوبر لیماکشی، آموزگار. با «خاطره».

حسین مشایخ امیری، آموزگار دبستان شاهد، نوشهر. با «ضرورت ارزش‌یابی هنر».

مهدی خدادادی، آموزگار، نوشهر. با «تجربه‌ی آموزشی».

مهری فریدونی کوچکسرایبی،

آموزگار دبستان زهرا عمومی، روستای چمازکتی. قائمشهر. با «آموزش مفهوم ضرب» و «تمودار درختی»

مرکزی

سیده‌صدیقه امینی، آموزگار امام موسی‌صدر، تفرش. با «رفع ناخن جویدن».

علیرضا شمشیری، معاون فناوری دبیرستان قمر بنی‌هاشم، کمیجان. با «خاطره‌ی تدریس».

زهرا محبوب دنیوی، آموزگار دبستان شاهد علی پیر و نظر. با «پرورش خلاقیت دانش‌آموزان».

معصومه حیدری، آموزگار دبستان پسرانه‌ی شهدا، تفرش. با «فزایش علاقه‌مندی دانش‌آموز نسبت به روخوانی».

اعظم ابراهیمی، دبستان فاطمیه، خمینی. با چند طرح و عکس.

همدان

سیدصمدالماسی حسینی، فنوش ایزدمهر، همدان. با «انگیزش پژوهش در دانش‌آموزان ابتدایی».

لیلا صالحی‌نسب، آموزگار دبستان علوم‌ی دو، ناحیه‌ی دو، همدان. با «بیش‌فعالی کودکان...»

آثار این همکاران نیز رسید:

مریم نادری، آموزگار. با «زبان خوش...»

زهرا عابدی، با اصول آموزش اولیه‌ی ادبیات».

فاطمه سوریان، منطقه‌ی پیشوا با «یک راهکار برای انشانویسی» و «املا‌ی یافتنی» و «خاطره».

علی‌اکبر صادقی، با «خاطره».

وبلاگ ایشان هم در ادامه معرفی می‌شود:

<http://Hueyzeghani.blogfa.com>

سعیده ذاکرزاده، دبستان دخترانه‌ی معلم یک. با «خاطره».

سیدمرتضی رضوی خسروانی، با طرح «پزشکان نوجوان».

مسافران نوروزی

فهیمة حبیبی
آموزگار دبستان
شهید فرزین فر
ناحیه‌ی شش مشهد

برای استفاده‌ی تمام خانواده‌هایی که مهمان کلاس ما هستند
در صورت نیاز استفاده بفرمایید
نوش جان



به احتمال بسیار، زمانی این نوشته پیش روی خوانندگان مجله قرار می‌گیرد که تعطیلات نوروزی به اتمام رسیده است. امیدواریم که همه به سلامت به خانه بازگشته و کار و زندگی را از سر گرفته باشند. در این روزها حتماً بسیاری از هم‌وطنان هم در طرح اسکان نوروزی گذارشان به مدرسه‌های مختلف افتاده است. برای ما از اواسط اسفندماه زمزمه‌ی اسکان به گوش رسید و فهرست مدارس منتخب در استقبال از مسافران نوروزی اعلام شد. در پی همین امر، به آموزگاران و دانش‌آموزان گفته شد آثاری را که در کلاس دارند، جمع‌آوری کنند تا همراه میز و نیمکت‌ها از کلاس خارج و کلاس‌ها مفروش شود.

معمولاً دانش‌آموزان خیلی از فلسفه‌ی این فعالیت‌ها باخبر نیستند. اما در کلاس ما ماجرا، جور دیگری رقم خورده است. دو سه سال است که دخترهای کوچک من از هدف این طرح مطلع شده‌اند و چه زیبا میزبانی می‌کنند زائران امام رضاع) را. کلاس را تمیز می‌کنند و با نوشته‌های زیبا روی دیوار و در و پنجره‌ی کلاسشان به مهمانان خیرمقدم می‌گویند.

هرکس به قدر توان لیوان یک بار مصرف، سبب‌زمینی و پیاز یا چند حبه‌قند و جای کیسه‌ای، تعدادی روزنامه یا وسایل دیگر می‌آورد و مرتب و تمیز در سبدهی چیده و روی تاقچه‌ی کلاس می‌گذارد. یک بطری روغن مایع و نان، صابون و چند متر طناب به‌عنوان بندرخت و چند عدد سنجاق هم ضمیمه می‌کنند. می‌دانید چرا؟ چون دانش‌آموزان من پیش‌بینی می‌کنند شاید مسافری نیمه‌شب، خسته از راه برسد. شاید فرصت خرید و تهیه‌ی غذا را نداشته باشد و چندتا شاید دیگر... آن وقت هر کدام یک کارت تبریک برای مسافران کلاسشان درست می‌کنند و روی تنها میز کلاس می‌گذارند تا هر خانواده یکی از کارت‌ها را یادگاری پیش خود نگه دارد. روی دیوار یک برگه و یک خودکار قرار می‌دهند تا مسافران نظر و خاطره‌ای برایشان بنویسند.

دختران من می‌دانند اگر تدارکاتشان تنها دل یک نفر را هم شاد کرده باشد لبخند خدا را گرفته‌اند و این یعنی موفقیت.



برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

◆ نام مجلات در خواستی:

.....
.....
.....

◆ نام و نام خانوادگی:

◆ تاریخ تولد:

◆ میزان تحصیلات:

◆ تلفن:

◆ نشانی کامل پستی:

استان:

شهرستان:

خیابان:

پلاک:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

◆ اگر قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

◆ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

◆ اشتراک مجله: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۶۵۶/۷۷۳۳۳۵۱۱-۲۱

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال